

پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی
سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۸)، پاییز ۱۳۹۸، جلد دو
ISSN: 2645-4408

بررسی تأثیر ظرفیت تغییر بر بانکداری الکترونیک
حمیده عباسی، رسول صریحی، آمنه مالمیر، عباس حامدی

رابطه بین رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها با دستکاری
فعالیت‌های واقعی، کیفیت حسابرسی و حاکمیت شرکتی
یداله نوری فرد، ابراهیم بسحاق

ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته
حسابرسی بر کیفیت حسابرسی داخلی در شرکت‌های
پذیرفته شده بورس اوراق بهادار ایران
مریم صفریور، فرزین خوشکار، مرتضی عباسی شاهمراد محله

بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین دارایی‌های
نامشهود و حقالزحمه حسابرس در شرکت‌های پذیرفته
شده در بورس اوراق بهادار تهران
قدرتاله برزگر، بهداد غلامحسینزاده، سکینه یعقوبی چناری

تدوین مدل الگوی رابطه تمرکز مالکیت، محافظه‌کاری و
کیفیت گزارشگری با خطر سقوط قیمت سهام شرکت‌های
پذیرفته شده در بورس تهران
سید سعید مهدیان، حسین شیربندی

بررسی تأثیر رقابت در بازار محصول بر مدیریت سود در
شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
یکتا عباسیان

پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۸)، پاییز ۱۳۹۸

ISSN: 2645-4408

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

مهرداد فتاحی

زیر نظر شورای سردبیری

مدیر داخلی: منیژه ملائی

اعضای شورای علمی تحریریه:

دکتر منصور زراء نژاد، عضو هیئت علمی دانشگاه چمران اهواز

دکتر منصور مهینی زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه یزد

دکتر روح اله بیات، عضو هیئت علمی دانشگاه امام خمینی

دکتر عبدالمجید آهنگری، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران

دکتر مهدی ذوالفقاری، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر علیرضا عرفانی، عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

دکتر حسین عظیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان

دکتر وحید محمودی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

دکتر اسماعیل رمضان پور، عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

دکتر مسعود طاهری نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان

دکتر بهروز کاردان، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر عبدالمحمد کاشیان، عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

دکتر محمدمامید اخگر، عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان

دکتر محسن حمیدیان، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران

دکتر محبوبه فراهتی، عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

دکتر حسین کاظمی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

دکتر نرجس زمانی، عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷

۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی
تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸،
پلاک ۲۹۳ تلفن: ۰۲۶۳۴۴۳۶۹۵۹

۱۳۹۸

فراخوان پذیرش مقاله

دانش اقتصاد پایه اصلی توسعه در این سرزمین است. حسابداری نیز مفاهیم و رویدادهای مالی و اقتصادی را به عدد تبدیل می‌کند؛ از اینرو همواره ارتباط ژرفی میان این دو حوزه کلیدی وجود دارد. در نظریه‌های جدید رشد اقتصادی، دانش به عنوان نوعی متغیر برونزا (در اقتصاد) به شمار نمی‌رود، بلکه بخش اصلی و کلیدی نظام اقتصادی محسوب می‌شود. گذر به اقتصاد دانش‌بنیان جز از مسیر پژوهش نمی‌گذرد و آنچه امروز جامعه علمی و اجرایی کشور بدان نیازمند است انتشار نتایج این پژوهش‌ها است.

با این نگاه نشریه «پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی» با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات تخصصی در زمینه حسابداری و اقتصاد می‌پردازد. از اینرو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌نماید با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.Jares.ir در پربارتر کردن این نشریه ما را یاری نمایند.

برای ارسال مقاله به نشریه کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید. پس از بررسی اولیه و داوری علمی از طرف تحریریه جهت انتشار مقاله با نویسندگان رابط تماس گرفته خواهد شد.

محورهای نشریه پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

پژوهش‌های حسابداری:

- تئوری‌ها و نظریات حسابداری
- مباحث نوین در حسابداری و حسابرسی
- پژوهش‌های کاربردی در حسابداری و حسابرسی
- بورس، مدیریت مالی، سرمایه‌گذاری و حسابداری
- جایگاه حسابداری و حسابرسی در توسعه اقتصادی
- آموزش و اخلاق حرفه‌ای در حسابداری، حسابرسی
- سیستم‌های اطلاعات حسابداری
- حسابداری مالیاتی و حسابداری مدیریت
- صنعت، تولید و حسابداری مدیریت
- استانداردهای حسابداری و حسابرسی
- مطالعات میان‌رشته‌ای در حسابداری

پژوهش‌های علوم اقتصادی:

- اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و اقتصادسنجی
- اقتصاد اسلامی، برنامه‌ریزی و نظام‌های اقتصادی
- اقتصاد، توسعه و مطالعات اقتصادی ایران
- اقتصاد محیط‌زیست، منابع طبیعی و انرژی
- تاریخ تئوری‌ها، نظریات و سیاست‌های اقتصادی
- مدل‌سازی و پیش‌بینی در بازارهای اقتصادی
- اقتصاد مالی، بانکداری و نظام پولی
- اقتصاد مقاومتی، کارآفرینی و اشتغال‌زایی
- اقتصاد و تجارت الکترونیک و بین‌الملل
- اقتصاد تولید و اقتصاد صنعتی
- مطالعات میان‌رشته‌ای در اقتصاد

فهرست مقالات

عنوان مقاله	صفحه
بررسی تأثیر ظرفیت تغییر بر بانکداری الکترونیک حمیده عباسی، رسول صریحی، آمنه مالمیر، عباس حامدی	۱
رابطه بین رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها با دست‌کاری فعالیت‌های واقعی، کیفیت حسابرسی و حاکمیت شرکتی یداله نوری فرد، ابراهیم بسحاق	۱۱
ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کیفیت حسابرسی داخلی در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار ایران مریم صفریور، فرزین خوشکار، مرتضی عباسی شاهمراد محله	۲۳
بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین دارایی‌های نامشهود و حق‌الزحمه حسابرس در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران قدرت‌اله برزگر، بهداد غلامحسین‌زاده، سکینه یعقوبی چناری	۳۷
تدوین مدل الگوی رابطه تمرکز مالکیت، محافظه‌کاری و کیفیت گزارشگری با خطر سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران سید سعید مهدیان، حسین شیربندی	۵۱
بررسی تأثیر رقابت در بازار محصول بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران یکتا عباسیان	۶۷

آینده‌نگری سازمانی با بالندگی واحدهای توسعه و نوآوری

روز پژوهش فرصتی است برای بیان ضرورت‌های وجود واحدهای توسعه و نوآوری در هر سازمان پیشرو و متری تا بتوان هم لزوم بالندگی این واحدها را از نظر گذراند و هم نگاهی به نقش کارکردی این ساختار در آینده‌نگری سازمانی داشت. در هر سازمان بزرگی واحدهای عملیاتی همواره با سؤالات و چالش‌هایی روبه‌رو هستند که خودشان لزوماً قادر به پاسخگویی به آن نیستند. در این سازمان‌ها واحد توسعه و نوآوری با نگاهی به آینده‌پژوهی و ارائه برنامه‌های راه‌حل محور برای پاسخگویی این سؤالات و چالش‌ها در تلاش هستند. همچنین بررسی عمقی مسائل روز سازمان و پرداختن به آینده و استقبال زودهنگام از چالش‌های محتمل با نگاه تیزبین و دارای مهارت پیش‌بینی، از کارکردهای دیگر این واحد است.

با پررنگ‌تر شدن نقش خیریه‌ها به عنوان یکی از ارکان کلیدی و اعضای تأثیرگذار جامعه مدنی در مرتفع ساختن مشکلات و معضلات اجتماعی، موضوع کارآمدی، تخصص و به‌روز بودن این نهادها به یکی از ضروریات حیاتی‌شان تبدیل شده است. به دیگر سخن امروز مؤسسات خیریه برای داشتن عملکردی در سطح جهانی نیازمند حرکت قدم به قدم منطبق با تغییرات جامعه و تمامی ذیربطان خود هستند. علاوه بر آنکه ضرورت ایجاب می‌کند تا برای مسائل جاری و روزانه درون سازمانی در جستجوی جواب‌هایی مناسب و متری تا باشند، می‌بایست تصویری بر مبنای نوآوری و پژوهش ترسیم کرد تا هوشمندانه و با بهره‌مندی بیشتر از فرصت‌ها کنش و واکنش‌های سازمان در آینده را پیش‌بینی کرد.

واحد توسعه و نوآوری محک نیز در راستای همین اهداف فعالیت خود را از ابتدای سال ۹۸ آغاز کرده است و ایجاد شبکه گسترده‌ای از ارتباط و تعامل با جوامع علمی و دانشگاهی ملی و بین‌المللی را نیز در زمره رویکردهای اساسی خود قرار داده است. اتخاذ این رویکرد در آینده‌ای میان مدت، این واحد را به سطحی از عملکرد خواهد رساند که در برابر سؤالات و ابهامات برخاسته از برنامه استراتژیک پنجم محک (۱۴۰۵-۱۴۰۱) پاسخگو باشد. تعامل با گروه‌هایی از متخصصان، افراد صاحب فکر و پیش‌گام باعث می‌شود که نهادهای جامعه بتوانند برای مسائل و چالش‌هایی که هر روز شکلی جدید پیدا می‌کنند، واقعی‌ترین و مناسب‌ترین راه‌حل را بیابند. در واقع این همان غایتی است که مؤسسه محک از توسعه روش‌های تحقیق و نوآوری جستجو می‌کند.

این واحد در آغاز فعالیت‌های خود با همکاری پژوهشگران دانشگاهی در یک تحقیق بین‌المللی با هدایت انجمن بین‌المللی سرطان کودک (SIOP)، مشارکت داشت. این طرح تحقیقاتی با هدف مطالعه تجربیات کودکان مبتلا به سرطان و خانواده ایشان در ۱۰ کشور با درآمد کم و متوسط در سراسر جهان انجام شد. محک از نتایج این تحقیق در تعیین شاخص‌های عملکردی واحد خدمات حمایتی و یکپارچه‌سازی ارائه خدمات حمایتی به تمام کودکان مبتلا به سرطان در سراسر کشورمان در قالب برنامه استراتژیک چهارم بهره خواهد برد. این پژوهش و کاربردی کردن نتایج آن در سازمان، نمونه‌ای از اقدامات این واحد در راستای شبکه‌سازی با متخصصان داخلی و بین‌المللی است که ضمن اخذ دستاوردهایی نظیر کسب تجارب و به اشتراک‌گذاری و بهره‌بردن از دانش توانست ظرفیت‌های جدید تعاملی با جامعه دانشگاهی داخلی، سازمان‌ها و پژوهشگران بین‌المللی را برای محک به همراه آورد.

نگاهی به تاریخچه فعالیت محک و مسیر طی شده نشان می‌دهد که این سازمان به عنوان یک مؤسسه مردم‌نهاد پیشرو، همواره تلاش‌های مکرری را برای ایجاد ساختار و سیستم‌های خود انجام داده که به دلیل جدید بودن موضوع و شیوه فعالیت‌های این سازمان در ایران و عدم وجود مدل‌هایی برای طراحی سیستمی یک سازمان، همواره خود برای ساخت آن تلاش کرده است و در پی رفع چالش، پاسخگویی به نیاز و متناسب کردن آن با شرایط بومی بوده است. لذا یافتن راه‌حل مبتنی بر ظرفیت‌های داخلی ضمن تعامل گسترده با مراجع معتبر ملی و بین‌المللی بنیادی‌ترین موضوع در فلسفه وجودی این واحد و در پیوند با مسیر پیموده شده محک تاکنون است.

امیدواریم با تمرکز بر توسعه و تحقیق، زمینه ارتقای دانش، بینش و عملکرد مؤسسه خیریه محک برای ارائه بالاترین سطح خدمات به کودکان مبتلا به سرطان و خانواده آن‌ها در سراسر سرزمین‌مان فراهم شود.

صبا کامکار

مدیر توسعه و نوآوری مؤسسه خیریه محک

بررسی تأثیر ظرفیت تغییر بر بانکداری الکترونیک

حمیده عباسی*^۱، رسول صریحی^۲، آمنه مالمیر^۳،
عباس حامدی^۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۰

کد مقاله: ۷۷۸۱۹

چکیده

پذیرش فناوری و محصولات توسعه داده شده، یکی از مسائل موردعلاقه مدیران ارشد سازمان‌های نوآور محسوب می‌شود. سازمان‌های خدماتی از طریق توسعه محصولات و خدمات جدید، برای مشتریان خود ایجاد ارزش نموده و می‌توانند از این طریق سود کسب نمایند. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر ظرفیت تغییر بر بانکداری الکترونیک بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران بانک‌های شهر اراک بوده که مجموعاً ۳۰۰ نفر می‌باشند. به منظور گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه راینری (۲۰۱۱)، وانجوهی (۲۰۱۴) و ماگوتو و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است. همچنین جهت افزایش روایی پرسشنامه از نقطه نظرات اساتید متخصص این رشته بهره‌مند گردید. از روش آلفای کرونباخ جهت تعیین پایایی پرسشنامه استفاده گردید؛ که مقادیر آن برای سازگاری و انعطاف‌پذیری ۰/۸۰۳، قابلیت مدیریت تغییر ۰/۷۹۷، فرهنگ تغییر ۰/۸۱۷، بانکداری الکترونیک ۰/۸۰۶ بدست آمده است. در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار لیزرل انجام شده است. نتایج حاکی از آن بوده است که سازگاری و انعطاف‌پذیری، قابلیت مدیریت تغییر و فرهنگ تغییر بر بانکداری الکترونیک تأثیر مثبت و معناداری دارد.

واژگان کلیدی: قابلیت مدیریت تغییر، سازگاری، فرهنگ تغییر، بانکداری الکترونیک.

۱- دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت، موسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران (مسئول مکاتبات)

۲- دکتری مدیریت، گروه حسابداری، دانشگاه شمس‌پور، تهران، ایران

۳- استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، فراهان، ایران

۴- کارشناس ارشد مدیریت اجرایی، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، فراهان، ایران

امروزه تعامل با اقتصاد جهانی نسبت به دو دهه پیش شکل جدیدی به خود گرفته است و دیگر تجارت به شکل سنتی، جوابگوی حجم عظیم مبادلات تجاری نیست در راستای ارتقاء قدرت ملی کشور توسعه و گسترش تجارت الکترونیک ضرورتی اجتنابناپذیر است (موسوی و ایمانی، ۱۳۹۶). تجارت الکترونیکی، یکی از کاربردهای موجود در فضای مجازی است که موجب تحولی شگرف در روابط کسبوکار و مشتریان شده است و سهم عمده‌ای از تعاملات تجاری را به خود اختصاص داده است (جعفری و حسینی، ۱۳۹۶). به کارگیری تجارت الکترونیک اکنون یک گزینه اختیاری نیست بلکه نوعی اجبار است که سازمان‌ها ناگزیر از به کارگیری آن هستند (گوباخلو و تانک، ۲۰۱۳). در واقع به کارگیری راه کارهای تجارت الکترونیکی برای بنگاه اقتصادی به عنوان یک ضرورت اجتنابناپذیر شده و چنانچه بنگاه های اقتصادی به این مهم توجه لازم را نداشته باشند با کاهش سودآوری و حذف از صحنه رقابت مواجه خواهند بود؛ بنابراین برنامه ریزی به منظور به کارگیری این راهکارها از اقدامات مهم و راهبردی شرکت ها می باشد (فیروزپور و همکاران، ۱۳۹۶).

سازمان‌ها باید به منظور توسعه تجارت الکترونیک درک درستی از موانع و محرک‌های درون سازمانی و برون سازمانی به دست آورند. بدون دستیابی به این میزان از درک، تلاش‌هایی که صرف تغییر سیستم سنتی به نظام الکترونیک می‌شود محکوم به شکست خواهند شد. سازمان‌هایی که به درک درستی از عوامل محیطی و سازمانی مؤثر بر تجارت الکترونیک دست یابند، بیش از دیگران می‌توانند درباره چگونگی تبدیل نظام کنونی خود به نظام الکترونیک و بهره‌برداری از آن به منظور پا بر جا ماندن در اقتصاد نوین تصمیم آگاهانه‌ایی بگیرند (کیماسی و رضانی، ۱۳۹۵). گسترش موفقیت آمیز تجارت الکترونیکی در سازمان‌ها به ایجاد زیرساخت ها، شرایط مناسب و تقویت کننده هایی نیاز دارد. یکی از عوامل که می تواند نقش بسیار موثری در تسهیل گسترش تجارت الکترونیکی داشته باشد زیر ساخت فرهنگی می باشد. پژوهش ها نشان داده اند، به واسطه پاره ای از عوامل تکنولوژیکی، سازمانی و محیطی می توان پیاده سازی تجارت الکترونیکی را بهبود بخشید. زمانی که یک سیستم با فرهنگ سازمان ناسازگار باشد، جهت اجرا با مقاومت و ایستادگی روبه رو خواهد شد: سیستم پذیرفته نخواهد شد، تخریب می شود و یا جهت انطباق با فرهنگ فعلی سازمان تعدیل خواهد شد. از طرفی پیاده سازی تجارت الکترونیکی نیازمند مهندسی مجدد فرایندها می باشد که باعث حرکت سازمان از وظیفه گرایی به سمت فرایند محوری می شود. در این میان نوآوری های فرایندی یکی از ابعاد حیاتی توسعه تجارت الکترونیکی شده است (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۲).

بانکداری الکترونیک یکی از زیر مجموعه های تجارت الکترونیک است. صنعت بانکداری و مالی به صورت باورنکردنی در حال تغییر است. این صنعت به کمک پیشرفت های فناوری اطلاعات خود را قدرتمند ساخته است (هلند و وست وود، ۲۰۰۱). از دهه هشتاد میلادی، بانکداری تجاری از طریق محصولات و خدمات فزاینده مبتنی بر فناوری، به طورمستمر اقدام به نوآوری های بی شماری نظیر خودپردازهای چندمنظوره، بانکداری تلفنی، انتقال الکترونیک وجوه و کارت های الکترونیکی کرده است. طی دهه اخیر، اینترنت به وضوح تأثیرشایان توجه و حائز اهمیتی را در ارائه خدمات الکترونیک و ایجاد کانال ارتباطی کاملاً جدید داشته است. در عصر اینترنت، توسعه بانکداری تجاری در فضایی مجازی، پیشرفت بدیهی را به ارمغان خواهد آورد (لیائو و چوانگ، ۲۰۰۳).

در سال های اخیردر کشور ایران، بخش بانکی سریعتر از سایر صنایع رشد کرده، بنابراین تعداد بانک ها در این صنعت افزایش یافته و در نتیجه رقابت نیز افزایش یافته است. بانک‌ها برای داشتن اطمینان برای حضور در یک بازار با ثبات و محیطی رقابتی نیاز به سرمایه‌های بانکی بالا دارند. بانک‌ها باید نسبت به موقعیت خود دارای استراتژی مناسب بوده و بتوانند به مشتری خدمات ارائه دهند و مزایای رقابتی را نسبت به رقبای خود که دارای خدمات مشابه هستند در شرایط رقابتی، محلی و جهانی فراهم کنند. موقعیت استراتژیک مناسب نیاز به تفکر، خلاقیت و آزمایش مدل های کسبوکار جدید و توانایی تشخیص و انتخاب دارد. از این رو نیاز به مدرن سازی تجهیزات، اتخاذ آخرین فناوری اطلاعات، توسعه منابع انسانی، بهبود مداوم سبک‌های مدیریتی، ایجاد خدمات کارآمد و کم هزینه و نوآورانه و ارائه خدماتی که از رقبای متفاوت باشد دارد تا از این طریق بتواند وفاداری مشتری را به دست آورد؛ که برای دستیابی و حفظ مزیت رقابتی و بهبود عملکرد سازمان، مدیران تغییر باید عوامل مؤثر بر اجرای راهبرد رقابتی را مورد بررسی قرار دهند (ماگوتو و همکاران، ۲۰۱۱).

از طرفی مدیریت بانکداری الکترونیک در بخش فرهنگ سازی با دو چالش اساسی و محوری مواجه خواهد بود. اول اینکه با گرایش به سمت بانکداری، بسیاری از روش های کهنه باید در قالب این سیستم های الکترونیکی گنجانده شود و لازم است در این

1. Ghobakhloo & Tang
2. Holland & Westwood
3. Liao & Cheung
4. Magutu et al

زمینه به کارمندان بانک ها آموزش های مناسب داده شود تا از این پدیده جدید استقبال کرده و خود را با آن هماهنگ کنند. چالش دوم مربوط به تطبیق ابزارها و روش های بانکداری الکترونیکی با فرهنگ و روحیه و دانش مردم است. مردمی که سال هاست با روش سنتی خو گرفته اند و به راحتی حاضر به کنار گذاشتن آنها نیستند. بسیاری از آنها هنوز به کارت ها اعتماد ندارند یا تلفن های گویا را ابزاری تجملی می دانند و به آن بی اعتمادند و خدمات این سیستم ها را غیر کاربردی و سطحی می دانند. در واقع بانکداری الکترونیکی برای توسعه، نیاز جدی به فرهنگ سازی برای جذب مشتریان دارد. از این رو در این پژوهش، تلاش شده است به بررسی عوامل موثر در ایجاد تغییر جهت توسعه بانکداری الکترونیک پرداخته شود. لذا مساله اصلی این است که آیا ظرفیت تغییر بر بانکداری الکترونیکی تاثیر دارد؟

سایر بخش های مقاله به شرح زیر است. در بخش دوم مبانی نظری مورد بحث قرار می گیرد. در بخش سوم روش شناسی پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد. بخش چهارم به توصیف داده های تحقیق اختصاص دارد و در بخش پنجم بحث و نتیجه گیری ارائه می گردد.

۲- پیشینه نظری

۲-۱- بانکداری الکترونیک

اصطلاح تجارت الکترونیک برای اولین بار توسط آی بی ام برای اشاره به تغییر کسب و کار و به معنی مبادلات اطلاعاتی از طریق الکترونیک، در راستای حمایت از سازمان و طیف وسیعی از ذی نفعان خارجی استفاده شد (ناخووا^۱، ۲۰۱۳). تجارت الکترونیک به مفهوم کلی شامل به اشتراک گذاشتن اطلاعات کسب و کار، برقراری ارتباطات تجاری و هدایت معاملات تجاری به وسیله شبکه های ارتباطی است. (کوو^۲، ۲۰۰۶) بانکداری الکترونیکی نوع خاصی از بانکداری است که جهت ارائه سرویس به مشتریان از یک محیط الکترونیکی (مانند اینترنت) استفاده می کند. در واقع بانکداری الکترونیکی یک نوع سرویس الکترونیکی است. در این نوع بانکداری تمامی عملیات بانکی به صورت الکترونیکی انجام می پذیرد و انجام تمامی این عملیات با سطوح امنیتی مناسب محافظت می شود (نگانو^۳، ۲۰۱۵)؛ به عبارت دیگر بانکداری الکترونیک استفاده از فناوری های پیشرفته نرم افزاری و سخت افزاری مبتنی بر شبکه و مخابرات برای تبادل منابع و اطلاعات مالی به صورت الکترونیکی است و نیاز به حضور فیزیکی مشتری در شعبه نیست (الشامسن^۴، ۲۰۱۰). تحولات در نظام بانکداری را به چهار دوره می توان تقسیم نمود. هر دوره از تکامل برای مدیران نظام بانکی، این امکان را فراهم کرده است که اوقات تلف شده را در محیط رقابتی به حداقل برسانند.

دوره اول: خودکارسازی پشت بانه؛ فناوری خودکارسازی پشت بانه در دهه ۱۹۶۰ رواج داشت و نقطه آغازین کاربرد رایانه در نظام بانکی بوده است (آماده و جعفرپور، ۱۳۸۸).

دوره دوم: خودکارسازی جلوی بانه؛ این دوره از اواخر دهه ۱۹۷۰ و زمانی آغاز شد که کارمند شعبه به صورت پیوسته به حساب های جاری دسترسی داشته و امکان انتقال پیوسته اطلاعات از طریق به کارگیری خطوط مخابراتی مسیر و ممکن گردید (سعدی و همکاران، ۱۳۹۸).

دوره سوم: متصل کردن مشتریان به حساب ها؛ در این دوره که از اواسط دهه ۹۱۱۱ آغاز شد امکان دسترسی مشتریان به حساب هایشان از طریق تلفن، دستگاه خودپرداز (ATM)، کارت هوشمند، کارت مغناطیسی و کامپیوتر شخصی فراهم گردید (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۲).

دوره چهارم: یکپارچه سازی سیستم ها و مرتبط کردن مشتری با تمامی عملیات بانکی؛ در این دوره انجام تمام عملیات بانکی به طور الکترونیکی دنبال و هم بانک و هم مشتریان می توانند به طور دقیق و منظم اطلاعات مورد نیازشان را کسب کنند (سعدی و همکاران، ۱۳۹۸).

در مجموع بانکداری الکترونیک فرصت ها و چالش هایی را ارائه می دهد. این نوع بانکداری موجب گسترش حیطه دسترسی جغرافیایی بانک می شود. سهولت کار را برای مشتری افزایش می دهد و هزینه مبادلات را کاهش می دهد. بانکداری الکترونیک از بسیاری جهات مشابه روش پرداخت سنتی است. تفاوت مهم آن با سیستم های سنتی در این است که به مشتریان اجازه می دهد که به اطلاعات دسترسی داشته باشند و عملیات و مبادلات بانکی خود را بدون توجه به مکان و با استفاده از کامپیوترهای شخصی و نرم افزارهای کاربردی و شبکه های ارتباط از راه دور انجام دهند. واضح است که تکنولوژی موجب توانا ساختن مشتری از طریق

1. Nakhumwa

2. Koo

3. Ngango et al

4. Elishamensin

دستیابی آسان به اطلاعات قابل مقایسه می شود. این امر به مشتریان اجازه می دهد با یک کلیک روی موس، عرضه کنندگان خدمات را تغییر دهند (سیدو^۱، ۲۰۱۵).

۲-۲- ظرفیت تغییر

ظرفیت تغییر، یک سازمان نه تنها نسبت به تغییرات مختلف واکنش نشان می دهد، بلکه فعالانه فرصت هایی برای سازگاری، یادگیری و نوآوری ایجاد می کند. تغییر سازمانی دلایل فراوانی دارد که مهمترین آنها عبارتند از: زنده ماندن و بقا؛ رشد سریع تکنولوژی؛ تغییرات دائمی در ساختار، رویه ها و ابزار؛ تغییر خط مشی و اهداف سازمانها؛ تغییر منابع و تغییر ذوق و سلیقه ارباب رجوعان و کارکنان (حکمن و همکاران^۲، ۲۰۱۶).

فرهنگ تغییر، به میزان اطلاع رسانی، آموزش لازم و متناسب و وقوع تغییرگفته می شود (وانجهی^۳، ۲۰۱۴). با بیان چگونگی شکل گیری رفتار در سازمان، افراد باید احساس کنند که دیگر نمی توانند از طریق الگوهای رفتاری قبل به امکانات و وسایل رفع دسترسی پیدا کنند، به عبارت دیگر مدیریت سازمان باید رابطه بین چگونگی رفتار قبلی (فاقد بهره وری) و کسب امکانات و وسایل رفع نیاز را قطع کند و الگوی رفتاری جدید (توام با بهره وری) را برای رسیدن به اهداف جایگزین آن سازد (محمدزاده، ۱۳۷۸).

سازگاری، میزان انطباق شرکت با فرآیندهای کسب و کار جدید به منظور نیل به هدف مشتری مداری بر پایه مزیت های رقابتی حاصل از به کارگیری فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. همچنین، یکی از مزیت های مهم برای اداره کردن تحولات و بهره برداری از فرصت ها است (بدیع زاده و ارشاد، ۱۳۹۵). سازگاری یعنی مشتریان باور دارند خرید های بر خط متناسب با سبک زندگی، نیازها و ترجیحاتشان است. پذیرش فناوری اطلاعات زمانی بر نگرش افراد تاثیر می گذارد که سازگار با فناوری های دیگری باشد که در حال حاضر به کار گرفته می شود (امیری و همکاران، ۱۳۹۵).

مدیریت تغییر به رضایت کارکنان از نحوه و کیفیت برنامه های تغییر و تحول سازمانی اشاره دارد (بختیاری، شایگان و رجبی، ۱۳۹۷). فرایند مدیریت تغییر شامل تلاش برای پذیرش تغییر توسط کسانی است که در این فرایند دخیل هستند و یا از آن تاثیر می پذیرند و همچنین مدیریت هر گونه مقاومت در آنها است (جوادی و همکاران، ۱۳۹۶). به عبارتی، مدیریت تغییر فرایند، به این معنی است که کسب و کار به طور موثر در زیر ساخت های محل کار تغییر می کند، در واقع استفاده از روش های سیستماتیک این اطمینان را بوجود می آورد که تغییر سازمان می تواند در جهت برنامه ریزی شده، به صورت موثر انجام شود و در چارچوب زمانی مشخص و با نتایج مورد نظر تکمیل گردد (وانجهی، ۲۰۱۴).

۳-۲- پیشینه تجربی

فیروزپور و ساد، (۱۳۹۶) به "بررسی چالش های موجود در کسب و کار اینترنتی (تجارت الکترونیک) در ایران" پرداختند. نتایج حاصل نشان می دهد که موانع گسترده ای برای پذیرش تجارت الکترونیک وجود دارد که در شش گروه اصلی جای می گیرند. این گروه ها عبارتند از: زیر ساخت های مناسب برای راه اندازی، عوامل مدیریتی، عوامل اقتصادی، عوامل دولتی، فرهنگی و اجتماعی، قوانین و مقررات حقوقی، مقاومت در مقابل تغییرات. هر کدام از این گروه ها دارای ابعادی می باشند که در مدل پیشنهادی تحقیق باید مد نظر قرار گیرند. بدیع زاده و ارشاد، (۱۳۹۵) در تحقیقی به "تاثیر ارزش استراتژیک تجارت الکترونیک بر پذیرش آن در شرکتهای کوچک و متوسط صنایع غذایی قزوین" پرداختند. نتایج نشان داد، متغیر پشتیبانی شرکت با ضریب ۰/۷۹ بیشترین تاثیر را بر ارزش استراتژیک تجارت الکترونیک و متغیر سودمندی ادراکی با ضریب ۰/۷۰ بیشترین تاثیر را بر پذیرش تجارت الکترونیک دارد. همچنین، متغیر ارزش استراتژیک تجارت الکترونیک با ضریب ۰/۸۷ بر پذیرش آن، تاثیر مثبت و معناداری دارد. امیری و همکاران، (۱۳۹۵) در پژوهشی به "بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش تجارت الکترونیکی در بخش کشاورزی ایران" پرداختند. یافته های تحقیق نشان داد که نگرش در رابطه ی سودمندی درک شده و ریسک های امنیتی، عملکردی، مالی و زمانی با پذیرش تجارت الکترونیکی نقش میانجی دارد. اثر همکاران با واسطه ی هنجار ذهنی بر تمایل به پذیرش تجارت الکترونیکی موثر است.

اونجور و همکاران^۴، (۲۰۱۸) در پژوهشی به "تاثیر ظرفیت تغییر در استراتژی بازاریابی تجارت الکترونیک توسط بانک های تجاری در کنیا" پرداختند. نتایج حاصل از یافته های تحقیق نشان می دهد که ظرفیت سازمانی برای تغییر بر استراتژی تجارت الکترونیک تاثیرگذار است، سازگاری و انعطاف پذیری نیز بر روی استراتژی پذیرش و استفاده از تجارت الکترونیک تاثیر می گذارد. سانچز و همکاران^۵، (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی، "بانکداری الکترونیک در کلمبیا: عوامل پذیرش بانکداری الکترونیک، اعتماد آنلاین و پشتیبانی دولت" پرداختند. یافته ها نشان داد، اعتماد، انتظارات مشتریان از عملکرد و امید به اثرگذاری این سیستم ها تاثیر

1- Sidhu et al

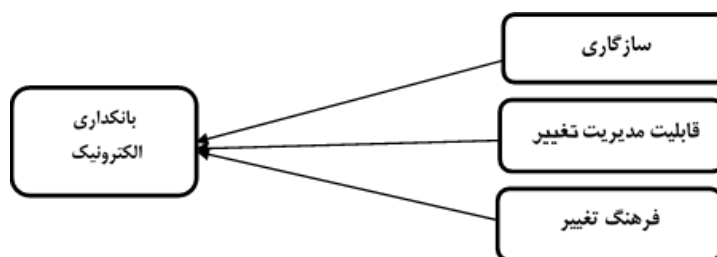
2- Heckman et al

3- Wanjohi

4- Onjor et al

5- Sanchez et al

مثبتی در استفاده از وب سایت های مالی در کشور کلمبیا دارد در حالی که حمایت دولت تأثیر قابل توجهی روی استفاده از سیستم های مالی الکترونیکی ندارد. کاگندو^۱ (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی، "استراتژی بانکداری الکترونیک و عملکرد بانک های تجاری در کنیا، پرداخت" این مطالعه به این نتیجه رسید که زیرساخت های بانکداری الکترونیک، راهبردهای بهره‌وری بانکداری الکترونیک و کیفیت بانکداری الکترونیک موجب افزایش عملکرد بانک های تجاری کنیا می‌شود. با توجه به چارچوب نظری ارائه شده مدل مفهومی تحقیق بدین صورت ارائه می‌شود:



نمودار ۱- مدل مفهومی تحقیق (منبع: راینری^۲ (۲۰۱۱)، وانجوهی (۲۰۱۴)، ماگوتو و همکاران (۲۰۱۱))

۳- فرضیه‌های تحقیق

- فرضیه اول: سازگاری و انعطاف‌پذیری بر بانکداری الکترونیک تأثیر دارد.
- فرضیه دوم: قابلیت مدیریت تغییر بر بانکداری الکترونیک تأثیر دارد.
- فرضیه سوم: فرهنگ تغییر بر بانکداری الکترونیک تأثیر دارد.

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر بر حسب هدف از نوع تحقیقات توسعه ای است. همچنین این پژوهش بر حسب دستاورد یا نتیجه تحقیق از نوع کاربردی و به لحاظ استراتژی تحقیق مورد استفاده پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق، شامل مدیران بانک‌های شهر اراک بوده که تعداد اعضای این جامعه بالغ بر ۳۰۰ نفر می‌باشد. با توجه به محدود بودن جامعه مورد بررسی اقدام به نمونه‌گیری نشده است. ابزارسنجش در این پژوهش پرسشنامه می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات جهت ارزیابی سازگاری و انعطاف‌پذیری از پرسشنامه (راینری، ۲۰۱۱) با تعداد (۴ سوال)، جهت ارزیابی قابلیت مدیریت تغییر از پرسشنامه (راینری، ۲۰۱۱) با تعداد (۴ سوال)، جهت ارزیابی فرهنگ تغییر از پرسشنامه (وانجوهی، ۲۰۱۴) با تعداد (۴ سوال) و جهت ارزیابی بانکداری الکترونیک از پرسشنامه ماگوتو و همکاران (۲۰۱۱) با تعداد (۵ سوال)، استفاده شده است. همچنین جهت افزایش روایی پرسشنامه از نقطه نظرات کتبی و شفاهی اساتید و خبرگان متخصص این رشته (روایی محتوایی) استفاده شده است. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه‌ها، ابتدا ۳۰ نفر از جامعه آماری انتخاب و پرسشنامه در اختیار آنها قرار گرفت و سپس از روش آلفای کرونباخ جهت تعیین پایایی پرسشنامه استفاده گردید؛ که مقادیر آن در جدول (۱) ارائه شده است با توجه به مقادیر می‌توان گفت پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۱- بررسی پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ

متغیر	شماره سوالات	عدد آلفا
سازگاری و انعطاف‌پذیری	۱ الی ۴	۰/۸۰۳
قابلیت مدیریت تغییر	۵ الی ۸	۰/۷۹۷
فرهنگ تغییر	۹ الی ۱۲	۰/۸۱۷
بانکداری الکترونیک	۱۳ الی ۱۷	۰/۸۰۶

1. Kagendo
2. Raineri

در این مرحله به ضریب t استناد شود بر این اساس در فرضیه اول مقدار t برابر با $(2/83)$ بدست آمده در سطح خطای $(0/05)$ در بازه بی معنی $(1/96, -1/96)$ قرار ندارد مشخص می شود که سازگاری و انعطاف پذیری بر بانکداری الکترونیک تاثیر دارد. برای بررسی نوع تاثیر به ضریب استاندارد مدل استناد می شود که بر این اساس با توجه به اینکه ضریب بدست آمده برابر با $(0/33)$ و مثبت بوده نشان می دهد که سازگاری و انعطاف پذیری تاثیر مثبتی بر بانکداری الکترونیک داشته است.

جدول ۳- نتایج مربوط به فرضیه دوم

مسیر فرضیه	قابلیت مدیریت تغییر ← بانکداری الکترونیک
نوع متغیر در مدل	مکنون برونزا (مستقل) ← مکنون درونزا (وابسته)
آماره t	۴/۳۶
ضریب استاندارد گاما	۰/۵۷

با توجه به اینکه در فرضیه دوم مقدار t برابر با $(4/36)$ بدست آمده در سطح خطای $(0/05)$ در بازه بی معنی قرار ندارد، مشخص می شود که قابلیت مدیریت تغییر بر بانکداری الکترونیک تاثیر دارد. همچنین با توجه به اینکه ضریب استاندارد بدست آمده مدل برابر با $(0/57)$ و مثبت بوده نشان می دهد که قابلیت مدیریت تغییر تاثیر مثبتی بر بانکداری الکترونیک داشته است.

جدول ۴- نتایج مربوط به فرضیه سوم

مسیر فرضیه	فرهنگ تغییر ← بانکداری الکترونیک
نوع متغیر در مدل	مکنون برونزا (مستقل) ← مکنون درونزا (وابسته)
آماره t	۳/۷۴
ضریب استاندارد گاما	۰/۳۳

با توجه به اینکه در فرضیه سوم مقدار t برابر با $(3/74)$ بدست آمده در سطح خطای $(0/05)$ در بازه بی معنی قرار ندارد، مشخص می شود که فرهنگ تغییر بر بانکداری الکترونیک تاثیر دارد. برای بررسی نوع تاثیر به ضریب استاندارد مدل استناد می شود که بر این اساس با توجه به اینکه ضریب بدست آمده برابر با $(0/33)$ و مثبت بوده نشان می دهد که فرهنگ تغییر تاثیر مثبتی بر بانکداری الکترونیک داشته است.

۶- بحث و نتایج گیری

با توجه به نتایج بدست آمده در خصوص فرضیه اول مشخص می شود که سازگاری و انعطاف پذیری تاثیر مثبت و معناداری بر بانکداری الکترونیک دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج حاصل از پژوهش صلواتی و خانی (۱۳۹۲)، اونجو و همکاران (۲۰۱۸)، مطابقت دارد. اینکه بانکها چگونه در مورد نوآوری های جدید فکر می کنند و چگونه خود را متناسب با فرایندهای کسب و کار موجود منطبق می کنند سازگاری نام دارد. این متغیر در تحقیقات قبلی از جمله عواملی بوده است که دارای تاثیر بسزایی در بکارگیری بانکداری الکترونیکی داشته است. برای مثال کندال در پژوهش خود در شرکت های کوچک و متوسط کشور سنگاپور در بررسی تاثیر عامل سازگاری تجارت الکترونیکی بر بکارگیری تجارت الکترونیکی، تاثیر مثبت این عامل را تایید کرد. وی این عامل را با استفاده از معیارهایی همچون میزان سازگاری تجارت الکترونیک با مشتریان و عرضه کنندگان، میزان سازگاری تجارت الکترونیک با فرایندهای کسب کار شرکت و میزان سازگاری تجارت الکترونیک با ساختار سازمانی مورد سنجش قرار داده است و تاثیر سازگاری بر تجارت الکترونیک مورد پذیرش قرار گرفته است لذا می توان بیان نمود که بانکها می توانند با داشتن سازگاری و انعطاف پذیری بالا در خصوص تغییرات و برنامه هایی که باید اجرا نمایند، به تجارت الکترونیک دست یابند و این خدمات را برای مشتریان به ارمغان آورند.

- با توجه به اینکه برای داشتن سازگاری باید برای مواجهه با هر نوع تغییری، نقاط قوت و ضعف را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد تا بتوان با برطرف نمودن نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت به انعطاف پذیری بالایی دست یافت، لذا سازمان ها باید از طریق، کارکنان، مشتریان، شرکای تجاری و ... به نقاط قوت و ضعف خود دست یابند تا بتوانند با اتخاذ استراتژی ها مناسبی از این نقاط به نفع خود استفاده نمایند. همچنین مدیران می توانند از طریق تیم های تحقیق و توسعه و یا تحقیقات بازار تهدیدهای پیش رو را شناسایی نموده تا با تبدیل آنها به فرصت ها، آنچه را در نظر دارند اجرایی نموده تا به موفقیت بیشتر در اجرای تجارت الکترونیک دست یابند.

- سازمان‌ها می‌توانند با بالا بردن میزان سازگاری و انعطاف‌پذیری نشان دهند که در راستای اجرای برنامه تغییرات به موقع اقدام می‌کنند و در مقابل تغییرات مقاومتی ندارند بلکه با مرتفع نمودن و شناسایی عوامل ایجاد تغییرات، تلاش دارند خدمات نوینی را ایجاد و اجرا نمایند.

با توجه به نتایج بدست آمده در خصوص فرضیه دوم، مشخص می‌شود که قابلیت تغییر مدیریت تاثیر مثبت و معناداری بر بانکداری الکترونیک دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج حاصل از پژوهش فیروزپور و ساده (۱۳۹۶)، اونجور و همکاران (۲۰۱۸)، مطابقت دارد. تغییر در دنیای امروز یک موضوع چند بعدی و فراگیر می‌باشد و سازمان‌ها همواره در زمینه های مختلف دستخوش تغییر می‌شوند. نظریه پردازان سازمان کثرت و سرعت تغییرات را به عنوان دو مسئله مهم تغییرات سازمانی بر شمرده اند از یک سو به دنبال هر تغییری چگونگی پاسخ به تغییرات مطرح است و از سویی دیگر، در برابر هر تغییر مشکلاتی نیز قابل طرح می‌باشد که با عدم درک صحیح از تغییر مرتبط است چرا که عدم موفقیت در هر تغییر، صرف هزینه، زمان و منابع مختلف را به دنبال خواهد داشت، لذا زمانی سازمان‌ها می‌توانند تغییرات را به خوبی ایجاد و اجرا نمایند که از مدیران و مسئولین توانمند که تغییرات را در دست گرفته اند، برخوردار باشند. به همین دلیل قابلیت مدیریت تغییر از جمله موارد و الزاماتی است که جهت ایجاد تغییرات در خصوص تجارت الکترونیک مورد نیاز است.

- از آنجائیکه تغییرات باید توسط افرادی هدایت شود که از توانایی بالایی برای مدیریت تغییر برخوردارند لذا سازمان‌ها در برنامه تغییرات برای دست یابی به تجارت الکترونیک از افرادی در راس مدیریت استفاده نمایند که از توانمندی و مهارت های مناسبی در این زمینه برخوردار باشند و از تجارب سازمان‌های موفق در این زمینه به خوبی استفاده نمایند.
- برای اینکه مدیران تعهد خود به فرایند تغییر را در عمل ثابت نمایند می‌توانند با در نظر گرفتن برنامه ها و فراهم آوردن شرایطی که نشان از پیشرفت در امور را می‌دهد به این موضوع بپردازند مثلاً با فراهم آوردن تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز، برگزاری آموزش های لازم، بر میزان تعهد و قابلیت خود برای اجرای تغییرات بیافزایند.

با توجه به نتایج بدست آمده در خصوص فرضیه سوم، مشخص می‌شود که تغییر فرهنگ سازمانی تاثیر مثبت و معناداری بر بانکداری الکترونیک دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج حاصل از پژوهش یعقوبی و همکاران، (۱۳۹۲)، فیروزپور و ساده (۱۳۹۶)، اونجور و همکاران (۲۰۱۸) مطابقت دارد. هدف از تغییر سازمانی انطباق پذیری با محیط و بهبود عملکرد است، افراد زمانی که احساس کنند امنیت و یا وضعیت آنها در معرض خطر قرار گرفته است به تغییر حمله می‌کنند تا از وضعیت موجود دفاع کنند. به همین جهت مفهوم آمادگی برای تغییر، با برداشت افراد از تغییر آغاز شده است. می‌توان نتیجه گرفت زمانی تغییرات به خوبی اجرا خواهد شد که میزان آمادگی کارکنان نسبت به تغییرات بالا باشد به عبارتی کارکنان نسبت به تغییرات دید مثبتی داشته باشند و همچنین نسبت به آن خوش بین باشند، لذا ایجاد فرهنگ تغییرات می‌تواند کارکنان را نسبت به این موضوع به خوبی روشن و آگاه ساخته و موجب گردد کارکنان خود را با تغییرات هماهنگ و همسو سازند و با انگیزه و نگرشی مثبت به ایجاد و اجرای تغییرات کمک نمایند.

- از آنجائیکه تغییرات باید رویدادی همیشگی و قابل انتظار باشد و ارتباطی با مشوق ها نداشته باشد لذا در این خصوص مدیران می‌توانند انگیزه و شوق تغییرات را از طریق نشان دادن آینده ای که با اجرای تغییرات ایجاد خواهد شد، برای کارکنان متصور سازند. مدیران می‌توانند با استفاده از افراد پرنفوذ سازمان و همچنین افرادی که بیشتر به موفقیت و نتایج کار تمرکز دارند تا مشوق و انگیزاننده‌های مالی، شوق تغییرات را در دیگر کارکنان ایجاد نمایند.
- پیشنهاد می‌شود، اطلاع رسانی درباره تغییر به موقع انجام گیرد به عبارتی، مدیران قبل از اجرای تغییرات، کارکنان را به خوبی در این خصوص آگاه سازند همچنین فرهنگ تغییرات را از طریق جلسات گروهی و سازمانی ایجاد و بکار گیرند تا بدین وسیله، حرکت به سمت تغییرات سرعت پیدا کند.
- پیشنهاد می‌شود، برنامه‌ریزی های طولانی مدتی پیش از وقوع تغییر صورت گیرند تا بدین شکل در هنگام اجرای تغییرات و یا بعد از تغییرات عدم برنامه ریزی منجر به شکست در تغییرات نشود. همچنین آموزش های لازم و متناسب با تغییر برای کارکنان باید اجرا گردد تا تغییر با شکست مواجه نشود.

منابع

۱. آماده، حمید و محمود جعفرپور (۱۳۸۸)، "بررسی موانع و راهکارهای توسعه بانکداری الکترونیکی در بانک‌های خصوصی کشور"، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، ۲(۳۶)، صص ۳۸-۱۴.
۲. امیری، علی نقی؛ جعفری، محمدباقر و معصومه حسینی ابوعلی (۱۳۹۵)، "بررسی عوامل موثر بر پذیرش تجارت الکترونیکی در بخش کشاورزی ایران"، مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۴(۲)، صص ۵۴۱-۵۶۵.

۳. بختیاری، لطفعلی؛ شایگان، فریبا و حاجیه رجیبی فرجاد (۱۳۹۷)، "رضایت سنجی ذی نفعان دانشگاه و ناجا از طرح های تحولی دانشگاه علوم انتظامی امین"، مدیریت منابع در نیروی انتظامی، ۶(۳)، صص ۸۱-۱۰۶.
۴. بدیع زاده، علی وسحر ارشاد (۱۳۹۵)، "تاثیر ارزش استراتژیک تجارت الکترونیک بر پذیرش آن در شرکتهای کوچک و متوسط صنایع غذایی قزوین"، مجله مدیریت توسعه و تحول، ۸(۲۵)، صص ۷۱-۷۸.
۵. جعفری، سیدمحمدباقر و معصومه حسینی ابوعلی (۱۳۹۶)، "بررسی نقش تعدیل کنندگی متغیرهای جمعیت شناختی بر ریسک های ادراک شده پذیرش تجارت الکترونیکی در بخش کشاورزی ایران"، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۸(۳)، صص ۳۷۹-۳۸۹.
۶. جواد، مصطفی؛ الوداری، حسن؛ امیرخانی، امیرحسین؛ جمشیدی، علی (۱۳۹۶)، "ارائه مدل مدیریت اینرسی سازمانی در دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی"، مدیریت سازمان های دولتی، ۵(۴)، صص ۳۹-۴۸.
۷. سعدی، محمدرضا؛ محمدی مقدم، یوسف؛ عباس پور، جعفر؛ عباس پور، حیدر. (۱۳۹۸)، "بررسی موانع بانکداری الکترونیک در ایران با رویکرد فرا تحلیل"، مطالعات مدیریت کسبوکار هوشمند، ۷(۲۶)، صص ۱۶۰-۱۳۷.
۸. سهرابی، روح الله؛ یوسفی فرد، ارسلان و نریمانی عزیز، زهرا (۱۳۹۲)، "بررسی و شناسایی موانع پذیرش بانکداری الکترونیک در بین مشتریان (مطالعه موردی: بانک رفاه شهر همدان)"، همایش ملی علوم مدیریت نوین.
۹. صلواتی، شهرام و ناصرخانی (۱۳۹۲)، "سازگاری با تجارت الکترونیکی در صنعت هتل داری ایران"، مطالعات مدیریت گردشگری، ۸(۲۱)، صص ۱۶۷-۱۸۷.
۱۰. فیروز پور، رامین و احسان ساده (۱۳۹۶)، "بررسی چالش های موجود در کسبوکار اینترنتی (تجارت الکترونیک) در ایران، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع.
۱۱. کیماسی، مسعود و سارا رضانی (۱۳۹۵)، "ارائه مدل استراتژیک برای توسعه بانکداری الکترونیک در بانک های تجاری ایران"، مدیریت فناوری اطلاعات، ۸(۱)، صص ۱۹۴-۱۷۷.
۱۲. محمدزاده، عباس (۱۳۷۸)، "فرایند تغییر و تحول در فرهنگ سازمانی"، فصلنامه مصباح، ۹(۳۱)، صص ۱-۱۸.
۱۳. موسوی شفاپی، مسعود و همت ایمانی (۱۳۹۶)، "دیپلماسی اقتصادی؛ رهیافتی برای افزایش قدرت ملی ایران"، فصلنامه راهبرد، ۲۶(۸۴)، صص ۱۷۴-۱۴۹.
۱۴. یعقوبی، نورمحمد؛ شکوهی، جواد؛ جعفری، حمیدرضا (۱۳۹۲)، "بررسی ابعاد و تاثیر فرهنگ سازمانی بر موفقیت های تجارت الکترونیکی با تکیه بر مدل دنیسون"، دومین همایش ملی علوم مدیریت نوین.
15. Elisha mensin, A. (2010). "e-banking in developing economy: empirical evidence from Nigeria", *Journal of applied quantitative methods*, vol. 5 no. 19-217.
16. Ghobakhloo, N. and Tang, S.H. (2013). "The role of owner/manager in adoption of electronic commerce in small businesses: The case of developing countries", *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 20 (4); 754 – 787.
17. Heckmann, N. Steger, T. & Dowling, M. (2016). "Organizational capacity for change, change experience, and change project performance", *Journal of Business Research*, 69(2), 777-784.
18. Holland, C.P. & Westwood, J.B. (2001). "Product-Market and Technology Strategies in Banking", *Communications of the ACM*, 44 (5): 53-57.
19. Kagendo F. K. (2015). "E-banking strategy and performance of commercial banks in Kenya, Unpublished MBA project", School of Business, University of Nairobi, 8: 1-51.
20. Koo DM. (2006). "The fundamental reasons of e-consumers' loyalty to an online store", *Electronic Commerce Research and Applications* 5: 117-130.
21. Liao, Z. & Cheung, M.T. (2003). "Challenges to Internet E-banking", *Communications of the ACM*, 46 (12): 248-250.
22. Magutu P, Mwangi M, Nyaoga Richard B, Ondimu, Gladys M, Kagu M; Mutai, K; Kilonzo H; Nthenya P. (2011). "E-commerce products and services in the banking industry: the adoption and usage in commercial banks in Kenya", *Journal of Electronic Banking Systems*, 12: 1-20.
23. Mungatu J; Onjure C. O. & Wanyoike D. M. (2018). "Influence of Capacity for Change on Electronic Commerce Strategy as Adopted by Commercial Banks in Kenya", *International Journal of Innovative Research and Development*, 7: 27-48.
24. Nakhumwa N. (2014). "Adoption of e-commerce payment systems by commercial banks in Kenya", *International journal of management & information technology*, 2: 1600-1622.
25. Ngango, A. Mbabazize, M. & Shukla, J. (2015). "E-banking and performance of commercial banks in rwanda a case of bank of Kigali", *European Journal of Accounting Auditing and Finance Research*, 3(4), 25- 57.

26. Raineri Andres B. (2011). " Change management practices: impact on perceived change results", *Journal of Business Research*, 64: 266-272.
27. Sanchez T, Javier A, Arroyo C, Francisco S, Alexander V, Sanchez Alzate, J. (2017). " E-banking in Colombia: factors favouring its acceptance, online trust and government support", *International Journal of Bank Marketing*, 1: 170-183.
28. Sidhu, L. S. Sharma, J. Shivani, S. & Punj, P. (2015). "Ebanking (benefits and challenges in an emerging economy)", *Compusoft*, 4(4), 1708-1715.
29. Wanjohi S. (2014). " Organisational culture and change management practice in the Kenyan media industry, A research project submitted in fulfilment of the requirement for the award of the degree of Master of Business Administration, School of Business, University of Nairobi, 7: 1-66.
30. Onjure C. O. Wanyoike D. M. & Mungatu J. (2018). "Influence of Capacity for Change on Electronic Commerce Strategy as Adopted by Commercial Banks in Kenya", *International Journal of Innovative Research and Development*, 7:pp.27-48.

Investigating the Impact of Change Capacity on Electronic Banking

Abstract

Accepting developed technology and products is one of the issues of interest to senior executives of innovative organizations. Service organizations create value for their customers through the development of new products and services and can profit from this. The purpose of this study was to investigate the effect of change capacity on e-banking. The statistical population of the study consisted of managers of banks in Arak city, totally 300 people. In order to collect the data, the Rhine Role (2011), Wuhanji (2014) and Magutu et al. (2011) questionnaires were used. In order to increase the validity of the questionnaire, the views of the professors of this field were used. Cronbach's alpha method was used to determine the reliability of the questionnaire. Whose values for compatibility and flexibility of 803/0, the ability to manage change of 797/0, the change culture of 817/0, and e-banking 806/0 have been obtained. In this research, data analysis was conducted through path analysis and structural equation modeling using LaserLevel software. The results indicate that compatibility and flexibility, change management capability and change culture have a positive and significant effect on e-banking.

Keyword: Change Management Capability, Compatibility, Change Culture. Electronic Banking

رابطه بین رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها با دست‌کاری فعالیت‌های واقعی، کیفیت حسابرسی و حاکمیت شرکتی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۱۵

کد مقاله: ۴۱۴۴۴

یداله نوری فرد^۱، ابراهیم بسحاق^{۲*}

چکیده

یکی از نقش‌های مهم و تأثیرگذار در سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های اقتصادی و مالی و غیره رتبه‌بندی اعتباری می‌باشد که در این جهت سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های اقتصادی و مالی به اطلاعات دقیق و مناسب نیازمند هستند که رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها نمایه‌ای از کیفیت اطلاعات گزارشگری مالی و سود شرکت‌ها را به سرمایه‌گذاران نشان می‌دهد و موجب کاهش ریسک مالی در سرمایه‌گذاری می‌شود. هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها با دست‌کاری فعالیت‌های واقعی، کیفیت حسابرسی و حاکمیت شرکتی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ می‌باشد. پژوهش حاضر، در حوزه پژوهش‌های توصیفی و استقرایی است و از نظر هدف کاربردی می‌باشد که بر پایه داده‌های پس‌رویدادی انجام خواهد شد. سه فرضیه تحقیق عبارت‌اند از: الف- بین دست‌کاری فعالیت‌های واقعی و رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها رابطه منفی وجود دارد. ب- بین کیفیت حسابرسی و رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد. ج- بین حاکمیت شرکتی و رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد که در نتیجه پس از آزمون فرضیات، هر سه فرضیه این پژوهش تایید می‌گردد.

واژگان کلیدی: رتبه‌بندی اعتباری، دست‌کاری فعالیت‌های واقعی، کیفیت حسابرسی و حاکمیت شرکتی

۱- استادیار حسابداری، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران
۲- دانشجوی ارشد واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (مسئول مکاتبات) (Boshaghebrahim@gmail.com)

۱- مقدمه

رتبه‌بندی نظریه‌ای رسمی است که توسط مؤسسات رتبه‌بندی درباره ارزیابی احتمالی پرداخت به موقع تعهدات مالی و اعتبار شرکت‌ها، موسسه‌های مالی و بانکی، بنگاه‌های اقتصادی و مالی و ناشر اوراق بهادار و غیره اعلام می‌شود و در حقیقت مبانی لازم را برای مقایسه ریسک اعتباری یک شرکت یا بنگاه اقتصادی را با شرکت یا بنگاه اقتصادی دیگر فراهم می‌کند (سایت مرکز رتبه‌بندی استاریت). اعتباردهندگان همواره به دنبال راهکاری هستند تا در خصوص توانایی شرکت در بازپرداخت بدهی اطمینان حاصل کنند در غیر این صورت به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی، شرکت‌ها باید هزینه تأمین مالی بالایی را متحمل شوند، لذا شرکت‌ها با وضعیت اعتباری مطلوب از این انگیزه برخوردارند که رتبه آن‌ها توسط مؤسسات تعیین شود، زیرا شرکت‌های با رتبه اعتباری بالا می‌توانند با هزینه کمتری تأمین مالی کنند. از طرفی سرمایه‌گذاران از رتبه‌ها به عنوان شاخص ریسک استفاده می‌کنند و رتبه اعتباری به آن‌ها کمک می‌کند به سرعت ویژگی‌های ریسک تعداد زیادی از اوراق یا شرکت‌های صادرکننده اوراق را با مقیاسی واحد و شناخته‌شده ارزیابی کنند. آن‌ها ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که دارای رتبه درجه سرمایه‌گذاری (رتبه بالای اعتباری) هستند. در نتیجه رتبه‌ها کانال‌های اصلی از انتشار اطلاعات در بازارهای مالی هستند (بو و تود، ۲۰۱۱)؛ بنابراین با توجه به مطالب ارائه شده هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها با دست‌کاری فعالیت‌های واقعی، کیفیت حسابرسی و حاکمیت شرکتی می‌باشد تا سرمایه‌گذاران با کمترین ریسک بتوانند در شرکت‌های بورسی سرمایه‌گذاری کنند.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رتبه اعتباری شرکت، ارزیابی مستقلى از توانایی شرکت در خصوص پرداخت به موقع بدهی را نشان می‌دهد (گری و همکاران، ۲۰۰۶).

دست‌کاری فعالیت‌های واقعی، انحراف از فعالیت‌های عادی عملیاتی توسط مدیران به منظور همراه کردن برخی از ذینفعان درباره این‌که اهداف گزارشگری مالی در روند عادی عملیات برآورد شده است، در صورتی که مدیران به‌طور گسترده با این قبیل فعالیت‌ها درگیر باشند، نشان‌دهنده تمایل آن‌ها به مدیریت واقعی سود است، زیرا این قبیل فعالیت‌ها می‌تواند بر سود دوره جاری تأثیرگذار باشد. (روی چادوری، ۲۰۰۶)

کیفیت حسابرسی، ارزیابی و استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرسان در کشف تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم حسابداری صاحب کار و تحریف‌های با اهمیت کشف شده را گزارش دهد. (توسط دی آنجلو، ۱۹۸۱)^۴ حاکمیت شرکتی، قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود. (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۵)

۲-۱- پیشینه خارجی

کیم و پارک (۲۰۱۴)^۵، در پژوهشی با عنوان دست‌کاری فعالیت‌های واقعی و تصمیمات تغییر صاحبکار حسابرسان، به بررسی تأثیر دست‌کاری فعالیت‌های واقعی توسط مدیریت بر تصمیم حسابرسان برای تغییر صاحبکار پرداختند. آنان نتیجه گرفتند که به استثنای دست‌کاری فعالیت‌های واقعی به واسطه تولید اضافی، تصمیمات عملیاتی فرصت طلبانه صاحبکار دارای ارتباطی مستقیم و معنادار با احتمال تغییر حسابرسان می‌باشند.

هوانگ و همکاران (۲۰۱۰)^۶، به بررسی رابطه بین مدیریت سود و رتبه اعتباری پرداختند و نتیجه گرفتند که با افزایش نقد شوندگی، مدیریت سود از طریق دست‌کاری اقلام تعهدی شدت می‌گیرد.

روی چادوری (۲۰۰۶)، در پژوهشی تحت عنوان مدیریت سود از طریق دست‌کاری فعالیت‌های واقعی دریافت که شرکت‌ها برای جلوگیری از گزارش زیان و ارائه حاشیه سود بهتر، از فعالیت‌هایی نظیر ارائه تخفیفات قیمتی به منظور افزایش فروش، تولید بیش از اندازه برای کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته و کاهش هزینه‌های اختیاری استفاده می‌کنند. در حالی که این فعالیت‌ها باعث افزایش ارزش شرکت در بلندمدت نمی‌شود. البته وجود سهامداران نهادی باعث استفاده کمتر از اینگونه فعالیت‌ها می‌شود.

1- Bou And Toud (2011)
2- Gray, et al (2006)
3- Roychowdhury (2006)
4- DeAngello (1981)
5- Kim And park (2014)
6- Hwang, et, al (2010)

۲-۲. پیشینه داخلی

هادی شایسته، سجاد طباطبایی، محسن کاویانی و احمدرضا طاهری فرد (۱۳۹۴)، به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند که نتایج نشان داد بین تمام متغیرهای مستقل و کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. وجود رابطه مثبت نشان می‌دهد که شرکت‌ها با تعداد بیشتر اعضای هیئت مدیره و شرکت‌های دارای اعضای غیر موظف به دلیل ساختار راهبری قوی تر، کیفیت حسابرسی و شفافیت اطلاعاتی و گزارشگری بیشتری دارند. ابراهیم وحیدی الیزی و سمیه روانان (۱۳۹۳)، به بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی و ویژگیهای حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند که نتایج نشان داد بین کیفیت حسابرسی، اندازه هیئت مدیره، غیر موظف بودن اعضای هیئت مدیره و مدیریت سود یک رابطه منفی و معنی دار و بین پاداش هیئت مدیره و مدیریت سود یک رابطه مثبت وجود دارد. نمازی و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود با استفاده از ۶۱ مشاهده در سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ پرداختند، نتایج نشان می‌دهد که بین اندازه حسابرسی و مدیریت سود رابطه ای وجود ندارد، ولی بین دوره تصدی حسابرسی و مدیریت سود رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

۳- فرضیه‌ها

- فرضیه های این پژوهش جهت رسیدن به اهداف، به شرح ذیل می‌باشد:
۱. بین دست کاری فعالیت‌های واقعی و رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها رابطه منفی وجود دارد.
 ۲. فرضیه ۲. بین کیفیت حسابرسی و رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
 ۳. فرضیه ۳. بین حاکمیت شرکتی و رتبه‌بندی اعتباری شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد.

۴- روش شناسی

این پژوهش در حوزه پژوهش‌های توصیفی و استقرایی است و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. از نظر تقسیم بندی برحسب روش اجرا، روش همبستگی و بر پایه داده‌های پس رویدادی انجام خواهد شد. جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه ای و داده‌های پژوهش از طریق داده‌های شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورتهای مالی و یادداشتهای توضیحی و با استفاده از نرم‌افزارهای ره آورد نوین و تدبیر پرداز جمع آوری گردیده است. جامعه آماری پژوهش متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی سال ۱۳۹۲ الی سال ۱۳۹۶ می‌باشد که مراحل نمونه گیری به شرح جدول (۱)، ارائه شده است که از ۴۸۷ شرکت از روش حذف سیستماتیک، ۹۷ شرکت به عنوان نمونه انتخاب گردیده است:

جدول (۱) روش حذف سیستماتیک

تعداد کل	مراحل مختلف نمونه گیری
۴۸۷	شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران تا تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹
(۸۴)	شرکت‌هایی که دوره مالی آن‌ها به ۱۲/۲۹ هر سال ختم نشود و در طول دوره تغییر در دوره مالی داشته باشند
(۴۴)	شرکت‌هایی که بعد از تاریخ ۱۳۹۲/۰۱/۰۱ در بورس پذیرفته شده اند
(۵۸)	شرکت‌هایی که سهام آن‌ها به‌طور فعال در بورس معامله نشده است
(۱۱۸)	شرکت‌هایی که در طول دوره مورد نظر، در حالت تعلیق بوده و یا از بورس خارج شده اند
(۴۵)	جزء شرکت‌های فعال در حوزه فعالیت‌های مالی، از جمله: شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک ها، بیمه ها و مؤسسات مالی باشند
(۴۱)	دستیابی به اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها مقدور نباشد
۹۷	تعداد شرکت‌های نمونه

۵- مدل و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه ها از مدل های متغیرهای وابسته و مستقل استفاده می‌شود:

۵-۱- متغیرهای وابسته

رتبه‌بندی اعتباری (Credit Ratings):

پس از بررسی ادبیات پیشین بر عوامل تعیین کننده رتبه‌بندی اعتباری، مدل رتبه‌بندی اعتباری را از متغیرهای کنترل از چندین مدل تحقیق (هوریگان^۱، وست^۲(۱۹۷۰)، کاپلان و هورویتز^۳(۱۹۷۹)، واینستین^۴(۱۹۸۱)، لامی و تاپسون^۵(۱۹۸۸) و زیبارت و ریتر^۶(۱۹۹۲)) استفاده می‌نمایم که به شرح زیر است:

$$\text{Rating}_{jt} = \beta_0 + \beta_1 \text{totasset}_{jt} + \beta_2 \text{ltdebt}_{jt} + \beta_3 \text{income}_{jt} + \beta_4 \text{beta}_{jt} + \beta_5 \text{cashflow}_{jt} + \beta_6 \text{loss}_{jt} + \beta_7 \text{intcov}_{jt} + \beta_8 \text{ram}_{jt} + \beta_9 \text{audit}_{jt} + \beta_{10} \text{cgq}_{jt} + \beta_{11} \text{ram}_{jt} * \text{audit}_{jt} + \beta_{12} \text{ram}_{jt} * \text{cgq}_{jt} + \beta_{13} \text{audit}_{jt} * \text{cgq}_{jt} + \beta_{14} \text{ram}_{jt} * \text{audit}_{jt} * \text{cgq}_{jt} + \varepsilon_{jt} \quad (۱)$$

که در آن:

Rating: رتبه‌بندی;	Loss: زیان;
Totasset: اندازه شرکت;	Intcov: پوشش سود;
Ltdebt: درجه اهرم;	Ram: دست کاری فعالیت‌های واقعی;
Income: درآمد;	Audit: کیفیت حسابرسی;
Beta: بتا;	Cgq: حاکمیت شرکتی می‌باشد.
Cashflow: جریان نقدی;	

۵-۲- متغیرهای مستقل

الف- دست کاری فعالیت‌های واقعی (Ram):

تولید سطح عادی از جریانات نقدی عملیاتی، هزینه‌های اختیاری و هزینه‌های تولید با استفاده از مدل توسعه یافته توسط دچو و واتس^۷(۱۹۹۸) و روی چادوری^{۲۰۰۶} اجرا می‌شود.

برای ارزیابی این مدل، برای هر صنعت و سال رگرسیون مقطعی زیر را استفاده می‌نمایم:

$$\text{CFO}_{jt} / \text{Assests}_{j,t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / \text{Assests}_{j,t-1}) + \beta_1 (\text{Sales}_{jt} / \text{Assests}_{j,t-1}) + \beta_2 (\Delta \text{Sales}_{jt} / \text{Assests}_{j,t-1}) + \varepsilon_{jt} \quad (۲)$$

جریانات نقدی عملیاتی غیر عادی هست جریانات نقدی واقعی منهای سطح عادی جریانات نقدی عملیاتی محاسبه شده با استفاده از ضریب مدل (۲) برآورد شده است.

مدل زیر برای ارزیابی سطح عادی هزینه‌های اختیاری تخمین زده می‌شود:

$$\text{Disexp}_{jt} / \text{Assests}_{j,t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / \text{Assests}_{j,t-1}) + \beta_1 (\text{Sales}_{j,t-1} / \text{Assests}_{j,t-1}) + \varepsilon_{jt} \quad (۳)$$

به عبارت دیگر باقیمانده‌های هر کدام از مدل ۲ و ۳ به ترتیب بیانگر مقادیر غیر عادی جریان نقدی عملیاتی و هزینه‌های اختیاری است و معرف دست کاری فعالیت‌های واقعی است.

هزینه‌های تولید مجموع بهای تمام شده کالاهای فروش رفته و تغییر در موجودی مواد و کالا در طول سال تعریف می‌شود. برای ارزیابی هزینه کالاهای فروش رفته از مدل زیر استفاده می‌نمایم:

$$\text{COGS}_{jt} / \text{Assests}_{j,t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / \text{Assests}_{j,t-1}) + \beta_1 (\text{Sales}_{jt} / \text{Assests}_{j,t-1}) + \varepsilon_{jt} \quad (۴)$$

به همین ترتیب مدل رشد موجودی را از مدل زیر ارزیابی می‌نمایم:

$$\Delta \text{INV}_{jt} / \text{Assests}_{j,t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / \text{Assests}_{j,t-1}) + \beta_1 (\Delta \text{Sales}_{jt} / \text{Assests}_{j,t-1}) + \beta_2 (\Delta \text{Sales}_{j,t-1} / \text{Assests}_{j,t-1}) + \varepsilon_{jt} \quad (۵)$$

بهای تمام شده کالای فروش رفته را با استفاده از مدل زیر ارزیابی می‌نمایم:

$$\text{Prod}_{jt} / \text{Assests}_{j,t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / \text{Assests}_{j,t-1}) + \beta_1 (\text{Sales}_{jt} / \text{Assests}_{j,t-1}) + \beta_2 (\Delta \text{Sales}_{jt} / \text{Assests}_{j,t-1}) + \beta_3 (\Delta \text{Sales}_{j,t-1} / \text{Assests}_{j,t-1}) + \varepsilon_{jt} \quad (۶)$$

1- Horriagan (1996)

2- West (1970)

3- kaplan And urwitz (1979)

4- Weinstein (1981)

5- Lamy And Thompson (1988)

6- Ziebart, D, and S. Reiter (1992)

7- Dechow And Watts (1998)

ب- کیفیت حسابرسی (AQ):

$$AQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 OL_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 BM_{i,t} + \varepsilon_{it} \quad (7)$$

AQ: شاخص کیفیت حسابرسی شرکت i در سال t

OL: میزان مالکیت نهادی شرکت i در سال t

BM: تمرکز مالکیت نهادی شرکت i در سال t

ج- حاکمیت شرکتی (Cgq):

$$Cgq_{it} = \beta_0 + \beta_1 AC_{i,t} + \beta_2 BCM_{i,t} + \beta_3 BCI_{i,t} + \beta_4 BEO_{i,t} + \varepsilon_{it} \quad (8)$$

متغیرهای معادلات مدل ۲ تا مدل ۸ به صورت زیر تعریف می شوند:

Cfo: جریانات نقدی عملیاتی در طول t است.

Prod: نشان دهنده هزینه های تولید در دوره t است که به عنوان مجموع بهای تمام شده کالاهای فروش رفته تعریف می شود.

Disexp: نشان دهنده هزینه های اختیاری در دوره t است که به عنوان مجموع هزینه های تبلیغات، هزینه های عمومی، اداری و فروش می باشد.

AC: متغیر مصنوعی می باشد که امتیاز ۱ برای شرکت هایی که کمیته حسابرسی دارند و امتیاز صفر برای سایر شرکت ها.

BCM: متغیر مصنوعی می باشد که امتیاز ۱ برای شرکت هایی که تعداد جلسات هیئت مدیره آن ها ۳ یا بیشتر باشد و امتیاز صفر برای سایر شرکت ها *

BCI: استقلال اعضای هیئت مدیره که یک متغیر مصنوعی می باشد که امتیاز ۱ باشد و امتیاز صفر برای سایر شرکت ها که امتیاز ۱ برای شرکت هایی که نسبت مدیران غیر اجرایی هیئت مدیره بیشتر از میان نسبت باشد و امتیاز صفر برای سایر شرکت ها *

BEO: متغیر مصنوعی می باشد جهت سنجش دوگانگی مدیر عامل که امتیاز ۱ برای شرکت هایی که مدیر عامل آن رئیس هیئت است و امتیاز صفر برای سایر شرکت ها.

جریانات نقدی عملیاتی غیر عادی، هزینه های تولید غیر عادی، هزینه های اختیاری غیر عادی با تفاوت بین ارزش واقعی و مقادیر واقعی از مدل های ۲ و ۳ و ۶ پیش بینی شده است.

۵-۳- متغیرهای کنترل

در یک تحقیق، اثر تمام متغیرها را بر یکدیگر نمی توان به طور هم زمان مورد مطالعه قرار داد. بنابراین محقق اثر برخی از متغیرها را کنترل نموده، آن ها را خنثی می کند. این نوع متغیرها، متغیر کنترل نامیده می شوند. در این پژوهش متغیرهای کنترلی عبارتند از:

Totasset- اندازه شرکت؛ تعیین کننده مهم توانایی مالی با دارا بودن بیشتر دارایی های کل در رابطه با رتبه اعتباری بالاتر است.

Ltdebt- درجه اهرم؛ نشان دهنده یک عامل خطر است که بیشتر بدهی های بلند مدت مرتبط با رتبه بندی اعتباری کمتری است.

Income- درآمد؛ به ارزش اعتباری بیشتر اشاره دارد، بنابراین رابطه مثبتی پیش بینی شده است.

Beta- بتا؛ اندازه گیری میزان ریسک از طریق حرکت کلی قیمت سهام عادی شرکت را فراهم می کند. یک بتا بالاتر نشان دهنده خطر بیشتری است و باید به صورت معکوس با رتبه بندی اعتباری ارتباط داشته باشد.

Cashflow- جریان نقدی؛ اندازه گیری جریان نقدی توانایی تولید نقدی شرکت را اندازه گیری می کند. انتظار می رود جریان نقدی رابطه مثبتی با رتبه اعتباری داشته باشد.

Loss- زیان؛ مجموعه متغیر مصنوعی برابر با یک است مگر شرکت درآمدهای منفی در سال مالی جاری و قبل از آن گزارش کند که دیگر آن صفر است.

Intcov- پوشش سود؛ به عنوان یک کنترل نکول ریسک استفاده می شود که در آن یک نسبت پایین تر نشان دهنده ریسک بیشتر است.

۶- یافته‌های تحقیق

۱-۶- آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۲) ارائه شده است:

جدول (۲) آماره توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	لاتین	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	میان	انحراف معیار
رتبه‌بندی اعتباری	CreditRatings	۴۸۵	۱	۷	۴,۸۴۱	۴,۳۱۲	۱,۲۵۱۶
دست‌کاری فعالیت‌های واقعی	Ram	۴۸۵	۰,۰۰۳	۰,۶۲۵	۰,۲۳۷	۰,۱۸۴	۰,۰۵۶
کیفیت حسابرسی	AQ	۴۸۵	۰,۱۱۳	۰,۹۱۵	۰,۴۴۹	۰,۳۲۴	۰,۲۴۹
حاکمیت شرکتی	Cgq	۴۸۵	۰,۰۸۴	۰,۹۸۱	۰,۵۴۱	۰,۴۸۱	۰,۱۸۹
اندازه شرکت	Totasset	۴۸۵	۱	۳	۲,۱۲	۲,۳۴۱	۰,۴۱
درجه اهرم	Ltdebt	۴۸۵	۰,۰۹۶	۰,۹۳۷	۰,۵۶۶	۰,۵۹۱	۰,۲۰۶
نسبت درآمد	Income	۴۸۵	۰,۰۱۵	۰,۸۴۹	۰,۳۲۵	۰,۳۱۸	۰,۲۱۹
میزان ریسک	Beta	۴۸۵	۰,۰۰۵	۰,۸۴۱	۰,۳۱۵	۰,۲۸۴	۰,۱۳۷
جریان نقدی	Cashflow	۴۸۵	-۰,۷۸۱	۰,۶۸۸	۰,۳۸۱	۰,۳۱۵	۰,۱۸۲
زیان	Loss	۴۸۵	۰,۰۲۵	۰,۸۸۹	۰,۳۱۵	۰,۱۴۸	۰,۱۰۸
پوشش سود	Intcov	۴۸۵	-۰,۹۲۷	۰,۹۲۳	۰,۳۵	۰,۳۷۱	۰,۲۶۶
تعداد مشاهدات		۴۸۵					

با توجه به آماره توصیفی، می‌توان شاخص‌های بالا را به شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و سایر شاخص‌ها تقسیم نمود، که شاخص‌های مرکزی عبارت است از شاخص میانگین و میان، شاخص‌های پراکندگی عبارت است از شاخص انحراف معیار و سایر شاخص‌ها عبارت از شاخص حداقل، حداکثر، چولگی و کشیدگی می‌باشد. پس از جمع‌آوری داده‌های ۹۷ شرکت مورد مطالعه از صورت‌های مالی شرکت‌های فوق، اعداد را به ترتیب در فرمول‌های مورد بررسی قرار دادیم که طی ۵ سال و ۹۷ شرکت، ۴۸۵ مورد می‌شود. در خصوص هر یک از متغیرها ۴۸۵ داده داریم. برای مثال، در خصوص متغیر رتبه‌بندی اعتباری از بین ۴۸۵ داده، عددها را گرد کردیم و کوچکترین داده (حداقل) عدد ۱ و بزرگترین داده (حداکثر) عدد ۷ می‌باشد و بقیه متغیرها در خصوص حداقل و حداکثر بدین صورت بدست آمده است.

۲-۶- آمار استنباطی

۱-۲-۶- آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S)

نتایج حاصل از به کارگیری این آزمون در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۳) آزمون نرمال بودن جامعه آماری با استفاده از کولموگروف-اسمیرنوف (K-S)

متغیرهای پژوهش	آماره K-S	سطح معناداری	نتیجه آزمون
CreditRatings	۰,۰۹۷	۰,۱۹۴	نرمال
Ram	۰,۰۹۳	۰,۱۷۴	نرمال
AQ	۰,۰۹۴	۰,۲۱۵	نرمال
Cgq	۰,۰۸۹	۰,۱۹۷	نرمال
Totasset	۰,۱۲۵	۰,۱۱۴	نرمال
Ltdebt	۰,۰۹۹	۰,۲۰۰	نرمال
Income	۰,۱۱۵	۰,۱۹۸	نرمال
Beta	۰,۰۹۸	۰,۱۸۲	نرمال
Cashflow	۰,۱۵۴	۰,۲۰۳	نرمال
Loss	۰,۲۴۱	۰,۳۱۲	نرمال
Intcov	۰,۰۸۱	۰,۱۹۸	نرمال

H_0 = داده ها دارای توزیع نرمال هستند.

H_1 = داده ها دارای توزیع نرمال نیستند.

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون ما بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا هیچ دلیلی برای رد فرضیه H_0 وجود ندارد و می توان گفت که جامعه نرمال است.

چون سطح معنا داری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای تمام متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ است، توزیع تمام متغیرهای مورد مطالعه نرمال می باشد.

۲-۲-۶. آزمون F لیمر

برای انتخاب بین روش داده های ترکیبی و روش داده های تابلویی از آزمون F لیمر استفاده شده است و فرضیه های آن به صورت زیر می باشد:

H_0 = روش داده های ترکیبی

H_1 = روش داده های تابلویی

جدول (۴) نتایج آزمون F لیمر

شماره	مدل	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
۱	فرضیه اول	۶,۵۱۰۷۵	۹۱,۵۶۸	۰,۰۰۸۱	panel
۲	فرضیه دوم	۵,۰۶۲۵۱	۹۵,۰۴۱	۰,۰۰۲۸	panel
۳	فرضیه سوم	۷,۰۱۴۲۶	۹۷,۷۱۸	۰,۰۰۳۵	panel

برای انتخاب از بین دو نوع الگو برآورد (تلفیقی و پانل) نخست آزمون F لیمر را برازش می کنیم، در داده های تلفیقی فرض بر این است که عرض از مبدأها با هم برابرند و در الگوی پانل فرض بر این است که حداقل یکی از میدا ها با بقیه متفاوت است. در آزمون F لیمر، اگر فرضیه صفر رد نشود از الگوی تلفیقی برای برازش داده ها استفاده می کنیم. با توجه به اینکه P-value بدست آمده از آزمون F لیمر در فرضیه های پژوهش کوچکتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل ها از مدل داده های پانل Panel استفاده خواهد شد.

۳-۲-۶. آزمون هاسمن

بعد از این که مشخص شد ناهمگنی در مقاطع وجود دارد و تفاوت های فردی قابل لحاظ کردن است و روش داده های ترکیبی برای برآورد مدل پژوهش مناسب است، باید مشخص شود که خطای تخمین، ناشی از تغییر در مقاطع است یا این که در طی زمان رخ داده است. در نحوه در نظر گرفتن چنین خطاهایی با دو اثر ثابت و اثر تصادفی استفاده می شود. در آزمون هاسمن، فرضیه صفر آن مبتنی بر تصادفی بودن خطاهای برآوردی است که نتایج آن در جدول زیر انعکاس یافته است.

جدول (۵) آزمون هاسمن برای تعیین مدل اثرات ثابت یا تصادفی

آزمون	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	روش
فرضیه اول	6.95216	19	0.0241	اثرات ثابت
فرضیه دوم	4.851562	23	0.0482	اثرات ثابت
فرضیه سوم	5.34592	29	0.0158	اثرات ثابت

سطح خطای ۵ درصد

با توجه به نتایج آزمون انجام شده (هاسمن) احتمال بدست آمده کمتر از ۵ درصد بوده و بنابراین باید در مدل رگرسیونی مربوطه از روش اثرات ثابت استفاده شود.

۴-۲-۶. بررسی ناهمسانی واریانس

در این قسمت به تخمین ناهمسانی واریانس که ناشی از ویژگی های متفاوت شرکت ها می باشد می پردازیم. زمانی که در واحدهای مقطعی دارای واریانس همسان باشد، اما واریانس آن در سرتاسر واحدها متفاوت باشند، ما ناهمسانی واریانس گروهی خواهیم داشت. همانند بررسی ایستایی متغیرها در اینجا نیز نیاز به بکارگیری روش مناسب برای داده های تلفیقی داریم. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس، آرچ LM به شرح جدول زیر می باشد:

جدول (۶) نتایج آزمون ناهمسانی آرج LM مدل تحقیق

مدل	شرح	مقدار آماره	سطح معناداری
فرضیه اول	F-Statistic	0.628159	0.2015
فرضیه دوم	F-Statistic	0.460215	0.0982
فرضیه سوم	F-Statistic	0.734182	0.1682

سطح خطای ۰,۰۵ درصد

با توجه به جدول بالا آماره F آزمون در سطح ۵ درصد معنادار نیست، بنابراین فرض همسانی واریانس تایید شده و ناهمسانی واریانس جملات اخلال رد می‌شود.

۳-۶- تجزیه و تحلیل ها به تفکیک فرضیه ها

۳-۶-۱. تجزیه و تحلیل فرضیه اول

دست‌کاری فعالیت‌های واقعی با نقش میانجی‌گری اندازه شرکت، درجه اهرم، نسبت درآمد، میزان ریسک، جریان نقدی، خالص حقوق بازنشتی، زیان و پوشش سود بر رتبه‌بندی اعتباری تاثیر و رابطه منفی دارد. که در شکل زیر قابل مشاهده است:

Dependent Variable: CREDITRATINGS Method: Least Squares Date: 05/07/19 Time: 05:36 Sample (adjusted): 1 485 Included observations: 485 after adjustments				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
RAM	-2.252925	0.431708	-5.218632	0.0482
TOTASSET	2.015171	0.329962	6.107282	0.0129
LTDEBT	2.342404	0.283427	8.264576	0.0276
INCOME	2.100740	0.483774	4.342400	0.0227
BETA	-1.316724	0.311730	-4.223925	0.0101
CASHFLOW	3.114721	0.371357	8.387403	0.0135
LOSS	-2.034237	0.343609	-5.920209	0.0207
INTCOV	3.093056	0.579050	5.341604	0.0135
C	4.101341	0.566473	7.240134	0.0370
R-squared	-0.610812	Mean dependent var		3.948665
Adjusted R-squared	-0.573091	S.D. dependent var		0.595852
S.E. of regression	0.602104	Akaike info criterion		3.800833
Sum squared resid	4.334854	Schwarz criterion		3.886834
Log likelihood	92.02828	Hannan-Quinn criter.		3.834618
F-statistic	87.79320	Durbin-Watson stat		1.901353
Prob(F-statistic)	0.014403			

شکل ۱- آزمون فرضیه اول

Squared : بیانگر کیفیت مدل می‌باشد، بدین معنا که اگر این عدد بیشتر از ۶۱٪ باشد مدل خوبی است، عدد ۶۱ درصد عدد حدودی می‌باشد و در اینجا چون R-squared (۶۱ درصد) بدست آمد، پس می‌توان گفت مدل، مدل خوبی است، در بیانی دیگر R2 قدرت توضیح دهنده‌ی مدل را بیان می‌کند در واقع ۰,۶۱ درصد تغییرات ممکن در متغیر رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها از میزان دست‌کاری فعالیت‌های واقعی تاثیر می‌گیرد و با توجه به اینکه ضریب همبستگی منفی است، این تاثیر منفی است و باعث تعدیل و کاهش رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها می‌شود.

۳-۶-۲. تجزیه و تحلیل فرضیه دوم

کیفیت حسابرسی با نقش میانجی‌گری اندازه شرکت، درجه اهرم، نسبت درآمد، میزان ریسک، جریان نقدی، خالص حقوق بازنشتی، زیان و پوشش سود بر رتبه‌بندی اعتباری تاثیر و رابطه معناداری دارد. که در شکل زیر قابل مشاهده است:

Dependent Variable: CREDITRATINGS
Method: Least Squares
Date: 05/17/19 Time: 01:36
Sample (adjusted): 1 485
Included observations: 485 after adjustments

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
AQ	4.186089	0.794097	5.271508	0.0272
TOTASSET	2.015232	0.429960	4.687022	0.0114
LTDEBT	2.327907	0.383487	6.070367	0.0480
INCOME	2.130576	0.378495	5.629073	0.0394
BETA	-1.301708	0.312568	-4.164559	0.0349
CASHFLOW	3.109278	0.571545	5.440128	0.0244
LOSS	-2.038394	0.343797	-5.929063	0.0111
INTCOV	3.077564	0.578345	5.321392	0.0438
C	4.130571	0.561468	7.356734	0.0199
R-squared	0.730931	Mean dependent var	2.750541	
Adjusted R-squared	0.605422	S.D. dependent var	0.483858	
S.E. of regression	0.672008	Akaike info criterion	3.603719	
Sum squared resid	4.187808	Schwarz criterion	3.706834	
Log likelihood	77.07127	Hannan-Quinn criter.	3.539498	
F-statistic	82.85732	Durbin-Watson stat	2.103391	
Prob(F-statistic)	0.039154			

شکل ۲- آزمون فرضیه دوم

Squared: بیانگر کیفیت مدل می‌باشد، بدین معنا که اگر این عدد بیشتر از ۷۳٪ باشد مدل خوبی است، عدد ۷۳ درصد عدد حدودی می‌باشد و در اینجا چون R-squared (۷۳ درصد) بدست آمد، پس می‌توان گفت مدل، مدل خوبی است. در بیانی دیگر R² قدرت توضیح دهنده مدل را بیان می‌کند، در واقع ۷۳ درصد تغییرات ممکن در متغیر رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها از میزان کیفیت حسابرسی تاثیر می‌گیرد و با توجه به اینکه ضریب همبستگی مثبت است، این تاثیر مثبت است و باعث افزایش و تقویت رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها می‌شود.

۳-۳-۶ تجزیه و تحلیل فرضیه سوم

حاکمیت شرکتی با نقش میانجی گری اندازه شرکت، درجه اهرم، نسبت درآمد، میزان ریسک، جریان نقدی، خالص حقوق بازنشستگی، زبان و پوشش سود بر رتبه‌بندی اعتباری تاثیر و رابطه معناداری دارد. که در شکل زیر قابل مشاهده است:

Dependent Variable: CREDITRATINGS
Method: Least Squares
Date: 05/18/19 Time: 02:33
Sample (adjusted): 1 485
Included observations: 485 after adjustments

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
CGQ	5.009154	0.603348	8.302263	0.0459
TOTASSET	2.015204	0.529973	3.802465	0.0122
LTDEBT	2.336276	0.683473	3.418242	0.0361
INCOME	2.132433	0.578701	3.684861	0.0349
BETA	-1.315266	0.634900	-2.071611	0.0157
CASHFLOW	3.114435	0.471434	6.606301	0.0348
LOSS	-2.029293	0.343964	-5.899725	0.0322
INTCOV	3.082688	0.478236	6.445956	0.0429
C	3.201370	0.566803	5.648118	0.0257
R-squared	0.860102	Mean dependent var	3.041555	
Adjusted R-squared	0.656265	S.D. dependent var	0.595852	
S.E. of regression	0.752679	Akaike info criterion	2.871550	
Sum squared resid	5.213213	Schwarz criterion	2.787052	
Log likelihood	-98.77575	Hannan-Quinn criter.	2.890335	
F-statistic	78.24195	Durbin-Watson stat	1.891233	
Prob(F-statistic)	0.044741			

شکل ۳- آزمون فرضیه سوم

Squared: بیانگر کیفیت مدل می‌باشد، بدین معنا که اگر این عدد بیشتر از ۸۶٪ باشد مدل خوبی است عدد ۸۶ درصد عدد حدودی می‌باشد و در اینجا چون R-squared (۸۶ درصد) بدست آمد، پس میتوان گفت مدل: مدل خوبی است در بیانی دیگر R2 قدرت توضیح دهنده‌گی مدل را بیان می‌کند، در واقع ۸۶ درصد تغییرات ممکن در متغیر رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها از میزان حاکمیت شرکتی تاثیر می‌گیرد و با توجه به اینکه ضریب همبستگی مثبت است، این تاثیر مثبت است و باعث افزایش و تقویت رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش فوق بررسی رابطه بین رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها با دست‌کاری فعالیت‌های واقعی، کیفیت حسابرسی و حاکمیت شرکتی می‌باشد که سه فرضیه مورد آزمون قرار گرفتند. براساس تحقیق فوق نتیجه آزمون فرضیه اول تحقیق نشان داد دست‌کاری فعالیت‌های واقعی با نقش میانجی‌گری اندازه شرکت، درجه اهرم، نسبت درآمد، میزان ریسک، جریان نقدی، زیان و پوشش سود بر رتبه‌بندی اعتباری تاثیر و رابطه معناداری دارد، بطوری که در این خصوص ضریب تعیین ۰.۶۱- درصد بوده و می‌توان گفت که به میزان ۶۱ درصد از کاهش رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها به دلیل میزان دست‌کاری فعالیت‌های واقعی شان در صورت های مالی می‌باشد. پس در نتیجه دست‌کاری فعالیت‌های واقعی رابطه منفی با رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها دارد. براساس تحقیق فوق نتیجه آزمون فرضیه دوم تحقیق نشان داد کیفیت حسابرسی با نقش میانجی‌گری اندازه شرکت، درجه اهرم، نسبت درآمد، میزان ریسک، جریان نقدی، زیان و پوشش سود بر رتبه‌بندی اعتباری تاثیر و رابطه معناداری دارد. بطوری که در این خصوص ضریب تعیین ۷۳ درصد بوده و می‌توان گفت که به میزان ۷۳ درصد از افزایش رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها به دلیل بالا بردن سطح کیفی حسابرسی در صورت های مالی می‌باشد. پس در نتیجه کیفیت حسابرسی رابطه مثبتی با رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها دارد. براساس تحقیق فوق نتیجه آزمون فرضیه سوم تحقیق نشان داد حاکمیت شرکتی با نقش میانجی‌گری اندازه شرکت، درجه اهرم، نسبت درآمد، میزان ریسک، جریان نقدی، زیان و پوشش سود بر رتبه‌بندی اعتباری تاثیر و رابطه معناداری دارد. بطوری که در این خصوص ضریب تعیین ۸۶ درصد بوده و می‌توان گفت که به میزان ۸۶ درصد از افزایش رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها به دلیل بالا بردن سطح حاکمیت شرکتی می‌باشد. پس در نتیجه حاکمیت شرکتی رابطه مثبتی با رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها دارد.

منابع

۱. حساس یگانه، یحیی و قنبریان، رضا (۱۳۸۵)، کیفیت حسابرسی از دیدگاه نظری و تحقیقات تجربی، فصلنامه حسابدار رسمی، بهار و تابستان، شماره ۸ و ۹، صص ۴۷-۴۰.
۲. شایسته، هادی، سجاد طباطبایی، محسن کاویانی و احمد رضا طاهری فرد (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، سومین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت، تهران، موسسه همایشگران مهر اشراق.
۳. وب سایت، مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی <http://www.rdis.ir>
۴. وب سایت، مرکز رتبه‌بندی اعتباری استارت <http://www.irstart.ir>
۵. وحیدی الیزی، ابراهیم و سمیه روانان (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی و ویژگیهای حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، سومین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، تهران، موسسه اطلاع رسانی نارکش. صص ۱۷-۱۰.
۶. نمازی، محمد، انور بایزیدی و سعید جبارزاده کنگرلویی (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، شماره ۹، صص ۱۸-۱۰.
7. Becker, Bou and Milbourn, Toud (2011). How did increased competition affect credit ratings? Journal of Financial Economics 101(3), 493-730.
8. DeAngello, L. (1981). "Auditor size and auditor quality". Journal of Accounting & Economic (December): 183-199. S.
9. Dechow, P.M., S.P. Kothari, and R. Watts, 1998. The relation between earnings and cashflows. Journal of Accounting and Economics 25:133-168.
10. Gray, et al (2006). The Determinants of Credit Ratings: Australian Evidence. Australian Journal of anagement (31). 333-354.

11. Horrigan, J. 1996. The determinants of long-term credit standing with financial ratios. *Journal of Accounting Research* 4: 44-62.
12. Hwang and et al (2010). Predicting issuer credit ratings using a semiparametric method. *Journal of Empirical Finance* 17. 120-137.
13. Kaplan, R., and G. Urwitz, 1979. Statistical models of bond ratings: A methodological inquiry. *Journal of Business* 52: 231-261.
14. Kim, Y., and Park, M, S. (2014). Real activities manipulation and auditors' client retention decisions. *The Accounting Review*, 89 (1): 367-401.
15. Lamy, R., and Thompson, R, 1988. Risk premia and the pricing of primary issue bonds. *Journal of Banking and Finance* 12: 585-601.
16. Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics* 42 (December): 335-370.
17. Weinstein, M., 1981. The systematic risk of corporate bonds. *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 41: 257-278.
18. West, R., 1970. An alternative approach to predicting corporate bond ratings. *Journal of Accounting Research* 7: 118-127.
19. Ziebart, D., and S. Reiter, 1992. Bond ratings, bond yields and financial information. *Contemporary Accounting Research* 9 (Fall): 252-282.

ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کیفیت حسابرسی داخلی در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۰

کد مقاله: ۵۴۱۷۴

مریم صفرپور^۱، فرزین خوشکار^۲

مرتضی عباسی شاهمراد محله^{۳*}

چکیده

حسابرسی داخلی یکی از سازوکارهای نظارتی و کنترلی واحدهای تجاری تلقی می‌شود. از سوی دیگر، کمیته حسابرسی یکی از مکانیزم‌های راهبری شرکتی است که از سال ۱۳۹۱ شرکت‌های بورس اوراق بهادار ملزم به تشکیل این کمیته شده‌اند. علاوه بر این تفکیک مالکیت از مدیریت نیز سبب شده تا به قدرت مدیرعامل جهت افزایش منافع شخصی افزوده شود. در نتیجه این پژوهش درصدد است تا ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی داخلی را موردبررسی قرار داده و همچنین تأثیر تعدیل‌کنندگی قدرت مدیرعامل بر ارتباط آن‌ها را مورد مطالعه قرار دهد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ طرح پژوهشی از نوع نیمه تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی و از نظر استدلال، از نوع پژوهش‌های استقرایی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برای انتخاب نمونه از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است و با در نظر گرفتن محدودیت‌هایی، ۱۶۲ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی از بعد تخصص مالی، استقلال و اندازه با کیفیت حسابرسی داخلی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین قدرت مدیرعامل اثر تعدیل‌کننده در ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی از بعد تخصص مالی، استقلال و اندازه با کیفیت حسابرسی داخلی دارد.

واژگان کلیدی: قدرت مدیرعامل، کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی.

۱- گروه مدیریت و حسابداری موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، تهران

۲- گروه مدیریت و حسابداری موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، تهران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت و حسابداری موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، تهران (مسئول مکاتبات)
(abbasi.shahmoradi@gmail.com)

۱- مقدمه

در طول دهه گذشته، به منظور بهبود کارایی کمیته حسابرسی مقررات جدیدی اتخاذ گردیده‌اند. تحقیقات قبلی به‌طور کلی شواهدی را در حمایت از این مقررات ارائه داده و نشان داده‌اند که کمیته حسابرسی مستقل‌تر و متخصص‌تر کارایی بیشتری دارند. ما فرض می‌کنیم که قدرت مدیرعامل شرکت بهبود اثربخشی کمیته حسابرسی که ناشی از اعضای کمیته مستقل و از لحاظ مالی متخصص است را کاهش می‌دهد یا حذف می‌کند؛ بنابراین، قدرت مدیرعامل شرکت ممکن است به یک کمیته حسابرسی منجر شود که در ترکیب کارا به نظر می‌رسد اما در جوهره و اساس کارایی ندارند. از آنجاکه همه شرکت‌ها در نمونه ما کمیته حسابرسی کاملاً مستقلی دارند، ما از تخصص مالی برای بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل شرکت در کارایی کمیته حسابرسی استفاده می‌کنیم. ما دریافتیم که زمانی که قدرت مدیرعامل کم است، تخصص مالی کمیته حسابرسی به‌طور منفی با بروز ضعف کنترل داخلی در ارتباط است. با این وجود، هر زمان قدرت مدیرعامل شرکت افزایش می‌یابد، این ارتباط به‌طور یکنواخت تضعیف می‌شود. هنگامی که قدرت مدیرعامل شرکت به سطح بالایی می‌رسد، این ارتباط دیگر منفی نیست. اثر تعدیل‌کننده قدرت مدیرعامل شرکت در کارایی کمیته حسابرسی برجسته‌تر است زمانی که مدیرعامل شرکت اجازه بیشتری را از شرکت از طریق تجارت خودی استخراج می‌کند. نتایج ما با مداخله مدیرعامل در انتخاب مدیر هدایت نمی‌شوند.

اگرچه کریشنان (۲۰۰۵) معتقد بود که یک کمیته حسابرسی اثربخش منجر به کاهش نقاط ضعف سیستم کنترل داخلی می‌شود اما لیسپیچ و همکاران (۲۰۱۶) بیان داشته‌اند که این تأثیر مشروط به قدرت مدیرعامل می‌باشد. استدلال آن‌ها این بود که مدیران از انگیزه بالایی برای کتمان نقاط ضعف سیستم کنترل داخلی جهت افزایش منافع شخصی خود برخوردار هستند؛ زیرا استقرار یک سیستم کنترل داخلی بی‌اثر، فرصت سوءاستفاده مدیران از دارایی‌ها و منابع شرکت را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، زمانی که یک سیستم کنترل داخلی ضعیف می‌باشد، مدیران از اختیار و آزادی عمل خود جهت گزارشگری مالی استفاده می‌کنند که این امر ممکن است منجر به بروز انحراف در استفاده از رویه‌های مطلوب حسابداری (هوگان و ویلکینز، ۲۰۰۸) و همچنین افزایش ارائه اطلاعات مالی دارای کیفیت پایین (اشبوق و همکاران، ۲۰۰۸) گردد. اسکایپ و همکاران (۲۰۱۳) نیز معتقدند که کیفیت پایین گزارشگری مالی نتیجه ضعف سیستم کنترل داخلی می‌باشد که منجر به افزایش عدم تقارن مطالعاتی و فرصت‌طلبی مدیران می‌گردد. لیسپیچ و همکاران (۲۰۱۶) نشان داده‌اند که قدرت مدیرعامل ممکن است ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی را تعدیل نموده و در نتیجه رویکرد فرصت‌طلبی مدیر را در مواردی همچون سوءاستفاده از دارایی‌های شرکت، عدم افشای به‌موقع اطلاعات، کتمان عملکرد نامطلوب و ... افزایش دهد. بر این اساس پژوهش حاضر به بررسی این موضوع پرداخته است که آیا قدرت مدیرعامل بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی داخلی اثر تعدیل‌کننده‌ای دارد؟

اهمیت پژوهش حاضر را از چند جنبه می‌توان تبیین نمود: اول اینکه با توجه به جدید بودن قوانین مربوط به الزام وجود کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، تحقیقات تجربی که به بررسی ارتباط ویژگی‌های کمیته حسابرسی با کیفیت حسابرسی داخلی و همچنین اثر تعدیل‌کننده قدرت مدیرعامل بر این رابطه بپردازند، صورت نگرفته است. دوم اینکه انتظار می‌رود مطالعه حاضر بتواند علاوه بر غنا بخشیدن به ادبیات کمیته حسابرسی در بازارهای و ظهور، به‌ویژه ایران، بیانگر اهمیت کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن در بهبود کیفیت کنترل داخلی و تعادل قدرت مدیرعامل در شرکت‌های ایرانی باشد.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱- قدرت مدیرعامل

طبق دستورالعمل‌های راهبری شرکتی، مدیرعامل به‌عنوان منبعی از قدرت اجرایی بر هیئت‌مدیره نفوذ دارد. در همین راستا، اگر منافع مدیرعامل با منافع سهامداران همسو نباشد، در این صورت نفوذ و قدرت مدیرعامل مشکل‌ساز می‌گردد (جنسن، ۱۹۹۳). یرماک (۱۹۹۶) نشان داد شرکت‌هایی که رئیس هیئت‌مدیره مستقل و غیرموظف باشد عملکرد بهتری نسبت به شرکت‌های تحت نفوذ مدیرعامل دارند. گل و لیونج (۲۰۰۴) دریافتند که نفوذ مدیرعامل با افشای داوطلبانه کمتر ارتباط دارد. آن‌ها استدلال می‌کنند که نفوذ و قدرت مدیرعامل منجر به ترکیب مدیریت تصمیم و کنترل تصمیم می‌شود که این امر قابلیت و توانایی مدیر را برای اعمال کنترل مؤثر به‌تدریج تأثیر منفی می‌گذارد. شواهد تجربی مؤید این دیدگاه است که نفوذ و قدرت مدیرعامل به‌خاطر کاهش در نظارت مؤثر هیئت‌مدیره بر کارکنان اجرایی احتمالاً منجر به رفتارهای فرصت‌طلبانه بیشتری می‌شود (فرانکشتاین و داوونی، ۱۹۹۴). کوهن و همکاران (۲۰۱۰) نشان داده‌اند که این مدیران هستند که در نهایت تعیین‌کننده اثربخشی و کارایی کمیته حسابرسی می‌باشند. بروین سلیز و کاردینالز (۲۰۱۴) معتقدند شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی آن‌ها روابط دوستی با مدیرعامل دارند، تمایل به دریافت خدمات حسابرسی با هزینه کمتر و همچنین مدیریت سود بیشتر دارند. لیسپیچ و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند که انگیزه‌ها و منافع شخصی مدیران، عاملی جهت کتمان عملکرد نامطلوب یک سیستم کنترل داخلی محسوب می‌شود. زمانی که

کیفیت یک سیستم کنترل داخلی مطلوب باشد، فرصت سوءاستفاده از منابع و دارایی‌های شرکت محدود می‌شود. در مقابل، ضعف یک سیستم کنترل داخلی باعث می‌شود، تا مدیران از اختیار و آزادی عمل خود در به‌کارگیری از رویه‌ها و برآوردهای حسابداری استفاده نمایند که ممکن است با منافع سهامداران همسو و هماهنگ نباشد. به همین جهت ممکن است عدم تقارن اطلاعاتی افزایش یافته و مدیران از مزیت اطلاعاتی نسبت به سایر استفاده‌کنندگان برخوردار باشند.

۲-۲- کمیته حسابرسی

پیشینه ایجاد کمیته حسابرسی در آمریکا به سال ۱۹۳۹ بازمی‌گردد. در آن زمان، کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا به تمام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس نیویورک پیشنهاد داد تا حساب‌رسان مستقل را گروهی از مدیران غیرموظف هیئت‌مدیره شرکت‌ها معرفی و در مورد انعقاد قرارداد حسابرسی و تعیین حق‌الزحمه با آنان مذاکره کنند. سازمان از این گروه غیرموظف با عنوان (کمیته حسابرسی) یادکرد؛ اما این پیشنهاد بافاصله زمانی زیادی و در سال ۱۹۷۱ به تصویب بورس اوراق بهادار آمریکا رسید. درنهایت، تشکیل کمیته حسابرسی برای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار نیویورک از سال ۱۹۸۷ الزامی شد.

در ایران نیز سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۱ کلیه شرکت‌های بورسی را ملزم کرد که تا تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۹۱ کمیته حسابرسی خود را به سازمان و بورس و اوراق بهادار اعلام کنند. در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ نیز در اجرای ماده ۱۹ دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، منشور کمیته حسابرسی شرکت نمونه (سهامی عام) شامل ۱۲ ماده و ۹ تبصره به تصویب هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید و از تاریخ تصویب، لازم‌الاجرا شده است. مطابق این منشور، هدف از تشکیل کمیته حسابرسی کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیئت‌مدیره و بهبود آن جهت کسب اطمینان معقول از ۱. اثربخشی فرآیندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی؛ ۲. سلامت گزارشگری مالی؛ ۳. اثربخشی حسابرسی داخلی؛ ۴. استقلال و اثربخشی حسابرسی مستقل؛ ۵. رعایت قوانین، مقررات و الزام‌ها است (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱). این منشور همچنین پیرامون مسئولیت کمیته حسابرسی درباره کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک، گزارشگری مالی، حسابرسی داخلی، حسابرسی مستقل، رعایت قوانین، مقررات و الزام‌ها، گزارش دهی و سایر مسئولیت‌ها مطالبی را مطرح کرده است. اعضای کمیته حسابرسی باید ترکیبی از اعضای مستقل، غیرموظف و دارای تخصص مالی و حسابداری باشد.

۲-۳- حسابرسی داخلی

پیچیدگی سازمانی و گسترش معاملات تجاری در اغلب کشورها موجب شده است که مدیران سازمان‌ها با توجه به مسئولیت خود و در راستای دستیابی به اهداف سازمانی و به‌منظور کسب اطمینان از هدایت بهینه کلیه منابع، واحدی به نام حسابرسی داخلی تشکیل دهند. دامنه فعالیت‌های حسابرسی داخلی به مراتب بیش‌ازپیش گسترش یافته است. از مهم‌ترین سازوکارهای ایفای مسئولیت پاسخگویی، واپایش‌های داخلی و به‌تبع آن حسابرسی داخلی است.

حسابرسی داخلی ابزاری پویا برای ارزیابی مسئولیت‌های مدیران در خصوص فرآیندهای کنترلی مؤثر در ارتباط با فعالیت‌های مدیران است؛ اما به‌طور واقعی نمی‌توان حساب‌رس داخلی را تنها به ارزیابی سیستم‌های کنترلی سازمان محدود نمود. بلکه آن بخش جدایی‌ناپذیر از اهداف سازمان است برای رسیدن سازمان به اهداف متنوع خود، برنامه‌ها و عملیات حسابرسی را برنامه‌ریزی که اتفاقاً می‌نماید (میلر، ۲۰۱۴).

گزارش حساب‌رس داخلی در خصوص عملکرد و فعالیت‌های تجاری سازمان به سهامداران نیز در خصوص بازگشت سرمایه‌گذاری، رشد پایدار و رهبری قوی مدیریت اطمینان می‌دهد. حساب‌رس داخلی جهت کمک به بهبود فرآیندها و ارزیابی ریسک در سازمان دارای سه مؤلفه نقش، هدف و مسئولیت است که با توجه به رهنمودها و آیین رفتار حرفه‌ای برای حساب‌رس داخلی می‌تواند مالکی برای تعیین عوامل کیفی مؤثر بر حسابرسی داخلی در سازمان باشد. حساب‌رس داخلی مطابق با نظر (۲۰۱۱) ارائه‌دهنده خدمات اطمینان‌بخش به بخش‌های اداری، موسسه حسابداران خبره انگلیس مدیریت و کمیته حسابرسی و رهنمود ارزیابی اثربخش از حاکمیت شرکتی مطلوب و کنترل داخلی مؤثر در سازمان و خدمات مشاوره‌ای برای مدیریت به‌منظور مدیریت ریسک و کنترل است؛ بنابراین برای دستیابی به این اهداف حساب‌رس داخلی باید ساختار مستقل از مدیریت را در ارزیابی و مدیریت سطح ریسک سازمان داشته باشد. همچنین عملیات حسابرسی داخلی باید به ارزیابی رهنمودها پردازد و از آن در طراحی برنامه حسابرسی داخلی و همچنین روش‌های مناسب استفاده نماید. در این خصوص نیاز به توافق و حمایت مدیران اجرایی و کمیته حسابرسی وجود دارد. رهنمودها بر شفافیت و حدود گزارش‌ها حسابرسی داخلی در سازمان و گزارش دهی آن به کمیته حسابرسی سازمان تأکید دارند.

۳- پیشینه علمی و مطالعات انجام شده

بازنگری ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش‌های اندکی به‌طور هم‌زمان ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی، قدرت مدیرعامل و کیفیت کنترل داخلی را موردبررسی قرار داده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۱- پیشینه داخلی تحقیق

عزیزی (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بیان می‌دارد که کمیته حسابرسی به عنوان یکی از سازوکارهای اصلی حاکمیت شرکتی، وظیفه بررسی برنامه اولیه حسابرسی و تعامل با حسابسان مستقل در فرایند گزارشگری مالی را بر عهده دارد. از این رو، انتظار می‌رود بر دامنه حسابرسی و میزان تلاش حسابرس و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد. در کنار آن قدرت مدیرعامل نیز به عنوان یک عامل اثرگذار بر انتخاب اعضای کمیته حسابرسی در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. لذا این تحقیق به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ با استفاده از اطلاعات ۱۵۰ شرکت منتخب به روش حذف سیستماتیک پرداخته است. آزمون فرضیه‌ها از طریق رگرسیون چندگانه و به روش حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) با چیدمان داده‌های تلفیقی صورت پذیرفت؛ نتایج بیانگر رابطه مثبت بین وجود کارشناسان مالی و متخصص در کمیته حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی بود لذا می‌توان بیان کرد که با توجه به درک بهتر کارحسابرسی توسط کارشناسان مالی، احتمالاً مسئولیت بیشتری برای این افراد در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، آن‌ها انگیزه بیشتری برای تقاضای خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر دارند و این موضوع منجر به افزایش هزینه حسابرسی می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که قدرت مدیرعامل باعث کاهش رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی (به عنوان معیاری از کیفیت حسابرسی) می‌شود. به عبارتی مدیران اجرایی قدرتمند با دخالت در فرایند انتخاب کمیته حسابرسی، کاهش شدت نظارت کمیته حسابرسی و ارائه اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین، اثربخشی کمیته حسابرسی را تضعیف می‌کنند. به طور کلی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کمیته حسابرسی تحت تأثیر قدرت مدیرعامل شرکت قرار می‌گیرد و این بدان دلیل است که این کمیته هنوز مطابق انتظارات ایفای نقش نمی‌کند. همچنین چون این کمیته تحت نفوذ مدیرعامل است می‌تواند نقش موثری در تعیین حق الزحمه حسابرسی داشته باشد و مدیران عامل اثر معنی داری بر روی اداره فرآیند حسابرسی دارند.

توانگر حمزه کلایی و اسکافی اصل (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی بیان می‌دارند که کیفیت کنترل داخلی یکی از سازوکارهای نظارتی و کنترلی واحدهای تجاری تلقی می‌شود. از سوی دیگر، کمیته حسابرسی یکی از مکانیزم‌های راهبری شرکتی است که از سال ۱۳۹۱ شرکت‌های بورس اوراق بهادار ملزم به تشکیل این کمیته شده‌اند. علاوه بر این تفکیک مالکیت از مدیریت نیز سبب شده تا به قدرت مدیرعامل جهت افزایش منافع شخصی افزوده شود. در نتیجه این پژوهش درصدد است تا ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی را مورد بررسی قرار داده و همچنین تأثیر تعدیل‌کنندگی قدرت مدیرعامل بر ارتباط آن‌ها را مورد مطالعه قرار دهد. در نتیجه اطلاعات ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت تحلیل لاجیت مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که از بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی؛ تخصص مالی اعضا و اندازه کمیته حسابرسی با کیفیت کنترل داخلی رابطه معنادار دارد و ویژگی استقلال با متغیر وابسته رابطه معنادار نداشته است. همچنین نتایج نشان داد که قدرت مدیرعامل تنها تأثیر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی دارد.

۳-۲- پیشینه خارجی تحقیق

کیم و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی در بورس چین طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ پرداختند. نتایج نشان داد که به‌طور متوسط‌های شرکت دارای کارشناسان مالی در کمیته‌های حسابرسی احتمال بیشتری دارد که هزینه‌های حسابرسی بالاتری را پرداخت کنند و تأثیر آن کمتر از زمانی است که یک مدیرعامل قدرتمند یک شرکت را مدیریت می‌کند.

چیکور و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر ساختار سرمایه شرکت پرداخت. در این پژوهش از اطلاعات ۲۱۳ شرکت چینی طی دوره زمانی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد که قدرت مدیریتی تأثیر معناداری بر روی اهرم مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار چین ندارد.

لیسیچ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی، قدرت مدیرعامل و کیفیت کنترل داخلی را موردبررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود زمانی که میزان قدرت مدیر پایین است، ویژگی‌های اعضای کمیته

حسابرسی شامل استقلال و تخصص مالی رابطه معکوسی با ضعف‌های سیستم کنترل داخلی دارد. در مقابل زمانی که قدرت مدیرعامل افزایش می‌یابد، رابطه منفی بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و ضعف در سیستم کنترل داخلی طولانی‌تر می‌شود. (ابوت، دافرتی، پارکر و پیتز، ۲۰۱۶). به بررسی تأثیر اهمیت مشترک استقلال و صلاحیت حسابرس در کیفیت حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج بررسی‌های آن‌ها نشان داد که تأثیر صلاحیت (استقلال) حسابرس داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی بستگی به استقلال (صلاحیت) حسابرس داخلی دارد. این تحقیق موجب بسط و گسترش فهم نسبت به شاخصه‌های کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی در حوزه گزارش دهی مالی گردیده است.

۴- روش پژوهش

تحقیقات علمی را بر اساس هدف آن می‌توان به سه دسته تحقیقات بنیادین، تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای تقسیم نمود. تحقیقات بنیادین: این تحقیقات موجب افزایش دانش در زمینه مورد مطالعه خود می‌شوند. هدف اصلی از این تحقیقات تولید دانش بیشتر و درک پدیده‌هایی است که روی می‌دهد و سرانجام ارائه نظریه‌ها بر پایه نتایج تحقیق. تحقیقات کاربردی: این تحقیقات با هدف برخورداری از نتایج یافته‌ها برای حل مسائل موجود در سازمان‌ها یا جامعه آماری انجام می‌شوند.

تحقیقات توسعه‌ای: این تحقیقات به منظور تدوین و تشخیص مناسب بودن یک مدل، طرح یا برنامه به کار می‌رود. هدف این تحقیقات تدوین یا ارائه مدل و برنامه است.

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی است، هدف از تحقیق کاربردی به دست آوردن درک یا دانش لازم برای تعیین ابزاری است که به وسیله آن نیازی مشخص و شناخته شده برطرف گردد؛ لذا تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی است. از لحاظ طرح پژوهشی آن از نوع نیمه تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی است. از روش پس رویدادی زمانی استفاده می‌شود که پژوهشگر پس از وقوع رویدادها به بررسی موضوع می‌پردازد یا از واقعه‌ای که بدون دخالت مستقیم پژوهشگر رخ داده، فراهم شود؛ افزون بر این امکان دست‌کاری متغیرهای مستقل وجود ندارد. از لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی است، پژوهش توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف وضعیت یا پدیده‌های موردبررسی است. این پژوهش از لحاظ استدلال از نوع پژوهش‌های استقرایی است که با مشاهده اجزایی از جامعه (نمونه) نسبت به ارائه الگویی برای کل جامعه اقدام نماید و همچنین این پژوهش در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری و بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌ها مبتنی است.

۴-۱- جامعه آماری

کلیه افراد و اشیایی که دارای حداقل یک صفت مشترک باشند، تشکیل جامعه آماری را می‌دهند. اگر تعداد افراد جامعه آماری محدود باشد، به آن جامعه آماری محدود می‌گویند (صدقیانی صالحی، ۱۳۸۰). با توجه به هدف پژوهش که پرداختن به ارتباط بین قدرت مدیر عامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی داخلی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران است.

۴-۲- روش نمونه گیری و حجم نمونه

در این پژوهش برای انتخاب نمونه از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است، بدین ترتیب که نخست تمام شرکت‌ها در دوره زمانی ۱۳۹۶ انتخاب شدند، سپس از بین شرکت‌های موجود، شرکت‌های فاقد هر یک از شرایط زیر از نمونه خارج شدند:

۱. قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس پذیرفته شده باشند.
۲. اطلاعات آن‌ها به‌ویژه اطلاعات مربوط به اعضای کمیته حسابرسی و همچنین اعضای هیئت مدیره در دسترس باشد.
۳. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد. به دلیل آنکه ممکن است اطلاعات این‌گونه شرکت‌ها شامل اطلاعات سایر شرکت‌های نمونه باشد.
۴. سهام شرکت‌ها در طول سال ۱۳۹۶ حداقل ۱۹۹ روز در هر سال معامله شده باشند.
۵. شرکت‌ها نباید سال مالی خود را تغییر داده باشند

با استفاده از روش حذف سیستماتیک و اعمال محدودیت‌های فوق از کل شرکت‌های فعال در بورس به تعداد ۷۰۹ حجم نمونه شرکت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. سپس کلیه اطلاعات موردنیاز جهت انجام این پژوهش از بانک‌های اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار ره‌آورد نوین و نشریه‌های بورس جمع‌آوری گردید.

۴-۳- روش آزمون فرضیه‌ها و متغیرهای تحقیق

برای آزمون فرضیات نیز از مدل‌های رگرسیونی زیر استفاده خواهد شد:

فرضیه اول: بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی باکیفیت حسابرسی داخلی رابطه معنادار وجود دارد.

برای اندازه‌گیری این فرضیه از مدل زیر استفاده می‌شود:

$$IAQ = \alpha + \beta_0 ACFIN_{i,t} + \beta_1 ACIND + \beta_2 ACSZE_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 AGE_{i,t} + \beta_5 LOSS_{i,t} + \beta_6 GROWTH_{i,t} + \beta_7 AQ_{i,t} + \beta_8 LNAF_{i,t} + \epsilon$$

فرضیه دوم: قدرت مدیرعامل اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی باکیفیت حسابرسی داخلی دارد.

$$IAQ = \alpha + \beta_0 ACFIN_{i,t} + \beta_1 ACIND + \beta_2 ACSZE_{i,t} + \beta_3 CEOPOWER + \beta_4 ACFIN_{i,t} * CEOPOWER_{i,t} + \beta_5 ACIND_{i,t} * CEOPOWER_{i,t} + \beta_6 ACSZE_{i,t} * CEOPOWER_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 AGE_{i,t} + \beta_9 LOSS_{i,t} + \beta_{10} GROWTH_{i,t} + \beta_{11} AQ_{i,t} + \epsilon$$

متغیر یک مفهوم است که بیش از دو یا چند ارزش یا عدد به آن اختصاص داده می‌شود. به عبارت دیگر، متغیر به ویژگی‌هایی گفته می‌شود که می‌توان آن‌ها را مشاهده یا اندازه‌گیری کرد و دو یا چند ارزش یا عدد را جایگزین آن‌ها نمود. عدد یا ارزش نسبت داده شده به متغیر، نشان‌دهنده تغییر از یک فرد به فرد دیگر یا از یک حالت به حالت دیگر است (دلاور، ۱۳۷۱، ۵۸). متغیرهای این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ها، به سه گروه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی تقسیم می‌شوند.

۴-۴- متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته:

کیفیت حسابرسی داخلی (IAQ): در این پژوهش، کیفیت حسابرسی داخلی با استفاده از پرسشنامه ارزیابی کیفیت حسابرسی داخلی اندازه‌گیری شده است. این پرسشنامه برای مدیران واحدهای حسابرسی داخلی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران ارسال شده است.

متغیر مستقل:

ویژگی‌های کمیته حسابرس: متغیر مستقل در این مطالعه ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل تخصص مالی حسابداری، استقلال و اندازه کمیته حسابرسی می‌باشد.

تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACFIN): در این پژوهش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بدین صورت تعریف می‌شود: اعضای که دارای مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معتبر بین‌المللی در مسائل مالی حسابداری همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل داخلی حاکم بر گزارشگری مالی باشند. بر این اساس، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی برابر است با نسبت اعضای کمیته حسابرسی دارای مدرک مالی و حسابداری به تعداد اعضای کمیته حسابرسی (لیسیچ و همکاران، ۲۰۱۶).

استقلال کمیته حسابرسی (ACIND): عضو یا اعضای که فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم که بر تصمیم‌گیری مستقل وی اثرگذار باشد، موجب جانب‌داری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذینفعان شود یا سبب نبود رعایت منافع یکسان سهامداران شود. استقلال در این پژوهش عبارت‌اند از نسبت اعضای غیرموظف کمیته حسابرسی به تعداد اعضای کمیته حسابرسی (همان).

اندازه کمیته حسابرسی (ACSZE): در این پژوهش اندازه کمیته حسابرسی برابر است با تعداد اعضای کمیته حسابرسی (همان).

متغیر تعدیل گر:

قدرت مدیرعامل (POWER CEO): در این پژوهش جهت اندازه‌گیری قدرت مدیرعامل از عضو هیئت مدیره بودن مدیرعامل در شرکت استفاده شده است. بر این اساس می‌توان گفت اگر مدیرعامل عضو هیئت مدیره در شرکت باشد بیانگر قدرت بیشتر وی در شرکت می‌باشد. بنابراین تأثیرگذاری او بر عملیات شرکت بیشتر بوده و با توجه به موقعیت راهبری خود بر تصمیم‌گیری‌های حاکمیتی کنترل بیشتری دارند بنابراین یک متغیر دو مقداری که اگر مدیر عامل عضو هیئت مدیره باشد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود (همان).

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت LNSIZE: در این پژوهش از لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام به عنوان معیار اندازه شرکت استفاده شده است (لیسیچ و همکاران، ۲۰۱۶).

کیفیت حسابرسی مستقل AQ: در این پژوهش کیفیت حسابرسی با توجه به نوع حسابرسان شرکت‌های نمونه اندازه‌گیری می‌شود. بدین صورت که اگر حسابرسان در رتبه الف رده‌بندی موسسه‌های حسابرسانی معتمد بورس اوراق بهادار تهران قرار گیرد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود (همان).

زبان شرکت LOSS: یک متغیر دو مقداری که اگر شرکت زبان داشته باشد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود (همان).

عمر شرکت LNAGE: عمر شرکت که برابر است با تعداد سال‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جهت کاهش ناهمسانی واریانس، از لگاریتم طبیعی این متغیر استفاده شده است (همان).

نرخ رشد فروش GROWTH: نرخ رشد فروش شرکت که برابر است با تغییرات فروش طی دو سال متوالی تقسیم بر فروش سال قبل (همان).

هزینه حسابرسی LNAF: در این پژوهش، هزینه حسابرسی بر اساس یادداشتهای توضیحی صورت سود و زیان محاسبه شده است. همچنین به دلیل کاهش ناهمسانی واریانس از لگاریتم طبیعی این متغیر برای تجزیه و تحلیل استفاده می‌شود (همان).

۵- نتایج پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرها در جدول ۱ ارائه شده است. همان گونه که نتایج نشان می‌دهد میانگین کیفیت حسابرسی داخلی ۰٫۵۷ بوده که بیانگر این است که در بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان، کیفیت حسابرسی داخلی را مطلوب ارزیابی کرده‌اند. میانگین اندازه کمیته حسابرسی ۴٫۹۵ بوده که نشان می‌دهد در ایران به طور میانگین تعداد اعضای کمیته ۵ عضو می‌باشد. میانگین متغیر استقلال و تخصص اعضای کمیته به ترتیب ۰٫۵۹ و ۰٫۰۶ می‌باشد که بیانگر این است که به طور متوسط حدود ۵۹ درصد از اعضای کمیته حسابرسی مستقل می‌باشند که از هر ۵ عضو کمیته ۲ نفر دارای تخصص مالی و حسابداری می‌باشند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که میانگین قدرت مدیرعامل که به واسطه عضو هیئت مدیره بودن مدیرعامل در شرکت استفاده شده است سنجیده می‌شود ۰٫۶۲ می‌باشد. به طور کلی از نزدیکی میانگین و میانه متغیرها و همچنین انحراف معیار کم متغیرها می‌توان نتیجه گرفت که متغیرها دارای توزیع تقریباً نرمال می‌باشند.

جدول ۱- توصیف داده‌های پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
IAQ	0.571836	0.599041	0.230335	-0.75777	4.109401
ACFIN1	2.067504	0.655407	4.124274	2.466234	7.130311
ACIND1	0.596923	0.561974	0.285743	1.365844	5.945297
ACSIZE1	4.925199	3.265608	4.788708	1.687423	5.188585
POWER_C1	0.62507	0.641818	0.214593	-0.31396	2.83279
LNAGE1	1.299164	1.312247	0.178987	-0.0517	3.86469
LNSIZE1	10.31809	11.02897	3.739634	-0.81348	4.252346
LOSS1	0.78882	1	0.409419	-1.41528	3.003011
LNAF	1.787713	1.784997	1.71621	0.182705	1.457484
GROWTH1	0.497057	0.508561	0.182374	-0.22798	2.157611
AQ1	0.575237	0.591446	0.189474	-0.03156	2.584214

۵-۲- آزمون فرضیه اول پژوهش

یافته‌های حاصل از آزمون مدل اول پژوهش به شرح زیر است:

سطح معنی‌داری برای تک تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل پردازش شده می‌توان ادعا کرد که ۶۴٫۱۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته فرضیه پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین-واتسون می‌توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین - واتسون محاسبه

شده (۱/۹۹۵) که بین ۱/۵-۲/۵ می باشد بیان گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده های اجزای خطا را نشان می دهد. همچنین معناداری آزمون F بیانگر تأیید معناداری کل رگرسیون است.

جدول ۲- یافته های حاصل از آزمون فرضیات پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره آزمون (t)	سطح معنی داری
ACFIN1	-0.048108	0.004891	-9.836736	0.0000
ACIND1	0.549029	0.041910	13.10007	0.0000
ACSIZE1	0.012823	0.002791	4.594241	0.0000
LNAGE1	-0.043927	0.097135	-0.452226	0.6518
LNSIZE1	0.004615	0.002752	1.676780	0.0957
LOSS1	0.035946	0.037842	0.949890	0.3437
LNAF	-0.000967	0.006303	-0.153445	0.8783
GROWTH1	0.364282	0.092895	3.921459	0.0001
AQ1	0.134040	0.077639	1.726448	0.0863
C	0.004527	0.163475	0.027691	0.9779
AR(1)	-0.399882	0.047578	-8.404774	0.0000
SIGMASQ	0.017608	0.001462	12.04228	0.0000
ضریب تعیین:	۰.۶۶۶	آماره آزمون F:	۲۷,۰۱۳۸	سطح معنی داری:
			۰,۰۰۰	آماره دوربین واتسون:
				۱/۹۹۵

۳-۵- آزمون فرضیه دوم پژوهش

یافته های حاصل از آزمون مدل دوم پژوهش به شرح زیر است: سطح معنی داری برای تک تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل پردازش شده می توان ادعا کرد که ۶۴,۱۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته فرضیه پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می شود.

جدول ۳- آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره آزمون (t)	سطح معنی داری
ACFIN1	-0.029442	0.011232	-2.621375	0.0097
ACIND1	0.626304	0.122693	5.104631	0.0000
ACSIZE1	-0.004952	0.008167	-0.606262	0.5453
POWER_C1	0.345978	0.155761	2.221211	0.0279
ACFIN1*POWER_C1	-0.029593	0.013394	-2.209375	0.0287
ACIND1*POWER_C1	-0.147322	0.169073	-0.871351	0.0850
ACSIZE1*POWER_C1	0.017505	0.011241	1.557274	0.0216
LNAGE1	-0.075254	0.095671	-0.786589	0.4328
LNSIZE1	0.003905	0.002779	1.404965	0.1622
LOSS1	0.021527	0.039651	0.542914	0.5880
LNAF	0.003918	0.008969	0.436846	0.6629
GROWTH1	0.145473	0.088002	1.653070	0.1005
AQ1	0.097071	0.082680	1.174058	0.2423
C	0.008128	0.158310	0.051342	0.9591
AR(1)	-0.414050	0.061591	-6.722526	0.0000
SIGMASQ	0.013718	0.001489	9.211716	0.0000
ضریب تعیین:	۰,۷۳۹۸۲۰	آماره آزمون F:	۲۷,۴۸۷	سطح معنی داری:
			۰/۰۰۰	آماره دوربین واتسون:
				۲,۰۰۸

خودهمبستگی نقض یکی از فرض های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین - واتسون می توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین - واتسون محاسبه شده (۲/۰۰۸) که بین ۱/۵-۲/۵ می باشد بیان گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده های اجزای خطا را نشان می دهد. همچنین معناداری آزمون F بیانگر تأیید معناداری کل رگرسیون است.

جدول ۴- نتایج آزمون فرضیات تحقیق

فرضیه	سطح معنی داری	نتیجه فرضیه
بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACFIN) باکیفیت حسابرسی داخلی رابطه معنادار وجود دارد.	0.0000	تایید
بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) باکیفیت حسابرسی داخلی رابطه معنادار وجود دارد.	0.0000	تایید
بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد اندازه کمیته حسابرسی (ACSZE) باکیفیت حسابرسی داخلی رابطه معنادار وجود دارد.	0.0000	تایید
قدرت مدیرعامل اثر تعدیل کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACFIN) باکیفیت حسابرسی داخلی دارد.	0.0287	تایید
قدرت مدیرعامل اثر تعدیل کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) باکیفیت حسابرسی داخلی دارد.	0.0850	تایید با اطمینان ۹۰ درصد
قدرت مدیرعامل اثر تعدیل کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد اندازه کمیته حسابرسی (ACSZE) باکیفیت حسابرسی داخلی دارد.	0.0216	تایید

آزمون فرضیه اول: بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACFIN) باکیفیت حسابرسی داخلی رابطه معنادار وجود دارد.

H_0 : بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACFIN) باکیفیت حسابرسی داخلی رابطه معنادار وجود ندارد.

H_1 : بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACFIN) باکیفیت حسابرسی داخلی رابطه معنادار وجود دارد.

همانطور که در آزمون فرضیه اول دیده می‌شود بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACFIN) باکیفیت حسابرسی داخلی ضریب استاندارد برابر با 0.0481 بوده و سطح معنی داری برابر با ۰,۰۰۰ است. از آنجا که مقدار P-value از ۰,۰۱ کمتر است می‌توان گفت رابطه معنی دار است لذا می‌توان گفت فرض صفر را با اطمینان ۹۹ درصد رد کرد و به عبارتی فرضیه یک تایید می‌شود.

آزمون فرضیه دوم: بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) باکیفیت حسابرسی داخلی رابطه معنادار وجود دارد.

H_0 : بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) باکیفیت حسابرسی داخلی رابطه معنادار وجود ندارد.

H_1 : بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) باکیفیت حسابرسی داخلی رابطه معنادار وجود دارد.

همانطور که در آزمون فرضیه دوم دیده می‌شود بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) باکیفیت حسابرسی داخلی ضریب استاندارد برابر با 0.549029 بوده و سطح معنی داری برابر با ۰,۰۰۰ است. از آنجا که مقدار P-value از ۰,۰۱ کمتر است می‌توان گفت رابطه معنی دار است لذا می‌توان گفت فرض صفر را با اطمینان ۹۹ درصد رد کرد و به عبارتی فرضیه یک تایید می‌شود.

آزمون فرضیه سوم: بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد اندازه کمیته حسابرسی (ACSZE) باکیفیت حسابرسی داخلی رابطه معنادار وجود دارد.

H_0 : بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد اندازه کمیته حسابرسی (ACSZE) باکیفیت حسابرسی داخلی رابطه معنادار وجود ندارد.

H_1 : بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد اندازه کمیته حسابرسی (ACSZE) باکیفیت حسابرسی داخلی رابطه معنادار وجود دارد.

همانطور که در آزمون فرضیه سوم دیده می‌شود بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد اندازه کمیته حسابرسی (ACSZE) با کیفیت حسابرسی داخلی ضریب استاندارد برابر با ۰,۱۲۸ بوده و سطح معنی داری برابر با ۰,۰۰۰ است. از آنجا که مقدار P -value از ۰,۰۱ کمتر است می‌توان گفت رابطه معنی‌دار است لذا می‌توان گفت فرض صفر را با اطمینان ۹۹ درصد رد کرد و به عبارتی فرضیه یک تایید می‌شود.

آزمون فرضیه چهارم: قدرت مدیرعامل اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACFIN) با کیفیت حسابرسی داخلی دارد.
 H_0 : قدرت مدیرعامل اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACFIN) با کیفیت حسابرسی داخلی ندارد.
 H_1 : قدرت مدیرعامل اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACFIN) با کیفیت حسابرسی داخلی دارد.

همانطور که در آزمون فرضیه چهارم دیده می‌شود بین اثر تعدیل‌کننده قدرت مدیرعامل بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACFIN) با کیفیت حسابرسی داخلی ضریب استاندارد برابر با ۰,۲۹۵ بوده و سطح معنی داری برابر با ۰,۰۲۸۷ است. از آنجا که مقدار P -value از ۰,۰۵ کمتر است می‌توان گفت رابطه معنی‌دار است لذا می‌توان گفت فرض صفر را با اطمینان ۹۵ درصد رد کرد و به عبارتی فرضیه یک تایید می‌شود.

آزمون فرضیه پنجم: قدرت مدیرعامل اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) با کیفیت حسابرسی داخلی دارد.
 H_0 : قدرت مدیرعامل اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) با کیفیت حسابرسی داخلی ندارد.
 H_1 : قدرت مدیرعامل اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) با کیفیت حسابرسی داخلی دارد.

همانطور که در آزمون فرضیه اول دیده می‌شود بین اثر تعدیل‌کنندگی قدرت مدیرعامل بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) با کیفیت حسابرسی داخلی ضریب استاندارد برابر با ۰,۱۴۷ بوده و سطح معنی داری برابر با ۰,۰۸۵ است. از آنجا که مقدار P -value از ۰,۱ کمتر است می‌توان گفت رابطه معنی‌دار است لذا می‌توان گفت فرض صفر را با اطمینان ۹۰ درصد رد کرد و به عبارتی فرضیه یک تایید می‌شود.

آزمون فرضیه ششم: قدرت مدیرعامل اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد اندازه کمیته حسابرسی (ACSIZE) با کیفیت حسابرسی داخلی دارد.
 H_0 : قدرت مدیرعامل اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد اندازه کمیته حسابرسی (ACSIZE) با کیفیت حسابرسی داخلی ندارد.
 H_1 : قدرت مدیرعامل اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد اندازه کمیته حسابرسی (ACSIZE) با کیفیت حسابرسی داخلی دارد.

همانطور که در آزمون فرضیه اول دیده می‌شود بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی بعد اندازه مالی کمیته حسابرسی (ACSIZE) با کیفیت حسابرسی داخلی ضریب استاندارد برابر با ۰,۱۷۵ بوده و سطح معنی داری برابر با ۰,۰۲۱۶ است. از آنجا که مقدار P -value از ۰,۰۵ کمتر است می‌توان گفت رابطه معنی‌دار است لذا می‌توان گفت فرض صفر را با اطمینان ۹۵ درصد رد کرد و به عبارتی فرضیه یک تایید می‌شود.

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی داخلی می‌باشد و اینگونه استنباط شده است که کمیته حسابرسی داخلی از طریق نظارت بر حسابرسی داخلی، بر کیفیت حسابرسی داخلی تاثیرگذار است. براین اساس اطلاعات ۱۶۲ شرکت پذیرفته‌شده بورس و اوراق بهادار ایران طی سال ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفت. این موضوع در زمان ورود متغیر تعدیل‌گری با عنوان «قدرت مدیر عامل»، متفاوت می‌شود. زمانی که مدیرعامل قدرت بالاتری داشته باشد، موجب تعدیل نقش نظارتی کمیته حسابرسی می‌شود، زیرا مدیرعامل مقتدر، نظارت را در حیطه وظایف خود می‌شناسد و در

نتیجه نقش نظارتی کمیته حسابرسی بر حسابرسی داخلی کمتر شده که این امر ممکن است منجر به افت کیفیت حسابرسی داخلی شود.

در این پژوهش نتایج آزمون فرضیه اول نشان می دهد که سطح معنی داری برای تک تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل پردازش شده می توان ادعا کرد که ۶۴,۱۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته فرضیه پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین- واتسون می توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین- واتسون محاسبه شده (۱/۹۹۵) که بین ۱/۵-۲/۵ می باشد بیانگر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده های اجزای خطا را نشان می دهد. همچنین معناداری آزمون F بیانگر تأیید معناداری کل رگرسیون است.

همچنین نتایج فرضیه دوم نشان می دهد که، سطح معنی داری برای تک تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل پردازش شده می توان ادعا کرد که ۶۴,۱۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته فرضیه پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می شود. هر پژوهش با هر روش جمع آوری اطلاعات دارای نقاط قوت و ضعف است. پژوهش حاضر نیز همانند سایر پژوهش ها با محدودیت هایی مواجه بوده است که در زیر، به طور خلاصه، به برخی از آنها اشاره می شود.

۱. جوان بودن و توسعه نیافتگی حرفه حسابرسی داخلی در ایران و کمیاب بودن تجارب در این حوزه از محدودیت های اصلی این پژوهش به شمار می آید.

۲. یکی از محدودیت های پژوهش افشا نشدن اطلاعات کامل در مورد سایر ویژگی های کمیته حسابرسی، از جمله تعداد جلسات آن است که میتواند بر کیفیت حسابرسی داخلی شرکت ها اثرگذار باشد.

۳. در فرایند پژوهش علمی به ویژه در علوم انسانی مانند حسابداری مواردی وجود دارد که خارج از کنترل پژوهشگر است و به طور بالقوه می تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. هدف این پژوهش، بررسی ارتباط بین قدرت مدیر عامل، ویژگی های کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی داخلی است. بدین منظور اثر برخی از متغیرها توسط پژوهشگر کنترل شده. لذا در صورت اعمال سایر متغیرهای احتمالی تأثیرگذار بر روی متغیر وابسته، احتمالاً نتایج پژوهش تغییر می کرد.

پژوهش حاضر از جمله پژوهش هایی است که در فضای اقتصادی ایران در خصوص ارتباط بین قدرت مدیر عامل، ویژگی های کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی داخلی انجام شده است، این پژوهش می تواند الگوی مناسبی برای پژوهش های آتی در نظر گرفته شود از جمله:

۱. بررسی تأثیر میزان قدرت مدیر عامل بر کیفیت حسابرسی داخلی
۲. بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی داخلی بر ارتباط بین قدرت مدیر عامل و ویژگی های کمیته حسابرسی
۳. بررسی تأثیر ارزیابی حسابرسان خارجی بر عملکرد حسابرسان داخلی و مقایسه آن با تعدیل قدرت مدیر عامل بر رابطه بین ارزیابی حسابرسان خارجی و عملکرد حسابرسان داخلی

منابع

۱. توانگر حمزه کلایی، افسانه؛ اسکافی اصل، مهدی؛ (۱۳۹۷)، ارتباط بین قدرت مدیر عامل، ویژگی های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی، نشریه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی « شماره ۳۸.
۲. حافظ نیا؛ محمدرضا؛ (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، انتشارات سمت.
۳. حساس یگانه، یحیی؛ شعری، صابر؛ خسرو نژاد، سیدحسین؛ (۱۳۸۷)، رابطه سازوکارهای حاکمیت شرکتی، نسبت بدهی ها و اندازه شرکت با مدیریت سود، مطالعات حسابداری، شماره بیست و چهار، صص ۷۹-۱۱۵.
۴. دلاور، علی؛ (۱۳۸۰)، روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، ناشر: ویرایش.
۵. رحیمیان، نظام الدین؛ توکل نیا، اسماعیل؛ (۱۳۹۰)، تأثیر کمیته حسابرسی بر فعالیت های حسابرسی داخلی، حسابداری رسمی، (۲۸)، صص ۶۸-۷۵.
۶. عزیزی، فرید، (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر قدرت مدیر عامل بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت، مهندسی صنایع، اقتصاد و حسابداری، تفلیس- گرجستان، دبیرخانه دائمی با همکاری دانشگاه امام صادق (ع).

۷. عسگری، محمدهادی؛ پورغلامی، سمیه؛ مغربی، رمضانعلی؛ (۱۳۹۶)، رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی با رعایت ضوابط حسابرسی داخلی در شرکت‌های غیر مالی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، همایش ملی پژوهش‌های حسابداری و مدیریت با رویکرد کسب و کارهای نوین، تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن.
۸. کاکویی، مجتبی؛ کاکویی، مصطفی؛ (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر تعداد اعضای هیئت مدیره، دوگانگی مدیرعامل و وجود کمیته حسابرسی بر تأخیر گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، سومین کنفرانس بین المللی تکنیک‌های مدیریت و حسابداری.
۹. نجفی سیاهرودی، مهدی؛ علوی، سید مسلم؛ (۱۳۸۹)، کالبدشکافی ترکیب هیئت مدیره با تحلیلی بر جایگاه ترکیب هیئت مدیره در عملکرد بهینه شرکت، کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۰. نصرالهی، زهرا؛ عارف منش، زهره؛ رئیس، مهین؛ (۱۳۹۰)، بررسی ارتباط بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عدم تقارن اطلاعات در بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز مدیریت مالی و حسابداری، شماره ۲، صص ۲۹-۹.
۱۱. نوروش، ایرج؛ کرمی، غلامرضا؛ وافی نژاد، جلال؛ (۱۳۸۸)، بررسی رابطه سازوکارهای نظام راهبردی شرکت و هزینه‌های نمایندگی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، شماره ۱، صص ۲۷-۴.
۱۲. نیک بخت، محمدرضا؛ سیدی، سید عزیز؛ هاشم الحسینی، روزبه؛ (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت مدیره بر عملکرد شرکت، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره ۲، شماره ۱، صص ۲۷۰-۲۵۱.
13. Abbott, L. J., and Parker. (2001). Audit committee characteristics and auditor selection: Evidence from auditor switches. (15), pp. 151-167.
14. Agrawal, A., and Knoeber, C.R. (2013). Corporate Governance and Firm Performance, in Managerial Economics. The Oxford Handbook Eds. (Edited by Christopher R. Thomas and William F. Shughart II), pp. 491-509.
15. Al-Matari, E. M. Alswidi, A. K. Fadzil, F. Z. Al-Matary, Y. A. (2012). «The Impact of Board Characteristics on firm performance: Evidence from Nonfinancial Listed Companies in Kuwaiti Stock Exchange». International Journal of contanting and financial reporting. Vol. 2, No, 2.
16. Bruynseels, L., and E. Cardinaels, (2014), “The Audit Committee: Management Watchdog or Personal Friend of the CEO?”, The Accounting Review 89 (1), PP .113–45.
17. Carcello, J., And T. Neal. (2000). Audit committee composition and auditor reporting. (October): pp. 453-467.
18. Chan, Y.M., Liu, G., Sun, J.. (2013), Independent audit committee members board tenure and audit fees. 53, pp. 1129-1147.
19. Cohen, J., G. Krishnamoorthy, and A. Wright, (2010), “Corporate Governance in the Post-Sarbanes Oxley Era: Auditors’ Experiences”, Contemporary Accounting Research 27 (3), PP. 751–86.
20. Dezoort, F.T. (1997), An investigation of audit committees.
21. Donnelly, R. and Mulcuhy, M. (2008). «Board Structure, Ownership, and Voluntary Disclosure in Ireland». Corporate Governance: An International Review. Vol. 16, No. 5, pp. 416-429.
22. Finkestein, s., Daveni, R, (1994), “CEO Duality as a Double-Edged Sword: How Boards of Directors Balance Entrenchment Avoidance and unity of Command ,” Academy of Management journal, 37(5), PP. 1079-1108.
23. Chi Chur ,Chaoa,May,Hua,Qaiser,Munirb,Tongxia,Li,(2017),The impact of CEO power on corporate capital structure: New evidence from dynamic panel threshold analysis International Review of Economics & Finance Volume 51, September, Pages 107-120
24. Gul, F., Leung, S, (2004), “Board Leadership, Outside Directors Expertise and Voluntary Corporate Disclosure”, Journal of accounting and public policy. 23, PP . ۳۷۹-۳۵۱.
25. Hermalin, B. E. and Weisback, M. S. (2003). «Board of Directors as an Endogenously Determined Institution: A Survey of the Economic Literture, Center for Responsible Business». Working Paper Series. Paper 3.
26. Hogan, C. E., and M. S. Wilkins, (2008), “Evidence on the Audit Rsk Model: Do Auditors Increase

27. Jensen, M.C, (1993), "The Modern Industrial Revolution Exit and the Failure of the Internal Control Systems", Journal of Finance, Vol. 48. PP. 831-880.
28. Johnson, J. L. Daily, C. M., anagad Ellstrend, A. E. (1996). «Boards of Directors: A Review and Research of Agenda». Journal of Management, 22(3). 409-438.
29. Kim, Hyungtae, Byungjin Kwak, Youngdeok Lim & Jaeyoon Yu.(2018).Audit committee accounting expertise, CEO power, and audit pricing,Accepted by Suresh Radhakrishnan upon recommendation of Inder Khurana.Pages 421-439 | Received 10 Dec 2014, Accepted 25 Sep 2015, Published online: 03 Nov 2015
30. Klein, A. (2002), Audit committee, board of director characteristics, and earnings management, 33, 375-400.
31. Krishnan, G. and G. Visvanathan, (2009), Do auditors price audit committee expertise? The case of accounting versus non-accounting financial experts, 115-144.
32. Krishnan, J, (2005), "Audit Committee Quality and Internal Control: An Empirical Analysis", The
33. Lipton, M., and Lorsch, J.W. (1992). A modest proposal for improved corporate governance. Business Lawyer, 48, pp. 59-77.
34. LISIC, L. L., NEAL, T. L., ZHANG, I. X, (2016), "CEO Power, Internal Control Quality, and Audit Committee Effectiveness in Substance Versus in Form ," Contemporary Accounting Research. PP. 1-39.
35. Muth, M. M., and Donaldson, L. (1998). «Steward Theory and board structure: A contingency approach. Corporate Governance», 6: 5-28.
36. Perry, T., and Peyer, U. (2005). Board Seat Accumulation by Executives: A Shareholder's Perspective. The Journal of Finance, 60 (4), pp. 2083-2123.
37. Skaife, H. A., D. Veenman, and D. Wangerin, (2013), "Internal Control over Financial Reporting and Managerial Rent Extraction: Evidence from the Profitability of Insider Trading", Journal of Accounting and Economics 55 (1), PP. 91-110.
38. Vershoor, C, (2008), Audit Committee Essentials, Pulished by John Wiley & Sons.
39. Yermack, D., (1996), "Higher Market Valuation of Companies With a small Board of directors", Journal of financial Economics. 40(2), PP. 185-211.

بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین دارایی‌های نامشهود و حق‌الزحمه حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۷

کد مقاله: ۷۹۲۸۴

قدرت‌اله برزگر^۱، بهداد غلامحسین‌زاده^{۲*}،
سکینه یعقوبی چناری^۳

چکیده

امروزه ساختار مالکیت، یکی از عناصر اثرگذار در انتخاب روش‌های خلق ارزش برای شرکت‌ها محسوب می‌شود و از مهم‌ترین محرک‌های افزایش ارزش در شرکت‌ها می‌توان به دارایی‌های نامشهود اشاره کرد. از آنجا که حسابرسان دارایی‌های نامشهود در مقایسه با دارایی‌های مشهود با پیچیدگی‌هایی همراه است، در این تحقیق به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین دارایی‌های نامشهود و حق‌الزحمه حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازیم. در این راستا با روش حذف سیستماتیک، تعداد ۱۲۱ شرکت را برای دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ انتخاب گردید و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، از روش رگرسیون داده‌های ترکیبی استفاده شد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد حسابرسان به دلیل وجود خطرات بالقوه در بررسی دارایی‌های نامشهود، حق‌الزحمه بالاتری را به شرکت‌ها تحمیل می‌کنند و نسبت بالای ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام موجب می‌شود تا حسابرسان در بررسی دارایی‌های نامشهود با خطر ارزش‌گذاری بیش از واقع دارایی‌ها مواجه شوند که این موضوع نیز موجب افزایش عملیات و حق‌الزحمه حسابرسان می‌گردد. همچنین با بررسی اثر تعدیلی مالکیت نهادی و مالکیت شرکتی به عنوان دو معیار ساختار مالکیت بر رابطه بین دارایی‌های نامشهود و حق‌الزحمه حسابرسان، انتظار می‌رود مالکیت سهام توسط سرمایه‌گذاران نهادی و شرکتی، موجب افزایش آگاهی و نظارت آنها در این شرکت‌ها شده و در نتیجه مشکلات نمایندگی و حق‌الزحمه حسابرسان کاهش یابد.

واژگان کلیدی: مالکیت نهادی، مالکیت شرکتی، دارایی‌های نامشهود، حق‌الزحمه حسابرسان

۱- استادیار حسابداری، دانشگاه مازندران

۲- کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شمال (مسئول مکاتبات) Behdadghz@gmail.com

۳- کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شمال

۱- مقدمه

به طور کلی ساختار مالکیت دارای یک جایگاه هسته‌ای و مشخص در ادبیات حاکمیت شرکتی است (پیرایش و اشتری، ۱۳۹۶). به انگیزه مدیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند در کارایی شرکت‌ها تأثیر قابل توجهی داشته باشد (عباسی و یازرلو، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه سازمان‌های امروزی به منظور کاهش تعارض منافع بین سهامداران و مدیریت بر جداسازی مالکیت از مدیریت تأکید می‌ورزند، لذا با افزایش تعداد سهامداران، این تعارضات نیز افزایش می‌یابد تا جایی که ممکن است بر امر نظارت و کنترل بر عملکرد مدیریت شرکت خدشه وارد کند (احمدوند، ۱۳۸۵). همچنین ساختار مالکیت شرکت‌ها از طریق اثرگذاری بر شدت مسئله نمایندگی، اندازه، ریسک و پیچیدگی شرکت، بر حق الزحمه حسابرسی اثر خواهد گذاشت (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۳) و هپ (۲۰۱۰) در تحقیقات خود چنین بیان می‌کند که بین وجود مشکلات نمایندگی و میزان ساعات کار حسابرس مستقل رابطه مستقیمی دارد و سرمایه‌گذاران شرکت‌هایی با مشکلات نمایندگی در ساختار مالکیت آنها، انتظار استخدام حسابرسی با کیفیت بالاتر را دارند.

با توجه به مطالعات صورت گرفته، یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر کنترل و اداره‌ی شرکت‌ها، ترکیب و تمرکز مالکیت سهام شرکت‌ها در دست سهامداران عمده است. چنین سهامداری، درصد قابل توجهی از سهام شرکت را در اختیار دارند که به نوبه خود می‌توانند اداره‌ی شرکت را در دست گیرند (احمدپور و منتظری، ۱۳۹۰) و روش‌های مختلفی جهت خلق ثروت ابداع کنند. از اینرو برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان درک عوامل مؤثر بر ارزش شرکت بسیار مهم است و از آنجایی که اقتصاد امروز مبتنی بر دانایی است، یکی از محرک‌های بااهمیت در افزایش ارزش شرکت‌ها، دارایی‌های نامشهود آنها می‌باشد. فعالیت‌های ارزش آفرین سازمان‌ها فقط متکی بر دارایی‌های مشهود آنها نیست بلکه دارایی‌های نامشهود بخش جدایی ناپذیر فرآیند خلق ارزش سازمان‌ها محسوب می‌شود (عارف منش، ۱۳۹۴). به طوری که در چند دهه گذشته، نسبت دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های آمریکایی به طور مداوم رو به افزایش بوده است (کالکینچ، ۲۰۱۶) و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود از حدود ۴ درصد از تولید ناخالص داخلی ایالات متحده در سال ۱۹۷۷ به ۹ الی ۱۰ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است (ناکامورا، ۲۰۰۸).

مسائل مربوط به حسابداری دارایی‌های نامشهود اگر چه مانند دارایی‌های مشهود است ولی منافع آتی دارایی‌های نامشهود معمولاً بسیار کمتر از آن می‌باشد (اسپاسلند و همکاران، ۲۰۱۷). طبق استاندارد شماره ۱۷ حسابداری ایران و همچنین اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری ایالات متحده یک دارایی نامشهود به هنگام شناخت اولیه باید به بهای تمام شده اندازه‌گیری شود، ولی حسابرسی دارایی‌های نامشهود، مجموعه‌ای متفاوت از چالش‌ها را نسبت به حسابرسی دارایی‌های مشهود ایجاد می‌کند، زیرا دارایی‌های مشهود نیاز به تأیید فیزیکی دارند ولی دارایی‌های نامشهود نیازی به تأیید فیزیکی گسترده نداشته و همچنین ممکن است کسب اطمینان از تخمین ارزش دارایی‌های مشهود نسبت به دارایی‌های نامشهود به گونه ساده‌تری صورت گیرد، در حالی که انجام آن برای دارایی‌های نامشهود مانند سرقتی، به گونه‌ای سخت‌تر انجام می‌شود (رامانا و واتس، ۲۰۱۲). بنابراین سوالی مطرح می‌شود که آیا حسابرسی دارایی‌های نامشهود در مقایسه با حسابرسی دارایی‌های مشهود، مستلزم تلاش، خطر و حق الزحمه بیشتری است؟

با توجه به مطالعات صورت گرفته و علی رغم تحولات و افزایش اهمیت دارایی‌های نامشهود، تاکنون تحقیقات محدودی در خصوص حسابرسی دارایی‌های نامشهود صورت گرفته است و هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی (PCAOB)^۱ گزارشی مبنی بر وجود ضعف‌های قابل توجهی در حسابرسی دارایی‌های نامشهود ارائه نموده است (ویسوناتان، ۲۰۱۷) و از آنجا که در تحقیقات پیشین صورت گرفته در خصوص حق الزحمه حسابرس و ساختار مالکیت، نقش دارایی‌های نامشهود مورد بی توجهی واقع شده است، لذا در این تحقیق تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین دارایی‌های نامشهود و حق الزحمه حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- ساختار مالکیت

واژه مالکیت در فرهنگ معین (۱۳۸۴) به معنی «حقی است که انسان نسبت به شیء دارد و می‌تواند هرگونه تصرفی در آن

¹ Hope

² Calcbench

³ Nakamura

⁴ Spiceland et al.

⁵ Ramanna and Watts

⁶ Public Company Accounting Oversight Board

⁷ Visvanathan

بنماید بجز آنچه که مورد استثنای قانون است» و منظور از ساختار مالکیت، مشخص کردن بافت و ترکیب سهامداران یک شرکت و بعضاً مالک عمده نهایی سهام آن شرکت است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۸). از آنجا که برخی مالکان، با توجه به میزان مالکیتشان، بر شرکت تحت مالکیت خود کنترل مؤثری دارند، ساختار مالکیت (ویژگی‌های مالکان و میزان مالکیتشان) یک عنصر بالقوه مهم در حاکمیت شرکتی است (برزگر و همکاران، ۱۳۹۵). طبق تحقیق استا (۱۳۹۰) ساختار مالکیت به چهار طبقه مالکیت نهادی، مالکیت شرکتی، مالکیت مدیریتی و مالکیت خارجی طبقه‌بندی می‌شود و بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصادی عقیده دارند که هر یک از انواع مالکیت می‌تواند بر عملکرد شرکت‌ها تأثیرگذار باشد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۸) که برای تحلیل ساختار مالکیت در این پژوهش از دو معیار مالکیت نهادی و مالکیت شرکتی استفاده می‌شود.

مالکان نهادی یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی نیرومند را بازنمایی می‌کنند؛ زیرا می‌توانند نفوذی چشم‌گیر بر مدیریت داشته و منافع مدیریت را در جهت منافع سهامداران هم‌جهت نمایند (ملکیان و نیکروان فرد، ۱۳۹۴). در کشور ما، به دلیل وجود سهام شرکت‌های در اختیار دولت و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی‌سازی، شاهد حضور سازمان‌ها و مؤسساتی هستیم که در فرآیند انتقال مالکیت با عنوان سرمایه‌گذاران نهادی شناخته شده و در قالب مالکان و صاحبان سهام جدید، سهم بیشتری از سهام شرکت‌های در حال انتقال را به خود اختصاص می‌دهند. بخشی از این شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران نهادی را شرکت‌های بیمه‌ای اعم از سازمان‌های تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های بیمه بازرگانی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری تشکیل می‌دهند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۰). مالکان شرکتی اشخاص حقوقی غیردولتی هستند که به صورت بالقوه منبع اثرگذار برون سازمانی بر استراتژی و عملکرد بنگاه به شمار می‌آیند. آنها مالکیت را سازوکاری برای نهادینه کردن قدرت در سازمان می‌دانند و از این روی نوع مالکیت یک سازمان می‌باید بر استراتژی و عملکرد آن مؤثر واقع شود و با ورود سرمایه‌گذاران شرکتی، تفکر غالب بر عملکرد شرکت، کسب سود و عملکرد بهتری باشد (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷).

۲-۲- حسابداری دارایی‌های نامشهود

دارایی‌های نامشهود بر خلاف دارایی‌های مشهود، موجودیت فیزیکی ندارند و معمولاً توسط یک سند قانونی اثبات می‌شوند و به طور کلی شش دسته دارایی‌های نامشهود وجود دارد: دارایی‌های نامشهود مرتبط با بازاریابی مانند علائم تجاری، دارایی‌های نامشهود مرتبط با مشتری مانند لیست مشتریان، دارایی‌های نامشهود مرتبط با هنر مانند حق انحصاری، دارایی‌های نامشهود مرتبط با قرارداد مانند حق رای دادن یا موافقت‌نامه‌های صدور مجوز، دارایی‌های نامشهود مرتبط با تکنولوژی مانند ثبت اختراعات و ارزش شهرت تجاری، که در زمان خرید به بهای تمام شده ثبت می‌کنند و اگر توسط واحد تجاری توسعه یا ایجاد شود، به هزینه‌های جاری ثبت می‌شود (کیسو و همکاران^۱، ۲۰۱۶).

طبق استاندارد ۱۷ حسابداری ایران یک دارایی هنگامی معیار قابلیت تشخیص را در تعریف دارایی نامشهود احراز می‌کند که جدا شدنی باشد، یعنی بتوان آن را به منظور فروش، انتقال، اعطای حق امتیاز، اجاره یا مبادله (به صورت جداگانه یا همراه با یک قرارداد، دارایی یا بدهی مرتبط) از واحد تجاری جدا کرد، یا از حقوق قراردادی یا سایر حقوق قانونی ناشی شود، صرف نظر از اینکه آیا چنین حقوقی قابل انتقال یا جدا شدنی از واحد تجاری یا سایر حقوق و تعهدات باشد یا خیر و تنها زمانی باید شناسایی شود که جریان منافع اقتصادی آتی دارایی به درون واحد تجاری محتمل باشد، و بهای تمام شده دارایی به گونه‌ای اتکاپذیر قابل اندازه‌گیری باشد.

۲-۳- حق الزحمه حسابرسی دارایی‌های نامشهود

برای حسابرسی تمام دارایی‌ها از جمله دارایی‌های نامشهود مجموعه‌ای از رویه‌ها وجود دارد که براساس آن باید آزمون‌های اساسی مورد نیاز حسابرسان انجام شود، که شامل: تعیین موجودیت دارایی‌های نامشهود با بررسی اسناد مقتضی و مناسب مانند بررسی اسناد قانونی، همچنین تعیین این مسئله که دارایی‌های نامشهود تحت مالکیت سازمان مورد بررسی می‌باشند یا خیر از طریق توافقنامه خرید یا فروش صورت می‌پذیرد؛ بررسی محاسبات صورت گرفته توسط مدیریت در خصوص سود یا زیان واگذاری دارایی‌های نامشهود و ثبت‌های حسابداری مورد نیاز و پرسش از مدیریت در این خصوص که آیا شرایطی وجود دارد تا نشان دهد دارایی‌های نامشهود ثبت شده ممکن است قابل بازیافت نباشد، از جمله وظایفی است که در هنگام حسابرسی دارایی‌های نامشهود باید صورت گیرد (جان استون و همکاران^۲، ۲۰۱۴). تمام این مراحل می‌تواند ارزش‌گذاری و زمان مورد نیاز برای حسابرسی دارایی‌های نامشهود را تحت تأثیر قرار دهد (مونگا^۳، ۲۰۱۶). به همین دلیل حسابرسان در انجام وظایف خود خطر مرتبط با فرآیند

1 Kieso et al.

2 Johnstone et al.

3 Monga

حسابرسی واحد تحت بررسی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند که این خطر تابعی از خطرات ذاتی، کنترل و عدم‌کشف می‌باشد (ویسواناتان، ۲۰۱۷).

مسیر و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در کتاب استانداردهای حسابرسی خود ادعا می‌کنند که خطر ذاتی مربوط به دارایی‌های نامشهود و سرقتی، ملاحظات مرتبط با خطر حسابرسی را بطور قابل توجهی افزایش می‌دهد؛ زیرا قوانین حسابداری در این زمینه پیچیده بوده و حسابرسی معاملات آن نیز دشوار است. اگر شرکت برای ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود خود از یک متخصص استفاده کند، آنگاه حسابرس باید تجارب، تخصص و مفروضات مورد استفاده توسط وی را در نظر بگیرد (انجمن حسابداران عمومی گواهی‌شده آمریکا، ۱۹۹۴). بدین ترتیب خطرات ذاتی و کنترل برای دارایی‌های نامشهود احتمالاً از دیدگاه حسابرسی به طور چشمگیری بالا خواهد بود و برای رسیدگی به این موضوع، حسابرسان باید تلاش و منابع حسابرسی خود را افزایش دهند تا به یک سطح قابل قبول و مطمئن از خطر حسابرسی دست یابند (ویسواناتان، ۲۰۱۷).

شناسایی دارایی‌های نامشهود و ارزش‌گذاری آنها نه تنها برای حسابرسان، بلکه برای سازمان‌های نظارتی ناظر بر حرفه حسابرسی جزء مسائل مهم طبقه‌بندی می‌شود. بحث در مورد خطر حسابرسی و تفاوت‌های موجود بین دارایی‌های مشهود و نامشهود از لحاظ پیچیدگی و ذهنیت در ارزیابی، نشان می‌دهد که حسابرسان با چالش‌های بسیاری در بررسی دارایی‌ها و همچنین خطر وجود احتمال اشتباه در ارزیابی این دارایی‌ها مواجه هستند. اگر چنین دارایی‌هایی نیاز به زمان کمتری برای رسیدگی داشته باشند و یا ارزیابی آنها به نسبت مشکل باشد، آنگاه حسابرس ممکن است بر اساس تلاش و خطر حسابرسی پایین‌تر آن حق‌الزحمه پایین‌تری را تعیین کند. از سوی دیگر، اگر تلاش و همچنین خطر حسابرسی به دلیل وجود عدم اطمینان در ارزیابی این دارایی‌ها بالا باشد، حسابرس نیز متناسب با آن حق‌الزحمه بالاتری را برای جبران این افزایش سطوح تعیین خواهد کرد (ویسواناتان، ۲۰۱۷).

۳- پیشینه تحقیق

شن و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در تحقیقی با بررسی رابطه بین استراتژی متنوع‌سازی شرکتی، ساختار مالکیت و بحران مالی طی دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ در نمونه‌ای شامل ۴۶۱۰ شرکت خصوصی فعال در کشور چین به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌هایی با واحدهای فرعی بیشتر در طول بحران مالی جهانی اخیر در مقایسه با شرکت‌های متمرکز عملکرد بهتری داشتند، بدین معنا که سطوح متنوع‌سازی شرکتی به طور مثبت و خطی با عملکرد شرکت‌ها مرتبط است. علاوه بر این شرکت‌های خصوصی که به طور کامل متعلق به یک فرد و یا خانواده هستند در صورت بروز بحران‌های مالی عملکرد ضعیف‌تری دارند.

یوسف العبداله^۳ (۲۰۱۸) در تحقیقی با بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد مالی شرکت طی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ در نمونه‌ای شامل ۱۰۹ شرکت غیرمالی پذیرفته شده در بورس امان به این نتیجه دست یافت که مالکیت مدیریتی بر عملکرد مالی تأثیر مثبت و مالکیت خارجی تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مالی شرکت ندارد. علاوه بر این، شواهد قابل توجهی برای حمایت از این واقعیت وجود دارد که اندازه شرکت و نوع صنعت تأثیری بر عملکرد مالی شرکت ندارد.

ویسواناتان (۲۰۱۷) در تحقیقی با بررسی رابطه بین دارایی‌های نامشهود ترازنامه و حق‌الزحمه حسابرس طی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ با تعداد مشاهداتی بالغ بر ۲۹،۹۶۰ سال-شرکت به این نتیجه دست یافت که حسابرسان برای شرکت‌هایی با نسبت بالای دارایی‌های نامشهود حق‌الزحمه بیشتری را تعیین می‌کنند. همچنین در شرکت‌هایی با نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (BTM) بالاتر ارتباط قوی‌تری میان دارایی‌های نامشهود و حق‌الزحمه حسابرسی وجود دارد.

مندوزا^۴ (۲۰۱۷) در تحقیقی با بررسی رابطه بین دارایی‌های نامشهود و صورت جریان وجه نقد طی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ در نمونه‌ای شامل ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس فیلیپین به این نتیجه دست یافت که دارایی‌های نامشهود تأثیر قابل توجهی بر جریان نقدی کل (۹۱/۰۷٪) و جریان نقدی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری (۶۸/۱۳٪)، فعالیت‌های عملیاتی (۲۹/۵۶٪) و فعالیت‌های تأمین مالی (۶/۰۷٪) می‌گذارند. همچنین تأثیر دارایی‌های نامشهود بر جریان نقدی در بخش‌های مالی، شرکت‌های هولدینگ، خدماتی، صنعتی، معدنی و نفتی به طور قابل توجهی متفاوت از یکدیگر است.

بن علی و لساژ^۵ (۲۰۱۳) در تحقیقی با بررسی رابطه قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی و ماهیت کنترلی سهامداران شرکت‌ها طی دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ در نمونه‌ای شامل ۲۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس فرانسه به این نتیجه دست یافتند که حق‌الزحمه حسابرسی با مالکیت دولتی یک رابطه منفی و با مالکیت نهادی یک رابطه مثبتی دارد. همچنین بین حق‌الزحمه حسابرسی و مالکیت خانوادگی هیچ ارتباطی وجود ندارد.

1 Messier et al.

2 American Institute of Certified Public Accountants

3 Shen et al.

4 Yousif Alabdullah

5 Mendoza

6 Ben Ali and Lesage

ملکیان و نیکروان فرد (۱۳۹۴) در تحقیقی با بررسی تأثیر مالکان نهادی و دولتی بر دستمزد حسابرسی مستقل طی دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ در نمونه‌ای شامل ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه دست یافتند که میزان مالکیت نهادی بر دستمزد حسابرسی تأثیر مثبت ولی تمرکز مالکیت نهادی بر دستمزد حسابرسی تأثیر منفی دارد. همچنین میزان مالکیت دولتی بر دستمزد حسابرسی تأثیر منفی، ولی تمرکز مالکیت دولتی تأثیر معناداری بر دستمزد حسابرسی ندارد.

درخشی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق الزحمه حسابرسی طی دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ در نمونه‌ای شامل ۹۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه دست یافتند که تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت و مالکیت نهادی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر منفی دارد.

خدادادی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در نمونه‌ای شامل ۸۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه دست یافتند که مالکیت خانوادگی بر حق الزحمه حسابرسی یک اثر مثبت معنادار و مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی یک اثر منفی معنادار دارد. همچنین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریت بر حق الزحمه حسابرسی تأثیری ندارد.

برادران حسن زاده و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر کیفیت حسابرسی طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ در نمونه‌ای شامل ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه دست یافتند که میزان تمرکز مالکیت و درصد سهام مالکان نهادی بر اندازه مؤسسه حسابرسی تأثیر منفی و بر تخصص در صنعت مؤسسه حسابرسی تأثیر مثبتی دارد، در حالی که تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی تأثیر معناداری بر دوره تصدی مؤسسه حسابرسی ندارند.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با بررسی تأثیر ساختار مالکیت شرکت بر حق الزحمه حسابرسی و اظهارنظر حسابرسان مستقل شرکت‌ها طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در نمونه‌ای شامل ۶۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه دست یافتند که مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی با صدور اظهارنظر مشروط حسابرسی دارای رابطه منفی معناداری می‌باشد. همچنین بین مالکیت مدیریت با حق الزحمه حسابرسی و اظهارنظر مشروط حسابرسان رابطه معناداری مشاهده نگردید.

عباسی و یازرلو (۱۳۹۲) در تحقیقی با بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر دارایی‌های نامشهود طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ در نمونه‌ای شامل ۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه دست یافتند که متغیر تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بر دارایی‌های نامشهود تأثیر معناداری ندارد ولی متغیر مالکیت مدیریتی بر دارایی‌های نامشهود اثری مثبت و معنادار دارد.

۴- فرضیه تحقیق

فرضیه اول: بین حق الزحمه حسابرسی و دارایی‌های نامشهود ترازنامه، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین حق الزحمه حسابرسی و دارایی‌های نامشهود در شرکت‌هایی با نسبت ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام بالاتر، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین حق الزحمه حسابرسی و دارایی‌های نامشهود در شرکت‌هایی با نسبت مالکیت نهادی بالاتر، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین حق الزحمه حسابرسی و دارایی‌های نامشهود در شرکت‌هایی با نسبت مالکیت شرکتی بالاتر، رابطه معناداری وجود دارد.

۵- روش شناسی تحقیق

از آنجا که انتظار می‌رود نتایج تحقیق حاضر در فرآیند تصمیم‌گیری استفاده کنندگان از صورت‌های مالی مورد استفاده قرار گیرد و موجب توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص شود، این تحقیق از لحاظ هدف جزء تحقیقات «کاربردی» محسوب می‌شود. همچنین از آنجا که تحقیق حاضر به توصیف منظم و سیستماتیک وضعیت متغیرها، از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد و ارتباط بین متغیرها را بر اساس هدف تحقیق بوسیله تحلیل رگرسیون لجستیک بررسی می‌نماید؛ بنابراین از لحاظ ماهیت «توصیفی-همبستگی» می‌باشد.

اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق، ابتدا از طریق روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی گردآوری شده و در ادامه مطالعات صورت گرفته در داخل و خارج از کشور دسته بندی گردید. سپس داده‌های لازم برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از طریق صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های نمونه و نرم افزار ره‌آورد نوین استخراج شده است. پس از گردآوری داده‌ها و ورود آنها به نرم افزار Excel، محاسبات لازم برای دستیابی به متغیرهای تحقیق صورت گرفته است و نتایج حاصل از اندازه‌گیری متغیرها برای انجام محاسبات آماری وارد نرم‌افزار Eviews 10 شده است.

جامعه آماری تحقیق حاضر تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و نمونه‌گیری مورد نیاز برای

انجام این تحقیق نیز در بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ صورت می‌گیرد. این نمونه انتخابی شامل شرکت‌هایی خواهد بود که دارای مجموعه شرایط زیر باشد:

- ۱- تا قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛
 - ۲- سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه بوده و نباید طی دوره مورد مطالعه توقف فعالیت داشته باشند؛
 - ۳- شرکت‌ها سال مالی خود را نباید طی دوره مورد بررسی تغییر داده باشند؛
 - ۴- جزء بانک‌ها، بیمه‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گران مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشند، زیرا افشاهای مالی و ساختارهای اصول راهبری شرکت‌ها در آن متفاوت است؛
 - ۵- اطلاعات مالی مورد نیاز به طور کامل وجود داشته باشد؛
- بر این اساس، از بین کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ فعالیت داشته‌اند، ۱۲۱ شرکت به عنوان نمونه در این تحقیق انتخاب شدند و تعداد مشاهدات آن شامل ۶۰۵ سال - شرکت می‌باشد.

۶- مدل رگرسیون و متغیرهای تحقیق

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه تحقیق، مدل تحقیق از نوع رگرسیون چند متغیره است؛ بنابراین الگوهای مورد استفاده برای آزمون هریک از فرضیه‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

مدل شماره (۱):

$$LAuditFee_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Intangible_{it} + \alpha_2 LAT_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 Invrec_{it} + \alpha_6 Loss_{it} + \alpha_7 NAAuditor_{it} + \alpha_8 Restatement_{it} + \alpha_9 TAAuditor_{it} + \alpha_{10} ICWeak_{it} + \alpha_{11} NBS_{it} + IndustryDum + YearDum + \varepsilon_{it}$$

مدل شماره (۲):

$$LAuditFee_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Intangible_{it} + \alpha_2 LAT_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 Invrec_{it} + \alpha_6 Loss_{it} + \alpha_7 NAAuditor_{it} + \alpha_8 Restatement_{it} + \alpha_9 TAAuditor_{it} + \alpha_{10} ICWeak_{it} + \alpha_{11} NBS_{it} + \alpha_{12} HGHTM_{it} + \alpha_{13} Intangible_{it} * HGHTM_{it} + IndustryDum + YearDum + \varepsilon_{it}$$

مدل شماره (۳):

$$LAuditFee_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Intangible_{it} + \alpha_2 LAT_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 Invrec_{it} + \alpha_6 Loss_{it} + \alpha_7 NAAuditor_{it} + \alpha_8 Restatement_{it} + \alpha_9 TAAuditor_{it} + \alpha_{10} ICWeak_{it} + \alpha_{11} NBS_{it} + \alpha_{12} HGHTM_{it} + \alpha_{13} Intangible_{it} * HGHTM_{it} + IndustryDum + YearDum + \varepsilon_{it}$$

مدل شماره (۴):

$$LAuditFee_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Intangible_{it} + \alpha_2 LAT_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 Invrec_{it} + \alpha_6 Loss_{it} + \alpha_7 NAAuditor_{it} + \alpha_8 Restatement_{it} + \alpha_9 TAAuditor_{it} + \alpha_{10} ICWeak_{it} + \alpha_{11} NBS_{it} + \alpha_{12} HGHTM_{it} + \alpha_{13} Intangible_{it} * HGHTM_{it} + IndustryDum + YearDum + \varepsilon_{it}$$

که در مدل‌ها فوق:

$LAuditFee$ (حق‌الزحمه حسابرسی): برای محاسبه آن از لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی که از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی بخش هزینه‌های اداری و عمومی یا سایر هزینه‌ها استخراج شده است؛

$Intangible$ (دارایی نامشهود): برابر با نسبت دارایی نامشهود به کل دارایی‌های ترازنامه می‌باشد که نشان می‌دهد چند درصد از کل دارایی‌های شرکت را دارایی‌های نامشهود تشکیل داده است؛

LAT (اندازه شرکت): برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها می‌باشد؛

LEV (اهرم مالی): برابر با تقسیم جمع بدهی‌ها بر جمع دارایی‌های شرکت می‌باشد و نشان‌دهنده این موضوع است که چه درصدی از دارایی‌ها، از محل بدهی‌ها و یا حقوق صاحبان سهام تأمین مالی شده است؛

ROA (بازده دارایی‌ها): این متغیر شاخصی برای ریسک است و از طریق تقسیم سود (زیان) خالص دوره بر مجموع دارایی‌ها حاصل می‌گردد؛

$Invrec$ (شاخص پیچیدگی): این متغیر برای سنجش میزان پیچیدگی فرآیند حسابرسی استفاده می‌شود که از تقسیم مجموع حساب‌های دریافتنی و موجودی‌ها بر جمع دارایی‌های پایان دوره بدست می‌آید. بررسی این متغیر، اقلامی که بدلیل پیچیدگی نیاز به بررسی بیشتری دارند را مشخص می‌کند. علاوه بر این ارزیابی این اقلام وظیفه‌ای بسیار پیچیده است که نیازمند پیش‌بینی رویدادهای آتی است؛

$Loss$ (زیان): برابر با زیان شرکت است که اگر در سال جاری شرکت دارای زیان باشد، برابر با ۱ است و در غیر این صورت ۰ می‌باشد. زیان‌های سنوات قبل، ریسک حسابرسی را افزایش می‌دهند؛

NAuditor (حسابرس جدید): اگر حسابرس شرکت برای سال اول حسابرسی شرکت را بر عهده داشته باشد، برابر با ۱ است و در غیر این صورت ۰ می‌باشد؛

Restatement (ارائه مجدد صورت‌های مالی): اگر صورت‌های مالی شرکت ارائه مجدد شده باشد، برابر با ۱ است و در غیر این صورت ۰ می‌باشد؛

TAuditor (حسابرس معتمد): یک متغیر ساختگی است که اگر حسابرس شرکت جز طبقه الف رتبه بندی مؤسسات حسابرسی معتمد بورس باشد، برابر با ۱ است و در غیر این صورت ۰ می‌باشد؛

ICWeak (ضعف کنترل داخلی): اگر شرکت ضعف عمده‌ای در کنترل داخلی داشته باشد، برابر با ۱ است و در غیر این صورت ۰ می‌باشد. برای شناسایی ضعف‌های کنترل داخلی از گزارش‌های حسابرسی و کنترل‌های داخلی شرکت‌ها استفاده می‌گردد NBS (شرکت‌های فرعی): اگر شرکت دارای واحدهای فرعی باشد، برابر با ۱ است و در غیر این صورت ۰ می‌باشد

HGHBTM (نسبت بالای ارزش دفتری به بازار): این نسبت از طریق تقسیم ارزش دفتری مجموع حقوق صاحبان سهام بر ارزش بازار سرمایه شرکت محاسبه می‌گردد که اگر بیشتر از سه چهارم باشد برابر با ۱ است و در غیر این صورت ۰ می‌باشد

HGHIO (نسبت بالای مالکیت نهادی): مالکیت نهادی برابر است با درصد مالکیت سهام نگهداری شده توسط سرمایه‌گذاران نهادی نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و صندوق‌های بازنشستگی هستند. اگر درصد سهام نگهداری شده توسط سهامداران نهادی یک شرکت بیشتر از میانگین درصد تمامی شرکت‌های نمونه باشد، برابر با ۱ است و در غیر این صورت ۰ می‌باشد؛

HGHCO (نسبت بالای مالکیت شرکتی): مالکیت شرکتی برابر است با درصد سهام نگهداری شده توسط شرکت‌های سهامی از کل سهام، که این شرکت‌ها شامل تمام انواع شرکت‌های سهامی، به جز آنهایی که در مورد قبل بیان شده است می‌باشد. اگر درصد سهام نگهداری شده توسط سهامداران شرکتی یک شرکت بیشتر از میانگین درصد تمامی شرکت‌های نمونه باشد، برابر با ۱ است و در غیر این صورت ۰ می‌باشد؛

IndustryDum (اثرات ثابت صنعت): متغیری است ساختگی که به منظور کنترل تأثیر تغییرات صنعت بر ارتباط بین متغیرهای اصلی تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد؛

YearDum (اثرات ثابت سال): متغیری است ساختگی که به منظور کنترل تأثیر تغییرات سال بر ارتباط بین متغیرهای اصلی تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۷- نتایج آمار توصیفی

پیش از آزمون فرضیه‌های هر تحقیق، ابتدا لازم است آماره‌های توصیفی متغیرهای به کار رفته در آن محاسبه و تفسیر شوند؛ زیرا تحلیل آماره‌های توصیفی، یک دید کلی نسبت به داده‌های آن پژوهش فراهم و نتایج را در قالب جدول و نمودار طبقه‌بندی می‌کند. بر این اساس در جدول ذیل برخی از آماره‌های توصیفی متغیرها درج شده است.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
حق الزحمه حسابرس	۷/۰۳۳۳	۷/۰۲۲۶	۸/۹۸۵۵	۵/۳۸۲۶	۰/۹۵۳۳
دارایی نامشهود	۰/۰۰۶۳	۰/۰۰۲۴	۰/۰۳۳۳	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۸۷
اندازه شرکت	۱۴/۲۰۸۰	۱۴/۰۹۷۸	۱۶/۹۲۲۹	۱۱/۸۷۷۲	۱/۳۲۱۸
اهرم مالی	۰/۵۹۶۵	۰/۶۰۴۱	۰/۹۴۱۲	۰/۲۵۰۰	۰/۱۸۳۹
بازده دارایی‌ها	۰/۱۰۵۲	۰/۰۸۶۳	۰/۳۸۱۲	۰/۰۹۹۶ -	۰/۱۲۱۹
شاخص پیچیدگی	۰/۵۳۰۵	۰/۵۲۳۶	۰/۸۴۶۶	۰/۱۹۹۶	۰/۱۹۴۳
زبان	۰/۱۴۳۸	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۳۵۱۱
حسابرس جدید	۰/۲۳۴۷	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۲۴۱
ارائه مجدد صورت‌های مالی	۰/۷۸۳۴	۱/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۱۲۲
حسابرس معتمد	۰/۷۲۳۹	۱/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۴۷۴
ضعف کنترل داخلی	۰/۲۴۹۵	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۳۳۱
شرکت‌های فرعی	۰/۳۳۷۱	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۷۳۱
نسبت بالای ارزش دفتری به بازار	۰/۱۳۰۶	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۷۳۱
نسبت بالای مالکیت نهادی	۰/۳۹۶۶	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۳۳۷۳
نسبت بالای مالکیت شرکتی	۰/۳۹۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۸۸۱

براساس جدول فوق با توجه به وجود اختلاف کم میان مقادیر میانگین و میانه در متغیرهایی با داده‌های غیر ۰ و ۱، می‌توان چنین بیان کرد که متغیرهای تحقیق از نظر پراکندگی، دارای وضعیت مناسب و نزدیک به توزیع نرمال می‌باشند. همچنین هنگامی که تعداد مشاهدات بزرگتر از ۱۰۰ باشد (معیاری تقریبی برای توزیع نرمال)، احتمال نرمال بودن داده‌ها افزایش می‌یابد (واوس، ۲۰۰۲). میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و شرکتی در سهام شرکت‌های نمونه طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ هریک به طور میانگین برابر با ۳۹٪ است و میانگین نسبت دارایی نامشهود به کل دارایی‌ها و لگاریتم حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های نمونه به ترتیب برابر با ۰/۰۰۶۳ و ۷/۰۳۳۳ می‌باشد که با بررسی میزان کمینه و بیشینه این دو متغیر می‌توان چنین استدلال کرد که با افزایش میزان دارایی‌های نامشهود، میزان حق‌الزحمه حسابرسی نیز در شرکت‌های نمونه افزایش می‌یابد.

۸- نتایج آزمون فرضیه‌ها

در فرضیه اول این تحقیق رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و میزان دارایی‌های نامشهود منعکس در ترازنامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه در جدول ۲ نشان می‌دهد مقدار احتمال (یا سطح معناداری) F برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد و از آنجا که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود و در نتیجه، مدل معنادار است. نتایج ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که تقریباً ۷۹/۳۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی، توضیح داده می‌شوند. همچنین آماره دوربین واتسون برابر با ۲/۴۳۸ می‌باشد که این مقدار، عدم خودهمبستگی مدل را نشان می‌دهد. بدین ترتیب فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می‌شود و نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که میزان دارایی‌های نامشهود مورد گزارش در ترازنامه با ضریب ۸/۷۳۳ رابطه مثبت و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

جدول ۲- نتیجه آزمون فرضیه اول

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	۲/۵۴۲	۱/۰۷۰	۲/۳۷۵	۰/۰۱۸
دارایی نامشهود	۸/۷۳۳	۵/۱۷۲	۵/۰۳۸	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۳۴۰	۰/۰۶۷	۵/۰۳۸	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۳۳۱	۰/۲۲۹	۱/۴۴۴	۰/۱۴۹
بازده دارایی‌ها	۰/۵۴۷	۰/۳۶۸	۱/۴۸۳	۰/۱۳۸
شاخص پیچیدگی	۰/۱۹۶	۰/۲۲۷	۰/۸۶۳	۰/۳۸۸
زیان	- ۰/۰۱۱	۰/۰۷۵	- ۰/۱۵۵	۰/۸۷۶
حسابرس جدید	۰/۰۶۳	۰/۰۳۸	۱/۶۵۸	۰/۰۹۸
ارائه مجدد صورت‌های مالی	- ۰/۰۷۱	۰/۰۵۷	- ۱/۲۴۴	۰/۲۱۴
حسابرس معتمد	۰/۰۳۲	۰/۰۵۹	۰/۵۳۹	۰/۵۸۹
ضعف کنترل داخلی	۰/۰۰۲	۰/۰۶۰	۰/۰۳۵	۰/۹۷۱
شرکت‌های فرعی	۰/۲۶۲	۰/۱۶۷	۱/۵۷۰	۰/۱۱۷
اثرات ثابت صنعت	بله			
اثرات ثابت سال	بله			
ضریب تعیین تعدیل شده	۷۹/۳۷٪	آماره F		۵۰/۱۶۳
آماره دوربین واتسون	۲/۴۳۸	احتمال (آماره F)		۰/۰۰۰

در فرضیه دوم این تحقیق رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و دارایی‌های نامشهود، در شرکت‌هایی با نسبت ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام بالاتر، مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای آزمون این فرضیه، مدل رگرسیون حق‌الزحمه حسابرسی با معرفی متغیر نسبت بالای ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام که شاخصی برای سنجش ضعف‌های بالقوه شرکت‌ها می‌باشد تعدیل می‌شود (رامانا و واتس، ۲۰۱۲) و نتایج حاصل از آن در جدول ۳ نشان می‌دهد که بین میزان دارایی‌های نامشهود و حق‌الزحمه حسابرسی با اثر تعدیلگری نسبت بالای ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام، رابطه مثبت معناداری با ضریب ۴/۵۳۶ وجود دارد و از آنجا که مقدار احتمال (یا سطح معناداری) F برابر با ۰/۰۰۰ بوده و این مقدار نیز کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح

اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود و در نتیجه، مدل معنادار است. نتایج ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که تقریباً ۷۹/۷۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی، توضیح داده می‌شوند. همچنین آماره دوربین واتسون برابر با ۲/۴۰۹ می‌باشد که این مقدار، عدم خودهمبستگی مدل را نشان می‌دهد. بدین ترتیب فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می‌شود و نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که نسبت بالای ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام باعث تقویت اثر مثبت دارایی‌های نامشهود بر حق الزحمه حسابرسی خواهد شد.

جدول ۳- نتیجه آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	۲/۵۳۶	۱/۰۷۸	۲/۳۵۲	۰/۰۱۹
دارایی نامشهود	۱۰/۴۹۳	۵/۲۷۲	۱/۹۹۰	۰/۰۴۷
اندازه شرکت	۰/۳۴۰	۰/۰۶۸	۴/۹۵۰	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۳۲۲	۰/۲۳۲	۱/۳۸۶	۰/۱۶۶
بازده دارایی‌ها	۰/۴۰۳	۰/۳۷۲	۱/۰۸۰	۰/۲۸۰
شاخص پیچیدگی	۰/۲۴۷	۰/۲۲۷	۱/۰۹۱	۰/۲۷۵
زیان	-۰/۰۳۴	۰/۰۷۵	-۰/۴۵۱	۰/۶۵۱
حسابرس جدید	۰/۰۵۱	۰/۰۳۸	۱/۳۴۲	۰/۱۸۰
ارائه مجدد صورت‌های مالی	-۰/۰۷۲	۰/۰۵۷	-۱/۲۵۸	۰/۲۰۹
حسابرس معتمد	۰/۰۲۲	۰/۰۵۹	۰/۳۷۵	۰/۷۰۷
ضعف کنترل داخلی	-۰/۰۱۰	۰/۰۶۰	-۰/۱۷۸	۰/۸۵۸
شرکت‌های فرعی	۰/۲۲۵	۰/۱۶۶	۱/۳۵۷	۰/۱۷۵
نسبت بالای ارزش دفتری به بازار	۰/۱۸۸	۰/۰۹۴	۱/۹۸۵	۰/۰۴۷
دارایی نامشهود * نسبت بالای ارزش دفتری به بازار	۴/۵۳۶	۹/۶۶۵	۰/۴۶۹	۰/۶۳۹
اثرات ثابت صنعت	بله			
اثرات ثابت سال	بله			
ضریب تعیین تعدیل شده	۷۹/۷۰٪	آماره F	۴۷/۴۰۱	
آماره دوربین واتسون	۲/۴۰۹	احتمال (آماره F)	۰/۰۰۰	

در فرضیه سوم این تحقیق به بررسی رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و دارایی‌های نامشهود در شرکت‌هایی با نسبت مالکیت نهادی بالاتر پرداخته می‌شود. برای آزمون این فرضیه با معرفی متغیر نسبت بالای مالکیت نهادی، مدل رگرسیون حق الزحمه حسابرسی تعدیل می‌شود و نتایج حاصل از آن در جدول ۴ نشان می‌دهد که بین میزان دارایی‌های نامشهود و حق الزحمه حسابرسی با اثر تعدیلگری نسبت بالای مالکیت نهادی، رابطه منفی معناداری با ضریب ۱/۴۴۱- وجود دارد و از آنجا که مقدار احتمال (یا سطح معناداری) F برابر با ۰/۰۰۰ بوده و این مقدار نیز کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود و در نتیجه، مدل معنادار است. نتایج ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که تقریباً ۷۹/۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی، توضیح داده می‌شوند. همچنین آماره دوربین واتسون برابر با ۲/۴۳۷ می‌باشد که این مقدار، عدم خودهمبستگی مدل را نشان می‌دهد. بدین ترتیب فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می‌شود و نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که نسبت بالای مالکیت نهادی باعث کاهش اثر مثبت دارایی‌های نامشهود بر حق الزحمه حسابرسی خواهد شد.

جدول ۴- نتیجه آزمون فرضیه سوم

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	۲/۵۶۹	۱/۰۷۵	۲/۳۸۸	۰/۰۱۷
دارایی نامشهود	۹/۳۳۳	۶/۶۹۲	۱/۳۹۴	۰/۱۶۴
اندازه شرکت	۰/۳۳۷	۰/۰۶۸	۴/۹۵۹	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۳۲۰	۰/۳۳۱	۱/۳۸۱	۰/۱۶۸
بازده دارایی‌ها	۰/۵۳۱	۰/۳۷۱	۱/۴۳۱	۰/۱۵۳
شاخص پیچیدگی	۰/۲۰۶	۰/۲۲۹	۰/۹۰۱	۰/۳۶۸
زیان	-۰/۰۱۲	۰/۰۷۵	-۰/۱۷۰	۰/۸۶۴
حسابرس جدید	۰/۰۶۳	۰/۰۳۸	۱/۶۵۷	۰/۰۹۸
ارائه مجدد صورت‌های مالی	-۰/۰۷۱	۰/۰۵۷	-۱/۲۴۳	۰/۲۱۴
حسابرس معتمد	۰/۰۳۱	۰/۰۵۹	۰/۵۲۶	۰/۵۹۸
ضعف کنترل داخلی	-۰/۰۰۱	۰/۰۶۰	-۰/۰۱۸	۰/۹۸۵
شرکت‌های فرعی	۰/۲۶۱	۰/۱۶۸	۱/۵۵۵	۰/۱۲۰
نسبت بالای مالکیت نهادی	۰/۰۵۷	۰/۱۲۷	۰/۴۵۳	۰/۶۵۰
دارایی نامشهود * نسبت بالای مالکیت نهادی	-۱/۴۴۱	۹/۸۲۰	-۰/۱۴۶	۰/۶۵۰
اثرات ثابت صنعت	بله			
اثرات ثابت سال	بله			
ضریب تعیین تعدیل شده	۷۹/۲۷ %	آماره F	۴۶/۸۹۷	
آماره دوربین واتسون	۲/۴۳۷	احتمال (آماره F)	۰/۰۰۰	

آزمون فرضیه چهارم: بین حق الزحمه حسابرسی و دارایی‌های نامشهود در شرکت‌هایی با نسبت مالکیت شرکتی بالاتر، رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون فرضیه چهارم با معرفی متغیر نسبت بالای مالکیت شرکتی، مدل رگرسیون حق الزحمه حسابرسی تعدیل می‌شود. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه در جدول ۵ نشان می‌دهد که بین میزان دارایی‌های نامشهود و حق الزحمه حسابرسی با اثر تعدیلگری نسبت بالای مالکیت شرکتی، رابطه منفی معناداری با ضریب $-۸/۰۰۷$ وجود دارد و از آنجا که مقدار احتمال (یا سطح معناداری) F برابر با $۰/۰۰۰$ بوده و این مقدار نیز کمتر از $۰/۰۵$ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود و در نتیجه، مدل معنادار است. نتایج ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که تقریباً $۷۹/۴۳$ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترل، توضیح داده می‌شوند. همچنین آماره دوربین واتسون برابر با $۲/۴۲۶$ می‌باشد که این مقدار، عدم خودهمبستگی مدل را نشان می‌دهد. بدین ترتیب فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵% پذیرفته می‌شود و نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که نسبت بالای مالکیت شرکتی باعث کاهش اثر مثبت دارایی‌های نامشهود بر حق الزحمه حسابرسی خواهد شد.

جدول ۵- نتیجه آزمون فرضیه چهارم

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	۲/۶۳۰	۱/۰۷۶	۲/۴۴۲	۰/۰۱۵
دارایی نامشهود	۱۱/۸۸۹	۶/۱۲۲	۱/۹۴۱	۰/۰۵۲
اندازه شرکت	۰/۳۳۶	۰/۰۶۷	۴/۹۶۶	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۲۹۳	۰/۳۳۱	۱/۲۶۶	۰/۲۰۶
بازده دارایی‌ها	۰/۴۷۲	۰/۳۷۰	۱/۲۷۳	۰/۲۰۳
شاخص پیچیدگی	۰/۲۲۰	۰/۲۲۷	۰/۹۷۰	۰/۳۳۲
زبان	-۰/۰۱۹	۰/۰۷۵	-۰/۲۵۷	۰/۷۹۷
حسابرس جدید	۰/۰۶۲	۰/۰۳۸	۱/۶۲۴	۰/۱۰۵
ارائه مجدد صورت‌های مالی	-۰/۰۷۷	۰/۰۵۷	-۱/۳۶۱	۰/۱۷۴
حسابرس معتمد	۰/۰۲۰	۰/۰۵۹	۰/۳۴۵	۰/۷۳۰
ضعف کنترل داخلی	۰/۰۰۰	۰/۰۵۹	-۰/۰۰۳	۰/۹۹۷
شرکت‌های فرعی	۰/۲۳۶	۰/۱۶۸	۱/۴۰۱	۰/۱۶۱
نسبت بالای مالکیت شرکتی	-۰/۱۳۳	۰/۱۵۵	-۰/۸۵۶	۰/۳۹۲
دارایی نامشهود * نسبت بالای مالکیت شرکتی	-۸/۰۰۷	۸/۰۷۶	-۰/۹۹۱	۰/۳۲۲
اثرات ثابت صنعت	بله			
اثرات ثابت سال	بله			
ضریب تعیین تعدیل شده	۷۹/۴۳ %	آماره F		۴۷/۳۴۴
آماره دوربین واتسون	۲/۴۲۶	احتمال (آماره F)		۰/۰۰۰

۹- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که میزان دارایی‌های نامشهود مورد گزارش در ترازنامه با حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد. زیرا از یکسو حسابرس، برای بررسی دارایی‌های نامشهود نیازمند به حجم عملیات بیشتری است و از سوی دیگر، به دلیل وجود عدم اطمینان در تخمین ارزش دارایی‌های نامشهود وجود هرچه بیشتر این دارایی‌ها یک خطر بالقوه حسابرسی محسوب می‌شود که به موجب آن حق الزحمه حسابرسی افزایش می‌یابد. نتایج بدست آمده از آزمون این فرضیه با نتایج تحقیق ویستاناتان (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که نسبت بالای ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام موجب افزایش اثر مثبت دارایی‌های نامشهود بر حق الزحمه حسابرسی خواهد شد، زیرا این نسبت برای سنجش ضعف‌های بالقوه موجود در یک شرکت شاخص مناسبی بوده و افزایش آن ممکن است اختلال در دارایی‌های نامشهود را نشان دهد که به این منظور حسابرسان به دلیل ریسک بالای بررسی این دارایی‌ها، حق الزحمه بالاتری را نیز به شرکت‌ها تحمیل می‌کنند. نتایج بدست آمده از آزمون این فرضیه با نتایج تحقیقات رامانا و واتس (۲۰۱۲) و ویستاناتان (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که نسبت بالای مالکیت نهادی موجب کاهش اثر مثبت دارایی‌های نامشهود بر حق الزحمه حسابرسی خواهد شد، زیرا سرمایه‌گذاران نهادی به اطلاعات درونی شرکت‌ها دسترسی داشته و نسبت به سرمایه‌گذاران فردی از آگاهی و توان نظارتی بیشتری بر شرکت برخوردارند. این نظارت منجر به کاهش مشکلات نمایندگی و در نتیجه کاهش خطرات بالقوه، حجم عملیات و حق الزحمه حسابرسی می‌شود. نتایج بدست آمده از آزمون این فرضیه با نتایج تحقیقات رحمان خان و همکاران (۲۰۱۱)، ملکیان و نیکروان فرد (۱۳۹۴) و درخشی و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت و همچنین با نتایج تحقیقات خدادادی و همکاران (۱۳۹۳) و ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۳) مغایرت دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم نشان می‌دهد که نسبت بالای مالکیت موجب کاهش اثر مثبت دارایی‌های نامشهود بر حق الزحمه حسابرسی خواهد شد، زیرا سرمایه‌گذاران شرکتی به منظور کسب سود و عملکرد بهتر، از مالکیت به عنوان ساز و کاری جهت افزایش نفوذ و کنترل در ساختار مالکیت شرکت‌های مورد سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند که این هم‌پوشانی بیشتر مالکیت و کنترل، منجر به افزایش آگاهی و نظارت مالکیت و همچنین کاهش تضاد منافع و مشکلات نمایندگی شرکت‌ها می‌گردد و به

موجب آن می‌توان کاهش خطرات بالقوه، حجم عملیات و حق‌الزحمه حسابرسی را انتظار داشت. نتایج بدست آمده از آزمون این فرضیه با نتایج تحقیق رحمان خان و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت دارد.

به طور کلی با توجه به نتایج آزمون چهار فرضیه مورد بررسی در این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که حسابرسان به دلیل وجود خطرات بالقوه در بررسی دارایی‌های نامشهود، حق‌الزحمه بالاتری را نیز به شرکت‌ها تحمیل می‌کنند و نسبت بالای ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام موجب می‌شود تا حسابرسان در بررسی دارایی‌های نامشهود با خطر ارزشگذاری بیش از واقع دارایی‌ها مواجه شوند که این موضوع نیز موجب افزایش عملیات و حق‌الزحمه حسابرسی می‌گردد. همچنین با بررسی اثر تعدیلی مالکیت نهادی و مالکیت شرکتی به عنوان دو معیار ساختار مالکیت بر رابطه بین دارایی‌های نامشهود و حق‌الزحمه حسابرسی می‌توان چنین بیان نمود که نفوذ و کنترل سرمایه‌گذاران نهادی و شرکتی دارای در شرکت مورد سرمایه‌گذاری موجب آگاهی و نظارت بیشتر آنها در این شرکت‌ها شده که نتیجه این امر، کاهش مشکلات نمایندگی و همچنین حق‌الزحمه حسابرسی می‌باشد.

علاوه بر این با توجه به نتایج تحقیق و به منظور کاهش حق‌الزحمه حسابرسی به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود انواع، میزان و سطح اطمینان اطلاعات مرتبط با دارایی‌های نامشهود را که افشاء آن مطابق استاندارد ضروری است، مورد بازبینی قرار دهند. استانداردگذاران نیز در صورت لزوم می‌توانند با ارائه تجدید نظر و اصلاح رویه‌های مربوط به دارایی‌های نامشهود، از یکسو موجب حصول اطمینان بیشتر و کاهش خطرات بالقوه حسابرسی آن شوند و از سوی دیگر زمینه را برای کاهش حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌ها فراهم آورند. همچنین با توجه به اثر منفی مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و شرکتی بر حق‌الزحمه حسابرس، به سرمایه‌گذاران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود که در تصمیمات خود به درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و شرکتی، به عنوان ناظرانی آگاه بر فعالیت‌های شرکت توجه کنند.

با انجام هر تحقیق راه برای مسیری جدید باز می‌شود و ادامه راه نیز مستلزم انجام تحقیقات دیگر است. بر این اساس انجام تحقیقاتی مانند بررسی رابطه بین دارایی‌های نامشهود و حق‌الزحمه حسابرس به تفکیک صنایع جهت مقایسه نتایج و همچنین بررسی تاثیر معیارهای اندازه‌گیری حاکمیت شرکتی مانند وجود کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی و میزان مالکیت سهامداران بر رابطه بین دارایی‌های نامشهود و حق‌الزحمه حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد. در پایان این تحقیق نیز مانند سایر تحقیقات صورت گرفته با محدودیت‌هایی مواجه بوده است؛ مانند تاثیر عوامل غیر قابل کنترل و متغیرهای ناخواسته‌ای که کنترل یا حذف کامل آنها امکان‌پذیر نبوده است، عدم تعدیل ارقام موجود در صورت‌های مالی بدلیل وجود تورم سالانه که امکان دارد بر داده‌های جمع‌آوری شده و نتایج تحقیق مؤثر باشد.

منابع

۱. ابراهیمی، سید کاظم، پیوندی، محمود و فخارمنش، محمدرضا، (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر ساختار مالکیت شرکت بر حق‌الزحمه حسابرسی و اظهارنظر حسابرسان مستقل شرکت‌ها، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، دوره ۶(۲۴): ۵۹-۷۸.
۲. احمدپور، احمد و منتظری، هادی، (۱۳۹۰)، نوع مدیریت سود و تاثیر اندازه‌ی شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر آن، پیشرفت‌های حسابداری، ۳(۶۱/۳): ۱-۳۵.
۳. احمدوند، ژیلاد، (۱۳۸۵)، بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
۴. استا، سهراب، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۳(۸): ۹۳-۱۰۶.
۵. اعتمادی، حسین، باباجانی، جعفر، آذر، عادل و دیانتی دلیلی، زهرا، (۱۳۸۸)، تاثیر فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علوم مدیریت ایران، دوره ۴(۱۵): ۵۹-۹۱.
۶. برادران حسن‌زاده، رسول، بادآورنده‌ی، یونس و اسماعیلی گنجینه کتاب، سمیه، (۱۳۹۳)، تاثیر ساختار مالکیت بر کیفیت حسابرسی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۶(۲۳): ۹۹-۱۱۵.
۷. برزگر، قدرت‌اله، اسکو، وحید و تاکر، رضا، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مسئولیت اجتماعی شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسی‌های حسابداری، دوره ۳(۱۱): ۲۱-۴۴.
۸. پیرایش، رضا و اشتری، اسماعیل، (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین چرخش حسابرسان و ساختار مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، دوره ۱۷(۶۶): ۷۱-۱۸۸.

۹. خدادادی، ولی، قربانی، رامین و خوانساری، نیکو، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱(۱): ۵۷-۷۲.
۱۰. درخشی، رضا، بادآورنهندی، یونس و برادران حسن‌زاده، رسول، (۱۳۹۴)، تأثیر ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق الزحمه حسابرسی، دانش حسابداری، دوره ۱۵ (۶۰): ۹۳-۱۱۳.
۱۱. رحیمیان، نظام‌الدین، رضایور، نرگس و اخضری، حسین، (۱۳۹۰)، نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، دوره ۱۱(۴۵): ۶۸-۸۱.
۱۲. عارف‌منش، زهره، (۱۳۹۴)، ارائه مدلی جهت ارزشیابی دارایی‌های نامشهود، رساله دکتری، دانشگاه الزهراء، تهران.
۱۳. عباسی، ابراهیم و یازرلو، وحید، (۱۳۹۲)، تأثیر ساختار مالکیت بر دارایی‌های نامشهود، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، دوره (۱۸): ۶۲-۸۱.
۱۴. ملکیان، اسفندیار و نیکروان فرد، بیتا، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر مالکان نهادی و دولتی بر دستمزد حسابرسی مستقل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۷ (۶۸/۳): ۱۳۹-۱۶۶.
۱۵. نمازی، محمد و کرمانی، احسان، (۱۳۸۷)، تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵(۵۳): ۸۳-۱۰۰.
16. Alabdullah, Y. (2018). The relationship between ownership structure and firm financial performance: Evidence from Jordan. *Benchmarking: An International Journal*. 25(1): 319-333.
17. Ben Ali, C. and Lesage, C. (2012). Audit pricing and nature of controlling shareholders: Evidence from France. *China Journal of Accounting Research*. 6(1): 21-34.
18. Calcbench. (2016). A look at intangible assets. <https://www.calcbench.com/blog/post/144306461513/a-lookat-intangible-assets>.
19. Hope, O.K., Langli, J.C, and Thomas, W.B. (2010). Agency conflicts and auditing in private firms. available at URL: <http://ssrn.com>.
20. Johnstone, K.M., Gramling, A.A, and Rittenberg, L.E. (2014). Auditing: A risk based approach conducting a quality audit, 9th ed. Cengage Learning, OH.
21. Kieso, D., Weygandt, J, and Warfield, T. (2016). Intermediate accounting. New York, NY: Wiley.
22. Mendoza, R. (2017). Relationship Between Intangible Assets and Cash Flows: An Empirical Analysis of Publicly Listed Corporations in the Philippines. *Review of Integrative Business and Economics Research*. 6(1): 188-202.
23. Messier, W.F., Glover, S.M, and Prawitt, D.F. (2017). Auditing and assurance services. New York: McGraw Hill Companies.
24. Monga, V. (2016). Accounting's 21st century challenge: How to value intangible assets. *The Wall Street Journal*. <https://www.wsj.com/articles/accountings-21st-century-challenge-how-to-value-intangible-assets-1458605126>.
25. Nakamura, L.I. (2008). Intangible assets and national income accounting. Federal Reserve Bank of Philadelphia working paper.
26. RahmanKhan, A., MahboobHossain, D, and Siddiqui, J. (2011). Corporate ownership concentration and audit fees: The case of an emerging economy. *Advances in Accounting*. 27(1): 125-131.
27. Ramanna, K., and Watts, R. (2012). Evidence on the use of unverifiable estimates in required goodwill impairment. *Journal of Accounting and Economics*. 17(4): 749-780.
28. Shen, N., Au, k, and Yi, L. (2018). Diversification strategy, ownership structure, and financial crisis: performance of chinese private firms. *Asia-Pacific Journal of Financial Studies*. 47(1): 54-80.
29. Spiceland, J.D., Nelson, M.W, and Thomas, W.B. (2017). Intermediate accounting, 9th ed. NewYork: McGraw Hill.
30. Visvanathan, G. (2017). Intangible assets on the balance sheet and audit fees. *International Journal of Disclosure and Governance*. 14(3): 241-250.

تدوین مدل الگوی رابطه تمرکز مالکیت، محافظه کاری و کیفیت گزارشگری با خطر سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۳

کد مقاله: ۶۸۶۸۸

سید سعید مهدیان^۱، حسین شیربندی^{۲*}

چکیده

مالکیت متمرکز باعث بهبود محیط عملیاتی شرکت و تسهیل در پخش اطلاعات خاص شرکت در بازار می شود، از طرفی می تواند به انباشت اطلاعات خاص و ایجاد هم زمانی قیمت سهام که معیار معکوسی از مقدار نسبی این اطلاعات منعکس شده می باشد منجر گردد. شرکت های با کنترل بیش از حد، احتمال بیشتری دارد که در معرض سقوط قیمت سهام قرار بگیرند. در همین راستا، هدف این پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری، تمرکز مالکیت و محافظه کاری بر خطر کاهش قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور سه فرضیه تدوین گردید که در این فرضیه ها متغیرهای کیفیت گزارشگری، تمرکز مالکیت و محافظه کاری متغیر مستقل و خطر کاهش قیمت سهام متغیر وابسته می باشد. داده های مربوط به ۱۲۷ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از روش نمونه گیری سیستماتیک برای دوره زمانی بین سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت، بررسی و آزمون شده است. روش پژوهش توصیفی-پیمایشی و از نظر هدف کاربردی و از لحاظ رویداد، پس رویدادی است. نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه منفی و معنی دار بین کیفیت گزارشگری مالی و خطر کاهش قیمت سهام و رابطه مثبت و معنادار بین تمرکز مالکیت و خطر کاهش قیمت سهام است. همچنین اثر تعاملی محافظه کاری بر رابطه بین تمرکز مالکیت و خطر کاهش قیمت سهام تأثیر معناداری دارد.

واژگان کلیدی: کیفیت گزارشگری، محافظه کاری، تمرکز مالکیت، خطر کاهش قیمت سهام

۱- کارشناس مالی شرکت توزیع نیروی برق استان کرمانشاه

۲- دانشجوی دکترای حسابداری دانشگاه آزاد واحد سنندج، کارشناس مالی شرکت توزیع نیروی برق استان کرمانشاه (مسئول مکاتبات) (h.sh09368577767@gmail.com)

۱- مقدمه

وقایع ناگوار و بحران‌های به وجود آمده در بورس‌های جهان و به ویژه سپتامبر سیاه ۱۹۹۷ و سپس حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، افزایش ماجرای ورلدکام، انرون، زیراکس^۱ و سپس پارمالات^۲ در سطح جهان و سقوط شاخص‌های بورس تهران در سال ۱۳۹۲ باعث گردید تا مقوله کیفیت گزارشگری مالی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در محیط پرتلاطم امروزی، بسیاری از سرمایه‌گذاران بر اهمیت شفاف‌سازی اطلاعات تأکید می‌کنند و فقدان اطلاعات و یا عدم اطمینان درباره آنها به یک مشکل اساسی در بازارهای مالی تبدیل شده است. یکی از عواملی که به عدم شفافیت اطلاعات مالی منجر می‌شود، مدیریت یا دستکاری سود است. در شرایط نبود شفافیت کامل در گزارشگری مالی، برای مدیران این فرصت فراهم می‌شود تا برای حفظ شغل و اعتبار حرفه‌ای خود، اطلاعات منفی را در داخل شرکت پنهان کنند. از این رو، این اطلاعات منفی در داخل شرکت انباشته می‌شود. هنگامی که توده اطلاعات منفی انباشته به نقطه اوج خود می‌رسد، نگهداری آن برای مدت زمان طولانی‌تر غیر ممکن و پرهزینه می‌شود. در نتیجه توده اطلاعات منفی به یکباره وارد بازار شده، به سقوط قیمت سهام منجر می‌گردد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- مفهوم محافظه‌کاری

علی‌رغم فقدان تعریف جامعی از محافظه‌کاری، در ادبیات حسابداری، دو ویژگی مهم محافظه‌کاری مورد بررسی قرار گرفته است. نخست، وجود جانب‌داری در ارائه‌ی کمتر از واقع ارزش دفتری نسبت به ارزش بازار آن که توسط اهلسون^۳ (۱۹۹۵) عنوان شده است. دوم، تمایل به تسریع در شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن شناسایی سودها که توسط باسو (۱۹۹۷) بیان شده است. واتس (۲۰۰۳) بیان کرد که محافظه‌کاری تأییدپذیری متفاوت مورد نیاز برای شناسایی سودها در مقابل زیان‌ها می‌باشد. در بیانیه مفاهیم حسابداری شماره‌ی دو نیز برای تشریح محافظه‌کاری چنین آمده است: "... اگر دو برآورد از یک مبلغ دریافتی یا پرداختی آتی وجود داشته باشد و احتمال وقوع هر دو یکسان باشد؛ محافظه‌کاری استفاده از برآوردی را دیکته می‌کند که کم‌تر خوشبینانه است" (هیأت استانداردهای حسابداری مالی، ۱۹۸۰).

۲-۲- ضرورت وجودی چارچوب مفهومی گزارشگری مالی

چارچوب مفهومی گزارشگری مالی در حسابداری به سه دلیل ضروری است: اول، چارچوب مفهومی همچون یک اساسنامه راهنمای استانداردگذاران قرار می‌گیرد. هیأت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) چارچوب مفهومی گزارشگری مالی را به شرح زیر تعریف می‌کند. «مجموعه‌ای منسجم از مبانی و اهداف مرتبط که می‌تواند به استانداردهای سازگار منتهی شده و ماهیت، عمل و حدود صورتهای مالی را مقرر نماید». استانداردگذاران به هنگام تدوین استانداردها به اهداف، مبانی و مفاهیم مذکور در چارچوب مفهومی توجه نموده و بر اساس آن استانداردها را تهیه می‌کنند. اگر چارچوبی را که استانداردگذاران سرلوحه کار خود قرار می‌دهند دارای انسجام و سازگاری درونی باشد، آنگاه می‌توان امیدوار بود که نتیجه کار (استانداردهای گزارشگری) نیز از همان ویژگیها برخوردار است. دوم، چارچوب مفهومی می‌تواند راهنمای کارورزان نیز باشد. نحوه عمل حسابداری همواره با تغییرات محیطی تغییر می‌کند بنابراین حسابداری همواره متأثر از رویدادهای جدیدی است که در لحظه ایجاد، استاندارد خاصی برای آنها وجود ندارد و کارورزان به هنگام رویارویی با آنها ناگزیرند راه حل عملی این موارد را بیابند که در این مواقع چارچوب مفهومی می‌تواند راهنمای عمل باشد. کارورزان با در نظر گرفتن اهداف و مفاهیم مذکور در چارچوب مفهومی، با اعمال قضاوت حرفه‌ای و اتکای به منطق از میان راهکارهای مختلف، بهترین راهکار را برمی‌گزینند. سوم، نقش و تأثیر چارچوب مفهومی بر پذیرش عمومی استانداردها است زیرا استاندارد را که مورد پذیرش عموم نباشد محکوم به فنا است. بنابراین اگر کارورزان بدانند که استانداردها متکی بر یک چارچوب مفهومی است احساس آرامش می‌کنند و در برابر آنها مقاومت کمتری از خود نشان می‌دهند (خدایی و همکاران، ۱۳۹۱).

1 - WorldCom, Enron, Xerox

2 - Parmalat

3 - Ohelssen and Folsom

۲-۳- تعریف ساختار مالکیت

ساختار مالکیت یا ترکیب سهامداری به معنی نحوه توزیع سهام^۱ و حقوق مالکیت به لحاظ حق رأی^۲ و سرمایه^۳ به علاوه ماهیت و موجودیت^۴ مالکان سهام^۵ است.

ساختار مالکیت یک شرکت از ابعاد گوناگون قابل توجه است و در وهله اول بر حسب دو متغیر شامل سهامداران درونی یا سهام در اختیار سهامداران داخلی^۶ و سهامداران بیرونی تعریف می‌شود. بر این اساس، سهام در اختیار سهامداران نهادی^۷ و دولت از بخش‌های اصلی مالکیت بیرونی شرکت‌ها تلقی می‌شود. سهام در اختیار سهامداران داخلی بیانگر درصدی از سهام در دست سهامداران^۸ است که در تملک مدیران و کارکنان شرکت قرار دارد. سهام تحت مالکیت سهامداران نهادی به درصدی از سهام شرکت اشاره می‌کند که در تملک سرمایه‌گذاران نهادی و حقوقی است.

همچنین ترکیب مالکیت یک شرکت را علاوه بر درونی یا بیرونی بودن می‌توان از ابعاد مختلفی مانند تمرکز یا عدم تمرکز مالکیت، نهادی یا حقیقی بودن و مدیریتی یا غیر مدیریتی بودن سهامداران مورد توجه قرار داد (قائمی، ۱۳۹۰).

۲-۴- سقوط بازارهای سهام^۹

موضوع ریزش قیمت سهام به قدری با اهمیت است که حتی سالها پس از سقوط بازار جلسات و سمینارهایی تشکیل می‌شود تا به بررسی علل و عوامل مشترک و خاص، بازه‌های زمانی وقوع ریزش قیمت سهام، رفتار مشارکت کنندگان در بازار، تاثیرات تصمیمات قانون‌گذاران و صاحب منصبان دولتی و سازمان‌های بین‌المللی بپردازد. مطالعات و مقالات بسیاری در خصوص سقوط بازار منتشر می‌شود و در اختیار استفاده کنندگان قرار می‌گیرد علاوه بر این وقوع ریزش‌های متعدد در برهه زمانی فعلی لزوم مطالعه و تحقیق بیشتر در این زمینه را بیش از پیش ضروری می‌نماید (فتاحی، ۱۳۹۰).

نقش وابستگی متقابل بازارهای سال ۱۹۸۷ شاید مهمترین مطالعه در مورد ریزش بازار سهام باشد. تحلیل برترو^{۱۰} بر مبنای داده‌های ۲۳ شرکت آمریکای شمالی، اروپا و آسیای شرقی بود که نتایج تحقیق مدارکی در این خصوص که میزان ریزش قیمت‌های سهام در بازارهای مختلف با توجه به ویژگیهای ساختار تغییر می‌کند، نشان داد. وی همچنین درجه وابستگی متقابل بازارهای سهام را قبل، حین و بعد از هفته ریزش بازار سهام در سال ۱۹۸۷ بر روی میزان سهام خارجی معامله شده در بازار داخلی مورد بررسی قرارداد، وی دریافت که بازده سهام خارجی در بازارهای داخلی همبستگی بیشتری با بازده سهام مذکور در محل انتشار دارد. تغییر قیمت اینگونه سهام پس از ریزش بازار همبستگی بیشتری را حتی نسبت به قبل از ریزش بازار سهام نشان می‌دهد (دیانتی و همکاران، ۱۳۹۲).

همچنین در همان سال مروین کینگ^{۱۱} توانایی مدل‌های با "اطلاعات کامل"^{۱۲} را درخصوص تشریح عقلایی ریزش بازار مورد کنکاش قرار می‌دهد. وی درباره اینکه چگونه تاثیر خبرهای بنیادین می‌توانست موجبات ریزش ۲۳ درصدی بازار سهام در سال ۱۹۸۷ را ایجاد نماید و بازارهای دیگر را به تبعیت از خود درآورده و اثر پشتاپشتی ایجاد کند، بحث می‌نماید. از نظر وی تئوری‌های "اطلاعات ناقص" بهتر می‌تواند پاسخگوی سوالات فوق باشد. یکی از کاربردهای این تئوری این است که سرمایه‌گذاران در یک بازار ممکن است تلاش نمایند تا اطلاعاتی از رفتار دیگر بازارها به دست آورند. بنابراین هر اشتباهی در هریک از بازارها می‌تواند به راحتی به بازارهای دیگر سرایت نموده و موجبات ادراک اشتباه جمعی فعالان بازارها را سبب شود (فتاحی، ۱۳۹۰).

۲-۵- ریزش بازار سهام

کاهش ناگهانی قیمت سهام در بخش‌های مهم و تاثیر گذار بازار سهام را سقوط یا ریزش بازار سهام می‌گویند. سقوط بازار در واقع پدیده‌ای اجتماعی است که رخدادهای بیرونی اقتصادی با رفتار جمعی و روانشناسی ترکیب شده و در یک چرخه متناوب

- 1 - Distribution of Equity
- 2 - Votes
- 3 - Capital
- 4 - Identity
- 5 - Equity Owners
- 6 - Insider Holdings
- 7 - Institutional Holdings
- 8 - Outstanding Shares
- 9 - Crash market
- 10 - bertero
- 11 - Mervyn King
- 12 - Full Information

شکل می گیرد. اگر تنها دلیل قیمت پایین امروز این است که قیمت فردا پایین می آید، در صورت عدم تغییر در ارزش ذاتی باید منتظر ریزش بازار بود (فتاحی، ۱۳۹۰).

محققان وقوع سقوط بازار سهام را در نتیجه افزایش طولانی قیمت سهام در یک اقتصاد خوش بینانه بیان می کنند، وقتی که نسبت قیمت به سود هر سهم سهام بالاتر از میانگین بلند مدت آن است و سهامداران برای خرید سهام شدیداً از اهرم بدهی استفاده می کنند. بازار افتان اغلب نمایی از دوره های کاهش قیمت بازار سهام در طی چند سال یا چند ماه را نشان می دهد و سقوط بازار سهام هرچند در یک بازار افتان به وقوع می پیوندد ولی لزوماً این دو به جای هم به کار نمی روند (برای مثال سقوط بازار سهام در سال ۱۹۸۷ منجر به ایجاد یک بازار افتان نشد و یا بازار نیکی ژاپن در سال ۱۹۹۰ چند سال بازار افتان را تجربه می کرد در حالی که هرگز سقوط بازاری در آن به وقوع نپیوست) (صالح آبادی و همکاران، ۱۳۹۰).

۲-۶- ارتباط نظری و تئوریک متغیرها

در سالهای اخیر، ساختار مالکیت متمرکز و تأثیر آن بر ابعاد مختلف شرکت ها ازجمله کیفیت سود، به دلیل رواج در اغلب کشورها و به خصوص میان اقتصادهای در حال رشد و بازارهای نوپای اروپا و آسیا، یکی از مسائل مهم مطرح در ادبیات حاکمیت شرکتی است (سالارکا، ۲۰۱۰). تمرکز مالکیت بیانگر ساختاری است که از طریق آن اهداف شرکت معین شده و روش های نیل به اهداف و معیارهای نظارت بر عملکرد مشخص می شوند. هر چه تمرکز مالکیت در شرکت بیشتر باشد، قدرت مدیران ارشد برای تصمیم گیری های بهینه بیشتر و استقلال هیئت مدیره برگزیده نیز منسجم تر خواهد بود. با توجه به اهمیت این دو عنصر و مکانیزم حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت) حاکمیت شرکتی صحیح و کارآمد باید مشوق های مناسبی برای هیئت مدیره و مدیریت فراهم آورد. حاکمیت شرکتی نه تنها برای مدیران شرکت ها که علاقه مند به آگاهی از سطح ساختار حاکمیت شرکتی و انطباق آن با بهترین شیوه و مقررات هستند دارای اهمیت می باشد بلکه برای شرکت کنندگان در بازار که علاقه مند به سرمایه گذاری هستند دارای جذابیت می باشد زیرا هدف از اعمال حاکمیت شرکتی اطمینان یافتن از وجود چهارچوبی است که به وسیله آن توازن مناسب بین آزادی عمل مدیران و منافع ذی نفعان مختلف از جمله سهامداران فراهم شود (حساس یگانه، ۱۳۸۴).

مسئله قابل توجه این است که براساس تحقیقات حسابداری همواره مدیران واحدهای تجاری قادر خواهند بود در انجام سیاست " تأخیر در انتشار اخبار بد و انباشته ساختن آن به صورت اطلاعات محرمانه " حجم معینی از اخبار بد را در شرکت انباشته سازند، که این به دلیل عواملی نظیر پرهزینه بودن این سیاست و یا به طور کلی عدم توانایی مدیریت برای ادامه این اقدام (نظیر تغییر مدیریت واحد تجاری) میباشد. در نهایت با رسیدن حجم اطلاعات منفی انباشته شده به آن مقدار نهایی، دیگر مدیران قادر نخواهند بود که از انتشار این اخبار به بازار و سرمایه گذاران جلوگیری نمایند. با انتشار این اخبار در بازار، سرمایه گذاران با اطلاعات جدید بدست آمده در باورهای پیشین خود که مبنای قیمت جاری سهام شرکت بوده تجدیدنظر کرده و انتظار خود را بر اساس اطلاعات جدید بنیان میگذارند، که این امر موجب تعدیل یکباره و منفی قیمت سهام شرکت خواهد شد، که در ادبیات مالی از آن به عنوان ریزش قیمت سهام یا سقوط قیمت سهام یاد می شود (هاتن، ۲۰۱۴).

با توجه به موارد بیان شده، علیرغم اهمیت تمرکز مالکیت و کیفیت گزارشگری مالی، شواهد اندکی از مزایای آن برای کاربران صورتهای مالی وجود دارد. در ارتباط با سایر خصوصیات اطلاعات مالی، تحقیقاتی در مراکز علمی و پژوهشی انجام شده است ولی در ارتباط با بحث تمرکز و کیفیت گزارشگری مالی و محافظه کاری در ایران تحقیقی انجام نشده است و نتایج آن می تواند در پیشبرد اهداف اقتصادی در سطح خرد و کلان مفید واقع شود. این تحقیق تلاش می کند شکاف های موجود را به وسیله ی توسعه معیارهای مالی نوین پر کند و تأثیر تمرکز مالکیت و استقلال هیئت مدیره را بر خطر کاهش قیمت سهام بسنجد.

۲-۳- پیشینه پژوهش

۲-۳-۱- پیشینه ی پژوهشهای داخلی

لطفی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر حسابداری محافظه کارانه بر کاهش ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند و در این پژوهش شواهدی قوی ارائه می گردد که وجود محافظه کاری در گزارشگری مالی شرکت ها احتمال ریسک ریزش قیمت سهام آن ها را به صورتی معنادار کاهش می دهد. لازم به ذکر است که نتیجه مذکور با استفاده از هر دو مدل ریزش قیمت سهام یکسان بوده است. عرب حجبی و همکاران (۱۳۹۴) بررسی رابطه بین مدیریت سود با ریسک ریزش قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج حاکی از آن است که رابطه معناداری بین کیفیت سود و ریسک ریزش قیمت سهام در شرکتها وجود ندارد. اما نکته قابل توجه در جهت ضرایب متغیرها می باشد بطوری که کیفیت سود (۰/۱۵-) و اهرم مالی

(-۰/۰۷۸) دارای تاثیر معکوس و اندازه شرکت (۰/۰۰۳) دارای تاثیر مثبت می‌باشد یعنی کیفیت سود و اهرم مالی باعث کاهش ریسک ریزش سهام می‌شوند.

کرمی و بذرافشان (۱۳۹۳) در تحقیقی با استفاده از مدل باسو که مبتنی بر شناسایی و انعکاس سریع تر اخبار بد مربوط به جریان های نقد آتی مورد انتظار نسبت به اخبار خوب در سود است، نتیجه گیری نمودند که بین محافظه کاری حسابداری در ارتباط با گزارشگری سود و دوره ارتباط صاحبکار - حسابرس رابطه مثبت وجود دارد. نورو و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی و هزینه های نمایندگی" انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که بین درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و همچنین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با هزینه های نمایندگی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. از سوی دیگر نتایج تحقیق با فرض وجود ارتباط بین نسبت بدهی شرکت ها با هزینه نمایندگی مطابقت ندارد. حساس یگانه و معزز (۱۳۹۰)، به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش رابطه ای میان شاخص های عملکرد مالی و درصد مالکیت سهامداران نهادی به عنوان سازوکار حاکمیت شرکتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ آزمون شده است و برای بررسی روابط از آزمون رگرسیون، روش پل دیتا استفاده شده است. شواهد تجربی به دست آمده حاکی از وجود ارتباط معنی داری بین وجود سهامداران نهادی و شاخص های عملکرد مالی از جمله شاخص بازده فروش، شاخص بازده داراییها، شاخص سود عملیاتی به داراییها و بازده حقوق صاحبان سهام است.

۲-۳-۲- پیشینه ی پژوهش های خارجی

هانگ و استین^۱ (۲۰۱۴) در رابطه با خطر سقوط قیمت سهام به این رابطه پرداختند که ناهمگنی رفتارهای سرمایه گذاران خود دلیلی برای سرعت بخشیدن به سقوط قیمت سهام است. یافته های آنها نشان می دهد اگر تفاوت نظر در رفتار سرمایه گذاران زیاد باشد سرمایه گذاران تندرو با شنیدن کوچکترین اخبار بد نامطلوب به فروش سریع سهام خود مبادرت می ورزند، همچنین سعی می کنند هر چه سریعتر از بازار خارج شوند که این حرکت در نهایت به سقوط قیمت سهام منجر می شود. به علاوه آنها اثبات کردند اخبار نهایی انباشته شده در شرکت در زمان تنزل بازار تمایل بیشتری به آشکار شدن پیدا میکنند که نتیجه آن تعدیل شدید و منفی بازده سهام، کیم و ژانگ^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان آیا محافظه کاری حسابداری ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش میدهد؟ به بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و ریسک سقوط سهام پرداختند، نتایج بررسی های آنها نشان داد که محافظه کاری انگیزه های مدیران را برای بیش نمای عملکرد و عدم افشای اخبار بد محدود کرده و از این رو ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش می دهد، همچنین آنها با استفاده از هزینه های تحقیق و توسعه، وضعیت بازار محصولات شرکت و ترکیب سهامداران شرکت به عنوان متغیرهای مؤثر بر عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران، اثبات کردند که در شرایط وجود عدم تقارن اطلاعاتی، توانایی محافظه کاری برای کاهش ریسک سقوط آتی قیمت سهام بیشتر است. کیم و همکاران^۳ (۲۰۱۲) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین فرار مالیاتی و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. بررسی های آنها نشان داد در شرکتهایی که اقدام به فرار از پرداخت مالیات کرده اند، ریسک سقوط آتی قیمت سهام بیشتر است. یافته های این پژوهش همچنین نشان داد که رابطه مثبت بین فرار مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام، در شرکتهایی که نظام راهبری قویتری دارند، ضعیفتر است.

۲-۴- روش شناسی پژوهش

۲-۴-۱- روش اجرای پژوهش

این پژوهش از حیث هدف، تحقیقی کاربردی است و از آن جا که در این پژوهش، به بررسی وضعیت موجود متغیرها با استفاده از جمع آوری اطلاعات از طریق اطلاعات گذشته اقدام شده است، در ردیف مطالعات توصیفی- پیمایشی و پس رویدادی قرار می گیرد، هدف از این پژوهش ارائه روشی مناسب برای تعیین رابطه تمرکز مالکیت، محافظه کاری و کیفیت گزارشگری بر خطر ریزش قیمت آتی سهام و آزمون تجربی این روش ها در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. به این منظور ابتدا بر اساس روش هاتن خطر ریزش قیمت سهام هر یک از شرکت های موجود در نمونه برای دوره زمانی پنج ساله (۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶) محاسبه گردیده سپس در مرحله بعد، فرضیه های پژوهش را با استفاده از آزمونهای آماری مورد ارزیابی قرار می دهیم.

1 - Hong and Stein

2 - Kim and Zhang

3 - Kim at al.

۲-۴-۲- جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش، تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۳۹۶ به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است، و به منظور انتخاب شرکت‌ها جهت استفاده از داده‌های آن‌ها برای آزمون فرضیه-های پژوهش از روش حذف سیستماتیک یا غربال‌گری با در نظر گرفتن محدودیت‌های زیر استفاده شده است:

۱. جزء شرکت‌های هلدینگ (سرمایه‌گذاری و بانک‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری) نبوده است.
۲. برای رعایت قابلیت مقایسه‌پذیری، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال بوده است.
۳. شرکت طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ تغییر سال مالی نداشته است.
۴. شرکت تا پایان ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ از بورس اوراق بهادار تهران نیز خارج نشده است.
۵. سهام شرکت در پایان اسفند ماه هر سال حداقل یک بار معامله شده و توقف معاملاتی بیش از شش ماه در مورد سهام یاد شده اتفاق نیفتاده است.
۶. اطلاعات و صورت‌های مالی آن در دسترس است.

۲-۴-۳- متغیرهای پژوهش و شیوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

در این پژوهش فرضیه‌ها بدین شرح می‌باشند:

- کیفیت گزارشگری بر خطر کاهش قیمت سهام تأثیر معناداری دارد.
- تمرکز مالکیت بر خطر کاهش قیمت سهام تأثیر معناداری دارد.
- محافظه‌کاری بر رابطه بین تمرکز مالکیت و خطر کاهش قیمت سهام تأثیر معناداری دارد

۲-۴-۳-۱- متغیرهای مستقل

حاکمیت شرکتی: شامل متغیرهای تمرکز مالکیت، کیفیت گزارشگری و محافظه‌کاری می‌باشد که نحوه محاسبه هر کدام به شرح زیر می‌باشد:

الف- تمرکز مالکیت: برای محاسبه تمرکز مالکیت با توجه به اطلاعات موجود در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی از دو پارامتر؛ ۱- درصد سهام اولین سهامدار عمده شرکت و ۲- درصد سهام در دست مالک نهایی شرکت، استفاده شد. دلیل استفاده از پارامتر درصد سهام در دست مالک نهایی شرکت، این بوده است که به دلیل مالکیت ضربدری موجود در شرکت‌های بورسی با مشخص کردن مالک نهایی سهامدارن حقیقی هر شرکت بعضاً دیده می‌شد که در نهایت یک شرکت حقیقی بطور مستقیم و غیر مستقیم سهم قابل ملاحظه‌ای از یک شرکت را در تملک خود دارد. از اینرو برای اندازه‌گیری دقیق‌تر متغیر تمرکز مالکیت از پارامتر درصد سهام در دست مالک نهایی شرکت نیز استفاده شده است.

ساختار مالکیت یک شرکت از ابعاد گوناگون قابل توجه است و در وهله اول بر حسب دو متغیر شامل سهامداران درونی یا سهام در اختیار سهامداران داخلی و سهامداران بیرونی تعریف می‌شود. بر این اساس، سهام در اختیار سهامداران نهادی و دولت از بخش‌های اصلی مالکیت بیرونی شرکت‌ها تلقی می‌شود. سهام در اختیار سهامداران داخلی بیانگر درصدی از سهام در دست سهامداران است که در تملک مدیران و کارکنان شرکت قرار دارد. سهام تحت مالکیت سهامداران نهادی به درصدی از سهام شرکت اشاره می‌کند که در تملک سرمایه‌گذاران نهادی و حقوقی است.

ب- کیفیت گزارشگری مالی: از معیار کیفیت ارقام تعهدی بعنوان شاخصی برای کیفیت گزارشگری مالی استفاده می‌شود. کیفیت ارقام تعهدی، به میزان تبدیل (تحقق) ارقام تعهدی به جریان‌های نقدی آتی اطلاق می‌گردد (مهرانی و صفرزاده، ۱۳۹۰). خطای اندازه‌گیری در تعیین ارقام تعهدی می‌تواند بطور بالقوه توانایی ارقام تعهدی را برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده یا انعکاس جریان‌های نقدی گذشته و جاری را کژنمایی کند (نیکومرام همکاران، ۱۳۸۹). عبارت دیگر خطای اندازه‌گیری در تعیین ارقام تعهدی باعث کاهش کیفیت ارقام تعهدی و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی نیز پایین خواهد بود. برای اندازه‌گیری کیفیت ارقام تعهدی از مدل مک نیکولز (۲۰۰۲) استفاده می‌شود:

$$\Delta WC_t = \alpha + \beta_1 CFO_{t-1} + \beta_2 CFO_t + \beta_3 CFO_{t+1} + \beta_4 \Delta REV_t + \beta_5 PPE_t + \varepsilon_t$$

همه متغیرهای بالا با استفاده از متوسط جمع دارایی‌ها استاندارد می‌شوند. با کم کردن عدد یک از قدرمطلق ضرایب خطای مدل مک نیکولز، معیار کیفیت ارقام تعهدی پدید می‌آید. با این کار با افزایش این معیار، کیفیت گزارشگری مالی نیز افزایش می‌یابد.

ج- **محافظه کاری:** در پژوهش حاضر برای اندازه گیری شاخص محافظه کاری حسابداری، از مدل گبولی و هین (۲۰۰۰) استفاده شده است. شاخص محافظه کاری بر اساس مدل مزبور به صورت زیر محاسبه می شود:

$$(-1) * [جمع دارایی ها در اول دوره / اقلام تعهدی عملیاتی] = محافظه کاری حسابداری$$

۲-۳-۴-۲- متغیر وابسته

الگوی خطر ریزش قیمت سهام:

$$R_{it} = \beta_0 + \beta_1 r_{m,t-2} + \beta_2 r_{m,t-1} + \beta_3 r_{m,t} + \beta_4 r_{m,t+1} + \beta_5 r_{m,t+2} + \varepsilon_{it}$$

در این الگو:

R_{it} : بازده شرکت، r_m : بازده بازار و t : زمان

برای محاسبه خطر ریزش قیمت سهام، ابتدا این الگو را برای هر سال- شرکت آزمون کرده و پس از آن، از مقدار باقیمانده $LN(1+\varepsilon)$ گرفته و پس از آن، در هر سال میانگین، رابطه قبل محاسبه شده است. اگر در سال- شرکت مورد نظر این مقدار محاسبه شده، کمتر از میانگین باشد، یک، یعنی خطر ریزش قیمت سهام وجود دارد، و اگر بیشتر باشد، صفر، یعنی خطر ریزش قیمت سهام وجود ندارد، منظور شده است.

۲-۳-۴-۳- متغیرهای کنترلی

در این پژوهش متغیرهای کنترلی به شرح زیر می باشند:

اندازه شرکت به عنوان یک متغیر کنترلی برای چشم انداز شرکت و هزینه سیاسی مورد استفاده قرار می گیرد. اندازه شرکت ($size_{i,t}$) لگاریتم طبیعی کل داراییهای شرکت i در سال t می باشد.

$$size_{i,t} = Ln(A_{i,t})$$

$$size_{i,t} = \text{اندازه شرکت } i \text{ در سال } t$$

$$Ln(A_{i,t}) = \text{لگاریتم طبیعی کل داراییهای شرکت } i \text{ در سال } t. \text{ (فروغی و همکاران، ۱۳۹۲).}$$

اهرم مالی: اهرم مالی میزان وجوهی را نشان می دهد که بوسیله بدهی تأمین مالی شده است. در این تحقیق برای محاسبه سطح اهرم شرکت ($Lev_{i,t}$)، کل بدهی ها را بر کل دارایی های شرکت i در سال t تقسیم می نماییم:

$$Lev_{i,t} = \frac{L_{i,t}}{A_{i,t}}$$

$$Lev_{i,t} = \text{سطح اهرم شرکت } i \text{ در سال } t$$

$$L_{i,t} = \text{کل بدهی های شرکت } i \text{ در سال } t$$

$$A_{i,t} = \text{کل دارایی های شرکت } i \text{ در سال } t. \text{ (فروغی و همکاران، ۱۳۹۲).}$$

۳- روش ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها

در این تحقیق از روش های موجود در آمار توصیفی (جداول توزیع فراوانی، میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی جهت بررسی و تجزیه و تحلیل داده های تحقیق استفاده که به شرح زیر می باشند و نرم افزار آماری مورد استفاده در این تحقیق نیز نرم افزار ایویوز^۱ می باشد.

در این پژوهش از آزمون های زیر جهت تجزیه و تحلیل فرضیه های استفاده می گردد:

۱- روش‌های تخمین مدل‌های ادغام شده: برآورد روابطی که در آن‌ها از داده‌های ترکیبی (سری زمانی، مقطعی) استفاده می‌شود، غالباً با پیچیدگی‌هایی مواجه است. در مدل‌های پانل، بعضی از متغیرها بین واحدهای مقطعی و یا طی زمان تغییر می‌کنند. آنچه که به طور کلی در مدل‌های پانل مطرح می‌گردد، وجود p واحد مجزا است که با شاخص i از ۱ تا p شماره‌گذاری می‌شود؛ همچنین m دوره زمانی متوالی که با شاخص t از ۱ تا m شماره‌گذاری می‌شوند وجود دارد که مجموع $n = pm$ مشاهده موجود خواهد بود. برآورد روابطی که در آن‌ها از داده‌های پانل (مقطعی-سری زمانی) استفاده می‌شود، غالباً با پیچیدگی‌هایی مواجه است. ضرایب مدل، واکنش متغیر وابسته نسبت به تغییرات k امین متغیر مستقل در i امین مقطع را در زمان t اندازه‌گیری می‌کند. در حالت کلی فرض می‌شود که این ضرایب در میان تمامی واحدهای مقطعی و زمانی مختلف متفاوت است.

۲- آزمون F لیمر

۳- آزمون هاسمن^۱

۴- مدل اثر ثابت (FEM)^۲

۵- مدل اثرات تصادفی (REM)^۳ یا مدل تصحیح خطا (ECM)^۴

۶- آزمون ریشه واحد پانل: برای بررسی مانایی متغیرهای مورد نظر در مدل از روش‌های زیر که از مهم‌ترین روش‌های آزمون ریشه واحد در داده‌های تابلویی هستند استفاده می‌کنیم. این روش‌ها ممکن است دارای نتایج متناقضی باشند. این روش‌ها عبارتند از:

- آزمون لوین، لین و چاو (LLC)
- آزمون برتونگ
- آزمون هادری
- آزمون ایم، پسران و شین (IPS)
- آزمون فیشر - ADF و فیشر - PP
- ۷- آزمون هم جمعی^۵ پانل دیتا
- ۸- آزمون هم جمعی^۶ پدرونی

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱- آمار توصیفی

در تجزیه و تحلیل توصیفی^۷، با استفاده از جداول و شاخص‌های آمار توصیفی نظیر شاخص‌های مرکزی^۸ و پراکندگی^۹ به توصیف داده‌های جمع‌آوری شده پژوهش پرداخته می‌شود. این امر به شفافیت و توضیح داده‌های پژوهش کمک بسیاری می‌کند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها در جداول (۴-۱) و (۴-۲) ارائه شده است.

تعداد مشاهدات پژوهش حاضر ۶۳۵ سال - شرکت است. این مشاهدات حاصل از ترکیب داده‌های ۱۲۷ شرکت پذیرفته شده در بورس به‌عنوان داده‌های تابلویی در طول ۵ سال (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶)، بعنوان دوره مورد مطالعه می‌باشد.

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. میانه نشان می‌دهد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. برای مثال با توجه به جدول ۱، میانگین متغیر تمرکز مالکیت شرکت‌های نمونه برابر با ۰/۷۵۳ است. انحراف معیار که معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌هاست، برای این متغیر برابر با ۰/۲۹۷ شده است. کمترین و بیشترین میزان این متغیر نیز در کل بازه زمانی مورد مطالعه به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰ و ۱ می‌باشد.

با توجه به قضیه حد مرکزی اگر یک نمونه تصادفی n تایی از یک جامعه غیرنرمال با میانگین μ و انحراف معیار σ انتخاب شود توزیع نمونه، تقریباً به صورت نرمال توزیع میل خواهد کرد. وقتی n بزرگ شود غیرنرمال به نرمال تبدیل می‌شود. به عبارتی در قضیه حد مرکزی هر گاه اندازه نمونه به قدر کافی بزرگ شود انتظار می‌رود که تخمین‌زننده دارای یک توزیع نرمال (البته به

1 - Hausman
2- Fixed Effect Model
3 - Random EffectsModel
4 - Errore Correction Model
5 - cointegration
6 - Pedroni (Engle-Granger based
7 - Descriptive Analysis
8 - Central Tendency
9 - Measures of Variation

طور تقریبی) در نمونه‌گیری‌های مکرر باشد. اهمیت قضیه حد مرکزی در این است که این احساس عمومی را که بسیاری از متغیرهای تصادفی در حالت طبیعی خود دارای توزیعی همانند توزیع نرمال است را قوت می‌بخشد (درخشان، ۱۳۸۶). با توجه به اینکه در این تحقیق حجم نمونه ۱۲۷ شرکت و بیشتر از حداقل حجم نمونه مورد نیاز برای برقراری قضیه حد مرکزی یعنی حداقل ۳۰ نمونه می‌باشد و از طرفی تعداد مشاهدات در این مطالعه تقریباً زیاد و ۶۳۵ مشاهده (سال - شرکت) برای هر متغیر می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت که توزیع تمامی متغیرها به سمت توزیع نرمال میل می‌کنند.

جدول ۱- تحلیل توصیفی متغیرهای مدل (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

متغیر آمار توصیفی	متغیرهای مدل			
	خطر ریزش قیمت سهام	کیفیت گزارشگری	تمرکز مالکیت	محافظة کاری
میانگین	۲/۱۳	۰/۰۰۴	۰/۷۵۳	-۰/۵۰۴
میانه	۲/۰۱	۰/۰۱۳	۰/۷۰۳	-۰/۳۴۱
انحراف معیار	۲/۲۳	۰/۰۱۵	۰/۳۹۷	۰/۱۶۸
حداقل مقدار سری	۸/۴۷	-۰/۴۵۳	۰/۰۰	-۱/۸۶
حداکثر مقدار سری	۶/۸۶	۲/۳۴	۱	۱/۵۳
تعداد مشاهدات	۶۳۵	۶۳۵	۶۳۵	۶۳۵

(ارقام برحسب میلیون ریال)

جدول ۲- تحلیل توصیفی متغیرهای مدل (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

متغیر آمار توصیفی	اندازه شرکت	اهرم مالی
میانگین	۱۸/۶۳	۰/۵۵۹
میانه	۱۸/۲۰	۰/۵۶۸
انحراف معیار	۲/۳۸	۰/۱۶۴
حداقل مقدار سری	۱۲/۱۰	۰/۰۹۶
حداکثر مقدار سری	۲۳/۰۶۵	۰/۸۳۳
تعداد مشاهدات	۶۳۵	۶۳۵

با توجه به جداول ۱-۴ و ۲-۴ اندازه شرکت با انحراف معیار ۲/۳۸ بیشترین پراکندگی و کیفیت گزارشگری کمترین پراکندگی حول میانگین را دارا می‌باشد و بدین ترتیب باقی متغیرهای توزیعی بین این دو قرار دارند. همچنین اندازه شرکت بالاترین میانگین و کیفیت گزارشگری از پایین‌ترین مرکزیت توزیع برخوردار می‌باشند.

۲-۴- آزمون ریشه واحد داده‌های پانل

قبل از برآورد و بررسی مدل، ابتدا نسبت به مانایی و نامانایی داده‌های مورد استفاده در مدل اطمینان حاصل می‌شود. اگر در تخمین معادلات اقتصادسنجی از داده‌های نامانا استفاده گردد، به دلیل اینکه داده‌ها در طول زمان دارای واریانس و میانگین ثابت نیستند، لذا آماره‌های F و t معتبر نیستند و مدل تخمین زده شده تورش دار و غیرقابل استفاده می‌باشند و با مسأله رگرسیون کاذب مواجه خواهیم شد. در اینگونه رگرسیون‌ها، در عین حال که ممکن است هیچ رابطه معنی‌داری بین متغیرهای الگو وجود نداشته باشد، ضریب تعیین به دست آمده آن ممکن است بسیار بالا باشد و موجب شود که محقق به استباط‌های غلطی در مورد میزان ارتباط بین متغیرها کشانیده شود.

آزمون‌های ریشه واحد داده‌های سری‌زمانی در الگوهایی که از داده‌های تلفیقی استفاده می‌کنند، از اعتبار چندانی برخوردار نیستند، به همین دلیل برای بررسی مانایی داده‌های ترکیبی بایستی از آزمون‌های زیر استفاده نمود:

۱. آزمون لوین لین و چو^۱

۲. آزمون بریتونگ^۲

۳. آزمون ایم، پسران و شین^۳

1 - Levin, Lin and Chu (LL)

2 - Breitung

۴. فیشر با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته-فیشر (Fisher – ADF)

۵. فیشر با استفاده از آزمون فیلیپس پرون-فیشر (Fisher – PP)

۶. آزمون هادری (Hadri)

H_0 : وجود ریشه واحد (نامانا)

H_1 : عدم وجود ریشه واحد (مانا)

البته آزمون‌های لوین، لین و چو، ایم، پسران و شین، آزمون دیکی فولر تعمیم یافته‌ی فیشر و آزمون فیلیپس-پرون فیشر از مهم‌ترین آزمون‌های ریشه واحد در داده‌های پانل می‌باشد که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در تمام این آزمون‌ها فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد می‌باشد. لازم بذکر است که در آزمون مانایی این قابلیت وجود دارد که در صورتی داده‌ها در سطح مانا نباشند، با یک مرتبه و در نهایت با دو مرتبه تفاضل‌گیری، مانایی داده‌ها بررسی شود و چنانچه مانایی داده‌ها در این سه سطح تأیید شوند، داده‌ها جهت تخمین و برآورد مدل‌ها قابل استناد و معتبر می‌باشند. نتایج آزمون‌ها در جدول ۳ برای حالت با عرض از مبدأ برای تمامی متغیرها ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

آزمون‌های مانایی								
متغیرها	آزمون‌ها	LLC	Prob	IPS	prob	ADF-Fisher	Prob	pp-Fisher
سقوط قیمت سهام	-۸۹/۰۳۹	۰/۰۰۱	-۳۰/۲۰۶	۰/۰۰۰	۵۴۶/۹۶۳	۰/۰۰۰	۶۱۱/۰۸۷	۰/۰۰۰
مرتبه مانایی	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح
کیفیت گزارشگری	-۷۴/۱۶۲	۰/۰۰۰	-۳۵/۶۳۷	۰/۰۰۰	۳۱۴/۴۵۴	۰/۰۰۰	۳۸۹/۲۳۶	۰/۰۰۰
مرتبه مانایی	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح
تمرکز مالکیت	-۳۸/۴۷۶	۰/۰۰۰	-۱۴/۶۹۵	۰/۰۰۰	۵۸۸/۸۹۲	۰/۰۰۰	۶۳۷/۴۷۷	۰/۰۰۰
مرتبه مانایی	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح
محافظه کاری	-۵۷/۰۳۳	۰/۰۰۰	-۱۶/۰۰۷	۰/۰۰۰	۴۴۸/۵۶۷	۰/۰۰۰	۵۰۲/۶۷۹	۰/۰۰۰
مرتبه مانایی	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح
نسبت بدهی	-۲۴/۵۱۸	۰/۰۰۰	-۱۱/۲۰۰	۰/۰۰۰	۳۹۸/۳۷۷	۰/۰۰۰	۴۳۳/۹۰۳	۰/۰۰۰
مرتبه مانایی	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح
اندازه شرکت	-۲۱/۷۳۲	۰/۰۰۰	-۱۰/۴۳۸	۰/۰۰۰	۴۷۱/۵۷۶	۰/۰۰۰	۵۴۵/۱۷۶	۰/۰۰۰
مرتبه مانایی	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح

براساس نتایج حاصل از آزمون مانایی در جدول (۳-۴)، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تمام متغیرها در آزمون‌های لوین لین و چو، ایم پسران و شین، دیکی فولر تعمیم‌یافته‌ی فیشر و فیلیپس-پرون فیشر در سطح مانا هستند. این نتایج با توجه به مقدار عددی آماره‌های لوین، لین و چو، ایم پسران و شین، دیکی فولر تعمیم‌یافته‌ی فیشر و فیلیپس-پرون فیشر و همچنین سطح احتمال مربوط به این آماره‌ها استخراج شده‌اند. به عنوان نمونه برای متغیر خطر سقوط قیمت سهام با توجه به اینکه میزان آماره آزمون لوین لین و چو معادل (-۸۹/۰۳۹) شده است و اینکه (سطح بحرانی بین ۲ و ۲- است) و همچنین سطح احتمال برای این متغیر معادل صفر شده است ($prob < 0.05$)، در نتیجه این متغیر در سطح مانا است و نیاز به تفاضل‌گیری ندارد. همین تحلیل برای سایر متغیرها نیز برقرار است.

۴-۳- تعیین نوع آزمون و روش تجزیه و تحلیل

برای تعیین روش به‌کارگیری داده‌های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آنها از آزمون چاو و آماره F لیمر استفاده شده است. فرضیه‌های آماری این آزمون به شرح زیر است:

فرض صفر: داده‌های تلفیقی^۲

1 - Im, Pesaran and Shin (IP)

2 - Pooled Data

فرض یک: داده‌های تابلویی^۱

قبل از تخمین مدل‌های رگرسیونی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، به انتخاب الگوی مناسب برای مدل رگرسیونی پرداخته می‌شود. ابتدا با استفاده از آزمون F لیمر به انتخاب مدل داده‌های تلفیقی در برابر مدل داده‌های ترکیبی (تابلویی) پرداخته خواهد شد. چنانچه مقدار احتمال آماره F لیمر کمتر از سطح معناداری ۵ درصد باشد، استفاده از روش داده‌های تلفیقی منتفی است. در غیر این صورت اگر سطح معناداری از ۵ درصد بیشتر باشد، استفاده از روش داده‌های تلفیقی مناسب است. اگر مدل داده‌های تلفیقی در برابر داده‌های ترکیبی انتخاب نشود، آزمون هاسمن به منظور انتخاب الگوی اثرهای ثابت داده‌های ترکیبی در برابر الگوی اثرهای تصادفی داده‌های ترکیبی اجرا می‌شود. چنانچه مقدار احتمال آماره هاسمن کمتر از سطح معناداری ۵ درصد باشد، دلیل کافی برای رد الگوی اثرهای ثابت نداریم و برای آزمون فرضیه مذکور باید از الگوی اثرهای ثابت استفاده کنیم. در غیر این صورت اگر سطح معناداری از ۵ درصد بیشتر باشد، استفاده از الگوی اثرهای تصادفی مناسب است. در صورتی که نتایج این آزمون، مبنی بر به کارگیری داده‌ها به صورت داده‌های پانلی شود، می‌بایست برای تخمین مدل پژوهش از یکی از مدل‌های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده شود. برای انتخاب یکی از این دو مدل باید آزمون هاسمن اجرا شود.

فرض صفر: اثرات تصادفی^۲

فرض یک: اثرات ثابت^۳

جدول ۴- نتایج آزمون چاو، جهت تشخیص همگن یا ناهمگن بودن مقاطع

الگوی پژوهش	F	احتمال آماره F	نتیجه آزمون چاو
مدل پژوهش	۵/۷۸۵	۰/۰۰۰۰	فرض صفر رد می‌شود

همان گونه که در جدول شماره ۴ دیده می‌شود، نتیجه آزمون چاو، نشان می‌دهد که احتمال به دست آمده برای آماره F در تمام فرضیه‌های پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین برای آزمون این فرضیه‌ها، داده‌ها در تمام مدل‌ها به صورت تابلویی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آزمون هاسمن

در این آزمون از آماره چی‌دو با K درجه آزادی استفاده می‌شود اگر چی‌دو بدست آمده از مقدار جدول بیشتر بود، فرض صفر مبنی بر تصادفی بودن رد می‌شود و فرض آثار ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول ۵- نتایج آزمون هاسمن، جهت تشخیص استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی

الگوی پژوهش	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه آزمون
مدل پژوهش	۳۴/۸۵۶	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

در این آزمون فرضیه صفر بر مدل پانل دیتا با اثرات تصادفی و فرضیه مقابل بر مدل پانل دیتا با اثرات ثابت دلالت دارد. اگر آماره آزمون هاسمن بزرگ‌تر از مقادیر بحرانی‌اش و یا آماره احتمال آن (prob) کوچک‌تر از ۵ درصد باشد فرضیه صفر رد و فرضیه یک مبنی بر تأیید مدل اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. طبق نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل پژوهش، با توجه به اینکه در $\alpha = 0.05$ ، میزان آماره هاسمن برای مدل (۳۴/۸۵۶) شده است و از طرفی میزان $P\text{-Value} < 0.05$ است، لذا فرضیه صفر رد می‌شود. رد فرضیه صفر (H_0) نشان می‌دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می‌باشد و بایستی از روش اثرات ثابت استفاده شود.

۴-۴- آزمون فرضیه‌های پژوهش

در مطالعه حاضر روش برآورد مدل براساس داده‌های تابلویی است. این روش ترکیبی از اطلاعات سری زمانی (۱۳۹۶-۱۳۹۲) و داده‌های مقطعی (۱۳۷) شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار) می‌باشد. تمامی ارقام محاسبه شده برای هر یک از متغیرهای

1 - Panel Data

2 - Random Effects

3 - Fixed Effects

مدل بر حسب میلیون ریال می‌باشد. برنامه‌ی نرم‌افزاری مورد استفاده در این تحقیق، برنامه نرم‌افزاری Eviwse8 می‌باشد. مدل‌های برآورد شده با توجه به فرضیه‌های ارائه شده به صورت مدل‌های رگرسیون چند متغیره ارائه شده‌اند.

آزمون و مدل فرضیه اول:

آزمون فرضیه اول پژوهش به شرح زیر است:

$[H_0]$: کیفیت گزارشگری بر خطر کاهش قیمت سهام تأثیر معناداری ندارد.

$[H_1]$: کیفیت گزارشگری بر خطر کاهش قیمت سهام تأثیر معناداری دارد.

مدل رگرسیونی پژوهش به شرح زیر است:

$$R_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Delta WC + \beta_2 CO + \beta_3 CSCORE + \beta_4 CSCORE \times CO + \beta_5 SIZE + \beta_6 LEV \varepsilon_{i,t}$$

جدول ۶- نتایج آزمون فرضیه اول

نام متغیر	ضریب (Coefficient)	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	۱/۵۷	۲/۵۶	۰/۰۰۰۵
کیفیت گزارشگری	-۰/۲۶۴	-۴/۷۰	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۸۹	-۳/۲۸	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۹۸	-۲/۶۲	۰/۰۲۲
آماره F	۷/۳۸۳		(۰/۰۰۰)
سطح معنی‌داری (Prob.)		۲/۰۱	
آماره دوربین واتسون		۰/۱۱۵	
ضریب تعیین (R2)		۰/۱۰۷	
ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)			

تحلیل نتایج: با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ی اول، سطح معنی‌داری آماره F (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی دار است. آماره دوربین واتسون (۲/۰۱) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن (P-Value) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_1 نتایج آزمون نشان می‌دهد کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری بر خطر کاهش قیمت سهام دارد. بنابراین فرضیه H_0 پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای کنترلی وارد شده در رگرسیون تأثیر معنی‌داری بر خطر کاهش قیمت سهام دارند.

نتایج ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که در کل دوره پژوهش، حدود ۱۰ درصد از تغییرات خطر کاهش قیمت سهام تحت تأثیر کیفیت گزارشگری مالی و متغیرهای کنترلی بوده است.

مدل رگرسیونی پژوهش با توجه به نتایج جدول به شرح زیر است:

$$R = 1/57 + -0/264\Delta WC + -0/089SIZE + -0/098LEV$$

آزمون فرضیه دوم

آزمون فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر است:

$[H_0]$: تمرکز مالکیت بر خطر کاهش قیمت سهام تأثیر معناداری ندارد.

$[H_1]$: تمرکز مالکیت بر خطر کاهش قیمت سهام تأثیر معناداری دارد.

مدل رگرسیونی پژوهش به شرح زیر است:

$$R_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Delta WC + \beta_2 CO + \beta_3 CSCORE + \beta_4 CSCORE \times CO + \beta_5 SIZE + \beta_6 LEV \varepsilon_{i,t}$$

جدول ۷- نتایج آزمون فرضیه دوم

نام متغیر	ضریب (Coefficient)	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	۱/۵۷	۲/۵۶	۰/۰۰۰۵
تمرکز مالکیت	۰/۰۳۶	۱/۶۸	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۸۹	-۳/۲۸	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۹۸	-۲/۶۲	۰/۰۲۲
آماره F		۷/۳۸۳	(۰/۰۰۰)
سطح معنی داری (Prob.)		۲/۰۱	
ضریب تعیین (R2)		۰/۱۱۵	
ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)		۰/۱۰۷	

تحلیل نتایج: با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ی دوم، سطح معنی داری آماره F (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی دار است. آماره دوربین واتسون (۲/۰۱) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن (P-Value) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_2 نتایج آزمون نشان می‌دهد تمرکز مالکیت تاثیر مثبت و معنی داری بر خطر کاهش قیمت سهام دارد. بنابراین فرضیه H_0 پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای کنترلی وارد شده در رگرسیون تاثیر معنی داری بر خطر کاهش قیمت سهام دارند.

نتایج ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که در کل دوره پژوهش، حدود ۱۰ درصد از تغییرات خطر کاهش قیمت سهام تحت تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت) و متغیرهای کنترلی بوده است.

مدل رگرسیونی پژوهش با توجه به نتایج جدول به شرح زیر است:

$$R = 1/57 + 0/036CO + -0/089SIZE + -0/098LEV$$

آزمون فرضیه سوم

آزمون فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر است:

$[H_0]$: محافظه کاری بر رابطه بین تمرکز مالکیت و خطر کاهش قیمت سهام تاثیر معناداری ندارد.

$[H_1]$: محافظه کاری بر رابطه بین تمرکز مالکیت و خطر کاهش قیمت سهام تاثیر معناداری دارد.

مدل رگرسیونی پژوهش به شرح زیر است:

$$R_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Delta WWC + \beta_2 CO + \beta_3 CSCORE + \beta_4 CSCORE \times CO + \beta_5 SIZE + \beta_6 LEV \varepsilon_{i,t}$$

جدول ۸- نتایج آزمون فرضیه سوم

نام متغیر	ضریب (Coefficient)	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	۱/۵۷	۲/۵۶	۰/۰۰۰۵
محافظه کاری	-۰/۸۴۲	-۲/۰۱	۰/۰۰۱۵
محافظه کاری* تمرکز مالکیت	۰/۴۵۱	۱/۳۶	۰/۰۰۳۸
اندازه شرکت	-۰/۰۸۹	-۳/۲۸	۰/۰۰۰۰
نسبت بدهی	-۰/۰۹۸	-۲/۶۲	۰/۰۲۲
آماره F		۷/۳۸۳	(۰/۰۰۰)
سطح معنی داری (Prob.)		۲/۰۱	
ضریب تعیین (R2)		۰/۱۱۵	
ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)		۰/۱۰۷	

تحلیل نتایج: با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ی سوم، سطح معنی‌داری آماره $F (0/000)$ کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی دار است. آماره دوربین واتسون ($2/01$) در فاصله بین $1/5$ تا $2/5$ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن (P -Value) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_1 و β_2 نتایج آزمون نشان می‌دهد محافظه‌کاری تأثیر منفی و معنی‌داری بر خطر کاهش قیمت سهام دارد. همچنین اثر تعاملی محافظه‌کاری بر رابطه بین تمرکز مالکیت و خطر کاهش قیمت سهام تأثیر معناداری دارد. بنابراین فرضیه H_0 پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای کنترلی وارد شده در رگرسیون تأثیر معنی‌داری بر خطر کاهش قیمت سهام دارند.

نتایج ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که در کل دوره پژوهش، حدود ۱۰ درصد از تغییرات خطر کاهش قیمت سهام تحت تأثیر محافظه‌کاری و سازوکارهای حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت) و متغیرهای کنترلی بوده است. مدل رگرسیونی پژوهش با توجه به نتایج جدول به شرح زیر است:

$$R = 1/57 + -0/842CSCORE + 0/451CSCORE \times CO + -0/089SIZE + -0/098LEV$$

جدول ۹- خلاصه نتایج تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته

متغیر وابسته متغیرها	خطر کاهش قیمت سهام	
	سطح معناداری	تأثیر
مستقل متغیرها	رد فرضیه H_0	منفی
	رد فرضیه H_0	مثبت
	رد فرضیه H_0	منفی

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تأثیر تمرکز مالکیت، محافظه‌کاری و کیفیت گزارشگری بر خطر کاهش قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شد. نتایج نشان داد که تمرکز مالکیت تأثیر مثبت و معناداری در کاهش سقوط قیمت سهام در طول دوره پژوهش داشته است. همچنین نقش کیفیت گزارشگری مالی بر خطر کاهش قیمت سهام نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، و نتیجه مثبت و معناداری در این خصوص به دست آمد. نتایج حاکی از این مطلب بود که تمرکز مالکیت به تنهایی و بدون در نظر گرفتن تأثیر آن بر سطح محافظه‌کاری، موجب خطر کاهش سقوط قیمت سهام شده است.

نتایج پژوهش حاضر سودمندی محافظه‌کاری را به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی، تأیید و همچنین نقش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران را در کاهش فرصت‌های مدیر جهت پنهان نمودن اخبار بد تبیین نمود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی برای اطلاعات حسابداری محافظه کارانه ارزش قائلند، زیرا رویه‌های محافظه کارانه در گزارشگری مالی مانع از انباشته شدن اخبار بد در شرکت و ایجاد ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود.

تحلیل آماری برای متغیرهای کنترلی الگوی مدل آزمون نشان می‌دهد که ارتباط بین اندازه شرکت با رویداد سقوط قیمت سهام در هر دو مدل برازش شده معکوس و معنی دار است. این یافته نشان می‌دهد که هر چه اندازه شرکتها بزرگ تر باشد، ریسک سقوط قیمت سهام آنها پایین تر است. خلاصه نتایج تحقیق در جدول ۵-۱ ارائه شده است:

جدول ۱۰- خلاصه نتایج تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته

متغیر وابسته متغیرها	خطر کاهش قیمت سهام	
	سطح معناداری	تأثیر
مستقل متغیرها	عدم رد فرضیه صفر	منفی
	عدم رد فرضیه صفر	مثبت
	عدم رد فرضیه صفر	منفی

منابع

۱. آذر، عادل و مؤمنی، منصور (۱۳۸۶)، آمار و کاربرد آن در مدیریت، انتشارات سمت، چاپ دهم.
۲. خدایی، محمد و یحیایی، منیره (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران، مجله حسابداری مدیریت.
۳. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت.
۴. دیانتي، زهرا، مرادزاده، مهدی و سعید محمودی. (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر سرمایه گذاران نهادی بر کاهش ریسک سقوط (ریزش) ارزش سهام"، فصلنامه دانش سرمایه گذاری، سال اول، شماره دوم، تابستان، صص ۱-۱۸.
۵. صالح آبادی، علی و دلیرین، هادی. (۱۳۹۰)، بررسی حباب قیمتی در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال سوم، شماره ۹، بهار، صص ۶۱-۸۹.
۶. فتاحی، رضا (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر محافظه کاری حسابداری بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر.
۷. فروغی، داریوش، امیری، هادی و منوچهر میرزایی. (۱۳۹۰)، "تأثیر شفاف نبودن اطلاعات مالی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال سوم، شماره چهارم، شماره پیاپی (۱۰)، زمستان، صص ۱۵-۳۳.
۸. قائمی، محمد حسین و وطن پرست، محمدرضا (۱۳۸۸)، بررسی نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۱، صص ۸۵.
۹. نوروش، ایرج و مهرانی، ساسان (۱۳۹۲)، مروری بر حسابداری مالی، جلد دوم، انتشارات نگاه دانش، تهران.
10. Artiacha, T.C. Clarkson, P.M.(2011). Disclosure, conservatism and the cost of equity capital: A review of the foundation literature. Accounting and Finance 51 (2011) 2-49
11. Bauwhede, H.W. (2007). The Impact of Conservatism on the Cost of Debt: Conditional versus Unconditional Conservatism. Vlerick Leuven Gent Management School. <http://www.proquest.com>
12. Bigusy, J. Schachnerzund, L. Stein, I.(2009) Relationship Lending and Conservative Accounting? <http://www.proquest.com>
13. Callen, J.L. Segal, d.e. Hope, a. (2009). The pricing of conservative accounting and the measurement of conservatism at the firm-year level. <http://www.ssrn.com>.
14. Clinch, G., and Verrecchia, R.E.(1997). Competitive disadvantage and discretionary disclosure in industries. Australian Journal of Management 22 (2): 125-137.
15. Iatridis, G.E (2011). Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism. International Review of Financial Analysis. 20 (2011) 88-102
16. Karuna, C. (2010). Industry Product Market Competition and Internal Corporate Governance. <http://ssrn.com>

بررسی تأثیر رقابت در بازار محصول بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۰

کد مقاله: ۵۶۰۴۹

یکتا عباسیان^۱

چکیده

تحقیق حاضر در جستجوی بررسی رابطه بین رقابت در بازار محصولات و انگیزه های مدیران برای تحریف سودهای گزارش شده به وسیله آنان است ادبیات وسیعی در اقتصاد و حسابداری رهنمودهای نظری را در این زمینه فراهم کرده اند که چه گونه رقابت در بازار می تواند به کاهش مشکلات نمایندگی منجر شود یا گاهی اوقات به تشدید مشکلات نمایندگی منجر گردد. برای آزمون فرضیه ها از روش رو گرسون خطی استفاده شده است شاخص لرنر و مارک بیشتری داشته باشند میزان سطح مدیریت سود بیشتری دارند.

واژگان کلیدی: رقابت، بازار محصول، مدیریت سود

۱- مقدمه

رشد استدلال‌های اصلی علم اقتصاد بر این مبنا استوار است که رقابت در بازار محصولات، یک مکانیزم عالی برای تخصیص بهینه منابع تشکیل داده و دارای اثرهای انضباطی بر رفتار مدیران و بی‌کفایتی‌های آنان است. در مطالعات نیز نشان داده شده است که چطور مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مناسب زمانی که بازارها در خطر از بین رفتن یا از هم پاشیدن هستند مورد نیاز است (جیروود و مولر^۱، ۲۰۰۸). در صورت نبود مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مناسب تنها یک رقابت خوب است که نیاز به کنترل مدیران را برای حداکثر کردن ثروت سهامداران هدایت می‌کند (مارکاریان و سانتالو^۲، ۲۰۱۰). در تعدادی از مطالعات، ساختار بازار محصولات شرکت‌ها به عنوان عامل موثر بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، تأمین مالی، توزیع وجوه نقد، و حاکمیت شرکتی معرفی شده است.

فرضیه مدیریت سود، در ابتدا با عنوان هموارسازی به وسیله هپ ورث^۳ (۱۹۵۳) ارائه و بعداً توسط گوردن^۴ (۱۹۶۴) معرفی شد. اسکیرز^۵ (۱۹۹۷) مفهوم مدیریت سود را به عنوان مداخله عمودی مدیریت در فرایند گزارشگری مالی برای بدست آوردن سطح مورد انتظار سود تعریف می‌کند به عبارت دیگر، با توجه به مقاصد و اهداف مختلف مدیریت ممکن است سود افزایش یا کاهش یابد و یا هموار شود. شلیفر^۶ (۲۰۰۴) ادعا می‌کند که فشار رقابتی در بازار محصولات احتمال دستکاری سود در شرکتها را افزایش می‌دهد. وی دلیل این امر را به این نحو بیان می‌کند که در زمان وجود رقابت شدید در بازار، مدیران در خصوص دستکاری سود برای تحت تأثیر قرار دادن سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه از طریق اثر گذاشتن بر قیمت سهام و گزارش سود مناسب قبل از تحصیل آن تحت فشار هستند.

مدیریت بر سود به عوامل مختلفی بستگی دارد که یکی از آن‌ها رقابت در بازار محصول است. بر اساس ادبیات موجود رقابت در بازار محصول به عنوان یک سازو کار حاکمیتی برون سازمانی است. شرکت‌ها تصمیم‌های عملیاتی مختلفی اتخاذ می‌کنند در مورد مقدار تولید و فروش تصمیم می‌گیرند، محصول هایشان را تبلیغ می‌کنند، تأمین مالی را انجام می‌دهند، سپس شروع به تولید می‌کنند و سرانجام محصول‌ها را به مصرف‌کنندگان می‌فروشند. ماهیت رقابت در بازارهای محصول تقریباً بر رفتار شرکت‌ها در تمامی این مراحل تأثیر می‌گذارد. استدلال‌های اصلی علم اقتصاد بر این مبنا استوار است که رقابت در بازار محصولات، یک مکانیزم عالی برای تخصیص بهینه منابع تشکیل داده و دارای اثرهای انضباطی بر رفتار مدیران است در تعدادی از مطالعات، ساختار بازار محصولات شرکت‌ها به عنوان عامل مؤثری مطرح شده است که فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، تأمین مالی، توزیع وجوه نقد و حاکمیت شرکتی آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (نمازی و ابراهیمی، ۱۳۹۱، ۱۱). در فشار رقابتی در بازار محصولات احتمال دست‌کاری سود در شرکت‌ها افزایش می‌یابد زیرا در زمان وجود رقابت شدید در بازار، مدیران در خصوص دست‌کاری سود برای تحت تأثیر قرار دادن سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل از طریق اثر گذاشتن بر قیمت سهام و گزارش سود مناسب قبل از تحصیل آن، تحت فشار هستند (شلیفر، ۲۰۰۴).

با توجه به مطالب پیش گفته، به نظر می‌رسد که رقابت در بازار محصولات دارای اثرهای متقاضی‌انگیزه‌های مدیریت در خصوص دستکاری سود و به نوعی مدیریت سودهای گزارش شده باشد. در این راستا پژوهش حاضر به تجزیه و تحلیل تأثیر رقابت در بازار محصولات شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران و اثرهای آن بر دستکاری و مدیریت سود به وسیله مدیران شرکت‌ها با رویکرد مقایسه‌ای پرداخته است.

اهمیت این پژوهش آن است که سود شرکت‌ها از دیدگاه سهامداران، اعتبار دهندگان، و سایرین به عنوان یکی از معیارهای اصلی ارزیابی عملکرد و وضعیت شرکت به لحاظ کارایی است. با روشن شدن نتایج این پژوهش می‌توان دارای دیدگاه گسترده‌تری نسبت به ساختار رقابتی بازار در ایران و اثرهای آن بر مدیریت سود شرکت‌ها گردید. در مجموع می‌توان سوال اصلی پژوهش را بصورت زیر مطرح کرد، که آیا ساختار رقابتی بر انگیزه‌های مدیریت سود گزارش شده آنها تأثیر دارد؟

۲- هدف پژوهش

بین رقابت بازار محصول و مدیریت سود، ارتباطی معناداری وجود دارد.

1 Giroud & Muller (2008)

2 Markaryian & santalo (2010)

3 Hepworth (1953)

4 Gordon (1964)

5 Schipers (1997)

6 Shleifer (2004)

۳- مدیریت سود

فلسفه مدیریت سود، بهره‌گیری از انعطاف‌پذیری روش‌های استاندارد و اصول پذیرفته شده حسابداری می‌باشد. البته تفسیرهای گوناگونی که می‌توان از روش‌های اجرایی یک استاندارد حسابداری برداشت کرد، از دیگر دلایل وجود مدیریت سود می‌باشد. این انعطاف‌پذیری دلیل اصلی تنوع موجود در روش‌های حسابداری است. در زمانی که تفسیر یک استاندارد بسیار انعطاف‌پذیر است، یکپارچگی داده‌ها ارائه شده در صورتهای مالی کمتر می‌شود. اصول تطابق و محافظه کاری نیز می‌تواند باعث مدیریت سود شود. بنابر گفته بنبر^۱ و همکاران (۲۰۱۱)، شرکت باید، سود سه ماهه نخست سال مالی خود را بدون اضافه نمودن به موجودی نقد و تنها با استفاده از روشهای تعهدی حسابداری استهلاک، معافیت‌های مالیاتی سرمایه‌گذاری‌ها و به حساب دارایی بردن بهره، افزایش دهد. مدیران شرکت تأکید کرده‌اند که این کار برای ارائه‌ی صورتهای مالی واقعی‌تر و قابل مقایسه کردن صورتهای مالی شرکت، با سایر شرکتهای در صنعت مشابه، صورت گرفته است. تحلیلگران مالی و حساب‌رسان از این پدیده به عنوان «ترفند حسابداری» نام می‌برند. این در حالی است که تمامی این اقدامات در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری صورت گرفته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌ها از روی قصد، سودهای گزارش شده را با استفاده از انتخاب سیاست‌های حسابداری خاص خود تغییر در برآوردهای حسابداری و اقلام تعهدی دستکاری می‌کنند تا به هدف‌های موردنظر خود برسند (میلر و جون^۲ ۲۰۰۱). تحلیلگران مالی انتظار دارند که شرکت‌ها به پیشبینی‌های انجام گرفته برسند و مغایرتی نداشته باشند، این مهم برای شرکتهایی که قابل اتکاءتر هستند، بیشتر صادق است. تحلیلگران مالی و سرمایه‌گذاران از انحراف میان مقادیر پیش بینی شده و واقعی بسیار ناراضی خواهند بود (گیلرود و ملرود^۳ ۲۰۱۱). از این انحرافات در مدیریت سود، بیشتر استفاده می‌شود. در مغایرت منفی، صاحبان سود، مدیریت سود را تقلب می‌دانند در حالیکه در مغایرت مثبت، مدیریت سود را اقدامی بدون مشکل و طبق صلاحدید مدیریت قلمداد می‌نمایند (هوبرگ و فیلیس^۴ ۲۰۱۰). برخلاف اینکه، اکثر افراد هموارسازی را سوءاستفاده از انعطاف‌پذیری در گزارشگری می‌دانند، به نظر ما، مدیران با خرد که هدفشان افزایش ارزش شرکت‌هایشان می‌باشد، در چارچوب الزامات قانونی و حسابداری اقدام به بیشتر کردن ارزش شرکت تحت نظر خود، می‌نمایند (کیرشنهیتز و ملومند^۵ ۲۰۰۲). در مقابل، اگر داده‌های آورده شده در صورتهای مالی به زیان صاحبان سود تغییر کند، تقلب مدیریت در جهت مقاصد فردی اش محسوب می‌گردد. هانت، مویر و شلوین^۶ (۱۹۹۷)، بررسی کرده‌اند که آیا صلاحدید مدیریت که در مدیریت سود اعمال می‌شود، بر ارزش شرکت اثری دارد یا خیر. یافته‌های پژوهش‌های آنها نشان داد که نشان دادن رقم پایین‌تر برای سود حاصل از اقلام معوق، باعث افزایش ارزش بازار سرمایه می‌شود. آشکار است هنگامی که نظرات شخصی مدیریت باعث کاهش سود می‌شود، یکپارچگی داده‌های ارائه شده در صورتهای مالی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. بازی با «ارقام مالی» (نامی که گاهی اوقات برای مدیریت سود به کار می‌رود)، می‌تواند تأثیر کاملاً منفی، در هنگام کشف شدن باقی گذارد. «با استفاده از حسابداری مدیریت سود، مدیریت می‌تواند تصورات سایرین نسبت به عملکرد شرکت‌اش را تغییر دهد. ارزیابی قدرت سودآوری شرکت ممکن است به اشتباه تعبیر شود و باعث تعیین نامناسب قیمت اوراق بدهی و سرمایه شود. هنگامی که اشتباهاتی کشف می‌شود، شرکت دیگر اطمینان بازار را به دست نخواهد آورد. و این باعث کاهش شدید قیمت اوراق بدهی و سرمایه‌اش خواهد شد.» (هانگ و لی^۷ ۲۰۱۳)

مدیریت سود در ادبیات حسابداری از مباحثی است که در حوزه سود حسابداری مطرح می‌شود. این مبحث در حسابداری حدوداً از اوایل قرن بیستم به بعد با تحقیقات مختلفی توسط صاحب‌نظران رشته حسابداری شکل گرفت. هر یک از این پژوهش‌ها از ابعاد خاصی و با عبارات متفاوتی نظیر دستکاری سود، هموارسازی سود و در نهایت مدیریت سود به موضوع پرداخته‌اند. در ادبیات حسابداری تعاریف گوناگونی از مدیریت سود ارائه شده است که در ادامه به چند مورد آن اشاره می‌شود. دیوید سون و همکاران^۸ (۱۹۸۷) مدیریت سود را فرایند برداشتن گام‌های عمدی در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری که مدیران را قادر می‌سازد تا سود گزارش شده را به سطح مطلوب خودشان برسانند؛ تعریف می‌کنند. شپیر^۹ (۱۹۸۹) مدیریت سود را مداخله‌های هدفمند در فرایند گزارشگری مالی خارجی به قصد به دست آوردن منافع شخصی بیان می‌دارد.

بیتی^{۱۰} (۱۹۹۴) مدیریت سود را فرایند تصمیم‌گیری آگاهانه با رعایت اصول پذیرفته شده حسابداری به منظور رساندن سود گزارش شده به سطح مورد نظر، تعریف کرده است.

- 1 Beiner
- 2 Miller & June (2001)
- 3 Giroud, X. and Mueller
- 4 Hoberg, G. and Phillips,
- 5 Kirschneiter & Mellomand (2002)
- 6 Hant & Moyer & Shelvin (1997)
- 7 Huang, and Lee,
- 8 Davidson et al (1987)
- 9 Sheiper (1989)
- 10 Beatie (1994)

اسکات^۱ (۱۹۹۷) مدیریت سود را به عنوان انتخاب سیاستهای حسابداری به منظور دستیابی به برخی اهداف خاص تعریف کرده است.

هیلی و وال^۲ (۱۹۹۹) تعریف زیر را برای مدیریت سود ارائه کرده‌اند: "مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیر برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می‌کند، و این کار را با هدف گمراه کردن برخی از سهامداران درباره عملکرد واقعی اقتصادی و یا برای تاثیر در نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارند، انجام می‌دهد." دی جورج و همکاران^۳ (۱۹۹۹) مدیریت سود را به عنوان نوعی دستکاری مصنوعی سود، توسط مدیریت برای حصول به سطح مورد انتظار سود برای بعضی تصمیمات خاص تعریف می‌کنند در نظر آن‌ها انگیزه واقعی اصلی مدیریت سود، تصور سرمایه گذار در مورد مدیریت واحد تجاری است. (نقل از کارانا^۴ و همکاران، ۲۰۱۲)

جونز و شارما^۵ (۲۰۰۱) معتقدند مدیریت سود نوعی اقدام آگاهانه با هدف طبیعی نشان دادن سود شرکت به یک سطح مطلوب و مورد نظر می‌باشد، به عقیده جونز و شارما مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران با استفاده از قضاوت در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات جهت گمراه نمودن بعضی از ذینفعان درباره‌ی عملکرد اقتصادی شرکت یا تحت تاثیر قرار دادن نتایج قراردادی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، در گزارشگری مالی تغییر ایجاد می‌کند.

سالمون^۶ (۲۰۰۵) معتقد است مدیریت سود یک دستکاری آگاهانه و فعال در نتایج حسابداری به منظور ایجاد تغییر در نشان دادن وضعیت تجاری واحد اقتصادی می‌باشد.

از نظر اسکات^۷ (۲۰۰۰) مدیریت سود اختیار شرکت در انتخاب روش‌ها و رویه‌های حسابداری برای دستیابی به برخی اهداف خاص مدیر است. به نظر می‌رسد که مدیریت سود معمولاً از استفاده مدیران از مزایای عدم تقارن اطلاعاتی سهامداران ناشی می‌شود. این مساله کانون تعریف ارائه شده توسط اسکات نیز می‌باشد. از طرف دیگر به نظر می‌رسد بتوان بین مبانی نظری مربوط به مدیریت سود و ادبیات مربوط به تئوری‌های اثباتی حسابداری رابطه‌ای منطقی پیدا نمود. تئوری اثباتی حسابداری توسط واتر و زیمرمن معرفی و رواج یافت. اصطلاح اثباتی برای جدا نمودن تحقیقات حسابداری که به منظور توضیح پدیده‌ها انجام می‌شود از تحقیقات حسابداری که به منظور اتخاذ و صدور حکم و دستور صورت می‌گیرد، بکار می‌رود. به اعتقاد واتر و زیمرمن تئوری اثباتی حسابداری به تشریح رویه‌های حسابداری می‌پردازد. این تئوری برای توضیح و پیش بینی رفتار شرکت‌هایی که می‌خواهند از یک رویه خاص استفاده کنند و همچنین شرکت‌هایی که نمی‌خواهند از رویه‌ای مشخص استفاده کنند بکار می‌رود. این تئوری در مورد اینکه شرکت‌ها از چه رویه‌هایی باید استفاده کنند توضیحی نمی‌دهد (نقل از هانگ و لی، ۲۰۱۳).

تئوری اثباتی به روابط بین اشخاص مختلفی که منابع واحد تجاری را تامین می‌کنند توجه دارد و چگونگی کمک حسابداری در انجام این وظیفه را توضیح می‌دهد. نمونه‌هایی از این روابط عبارتست از رابطه میان مالکان (تامین کنندگان سرمایه) و مدیران (عرضه کنندگان کار مدیریت) یا رابطه بین اعتبار دهندگان و مدیران شرکت. روابط مزبور مستلزم تفویض تصمیم‌گیری از یک طرف (موکل) به طرف دیگر (وکیل یا نماینده) است که از آن به عنوان رابطه کارگزاری یاد می‌شود. تئوری اثباتی حسابداری بر این فرض اقتصادی مبتنی است که اعمال اشخاص برای نفع شخصی انجام می‌شود و اشخاص این اعمال را برای افزایش ثروت خود و به طریقی فرصت طلبانه انجام می‌دهند.

۴- رقابت در بازار محصول

جداسازی مالکیت از مدیریت به ایجاد تضاد منافع بین مالک و نماینده (مدیر) منتهی می‌شود. مدیران در جهت منافع سهامداران فعالیت نمی‌کنند و ممکن است از دارایی‌های شرکت استفاده نامعقول نمایند. بنابراین بین مالک و مدیر تضاد منافع وجود دارد. وجود تضاد منافع بین مدیران و سهامداران می‌تواند به مشکلات و مسایل نمایندگی منتهی شود که براساس نظریه نمایندگی، دارای هزینه است. هزینه نمایندگی در نتیجه جداسازی مالکیت و کنترل افزایش پیدا می‌کند. این تضاد منافع مولد انگیزه لازم برای مدیریت در جهت بهینه نمودن منافع خویش و در نتیجه انجام حرکاتی است که غالباً زیان سرمایه‌گذاری را در بر دارد (مجتهدزاده، ۱۳۹۰). مطابق تئوری نمایندگی نئو کلاسیک از نظر شرکت، زمانیکه سرمایه‌گذاران، نمایندگان را در اداره کردن داراییها بکار میگیرند، نمایندگان مایل نیستند در راه حداکثر کردن اصل سرمایه عمل کنند. از نظر تئوری نمایندگی مدیران ارزش را حداکثر نمی‌کنند اما فقط زمانی که برای حفظ بقاءشان ضروری است ارزش را حفظ می‌کنند رقابت در بازار محصول یک نافذ

1 Scoth (1997)

2 Hilly & Wahlen (1994)

3 De George et al (1999)

4 Karuna

5 Jones & Sharma (2001)

6 Salamon (2005)

7 Scoth (2000)

قدرتمند برای غلبه بر مشکل نمایندگی بین سهامداران و مدیران است. مدیریت قوی در رقابت سخت بازار محصول باعث بهبودی عملکرد مالی و گرفتن بهترین تصمیمات برای آینده می شود (فر، ۲۰۱۳).

آلن و گال^۲ (۲۰۰۰) یک مدل را بدست آوردند که نشان می دهند رقابت در بازار محصول نقش اعمال کنترل را ایفا می کنند. شرکت های با کنترل بالا بیشتر از شرکت های با کنترل پایین در بازار اعمال کنترل دارند. در مدل آلن و گال، رقابت به عنوان یک جانشین برای سازوکارهای حاکمیت شرکتی خارجی عمل می کند. هرمالین^۳ (۱۹۹۲) از مدل نظری استفاده کرد که نشان داد افزایش قدرت داد و ستد سهامداران می تواند مشکل نمایندگی را کاهش دهد و مدیران را نسبت به رقابت بیشتر حساس کند (چو و همکاران، ۲۰۱۱).

از طرفی دیگر، براساس ادبیات تئوری نمایندگی، استفاده بیشتر از بدهی ها در ساختار سرمایه ی شرکت، به عنوان یکی از راه های کاهش هزینه های نمایندگی معرفی می شود، چراکه استفاده بیشتر از بدهی ها در ساختار سرمایه ی شرکت، از طریق کاهش نیاز به تامین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام، باعث کاهش تعارضات و تضاد منافع بین مدیران و سهامداران می شود. مطابق با ادبیات نوین تامین مالی نیز، تعارضات نمایندگی به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده ساختار سرمایه شرکت ها محسوب می شود. هم چنین، تصمیمات تامین مالی، به عنوان یکی از تصمیمات استراتژیک در اداره ی شرکت ها، تحت تاثیر ساز و کارهای راهبری و اداره ی شرکت ها قرار دارد (نقل از مارکینگ^۴، ۲۰۱۰).

۵- روش تحقیق

با توجه به این که بررسی تاثیر قدرت بازار محصول و رقابت در سطح صنعت بر مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دید بهتر و کامل تری به مدیران و فعالان بازار سرمایه جهت تصمیم گیری ها دهد و موجب تخصیص بهینه منابع و در نهایت رشد اقتصادی گردد، در این پژوهش، رابطه بین مدیریت سود و نوع اظهار نظر حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش از جنبه هدف، از نوع تحقیقات کاربردی به شمار می رود، زیرا نتایج حاصل از آن می تواند در تصمیمات مدیران و سرمایه گذاران مورد استفاده قرار گیرد. همچنین از بعد نحوه استنباط در خصوص فرضیه های پژوهش، در گروه تحقیقات توصیفی - همبستگی قرار می گیرد، زیرا جهت کشف روابط بین متغیرهای پژوهش، از تکنیک های رگرسیون و همبستگی استفاده خواهد شد که به این ترتیب، از نظر استدلالی، استدلال قیاسی است.

۶- نتایج پژوهش

ضریب همبستگی جهت و شدت رابطه بین دو متغیر را تعیین می کند. ضریب همبستگی ۰/۷، هفتاد درصد از رابطه بین متغیر ها را تبیین نمی کند. ضریب همبستگی را نمی توان به صورت نسبت مورد مقایسه و تفسیر قرار داد. مثلاً نمی توان گفت که ضریب همبستگی ۰/۹ دقیقاً دو برابر ضریب ۰/۴۵ است

جدول ۱- ضرایب همبستگی

متغیر مدیریت سود	لرنر	مارک آپ	اهرم مالی	سودآوری	سرمایه گذاری	اندازه شرکت
متغیر مدیریت سود	۱					
لرنر	۰,۱۴	۱				
مارک آپ	۰,۲۴	۰,۰۰	۱			
اهرم مالی	۰,۳۳	۰,۵۷	۰,۲۱	۱		
سودآوری	۰,۹۰	۰,۹۵	۰,۵۰	۰,۵۳	۱	
سرمایه گذاری	۰,۵۳	۰,۳۲	۰,۳۱	۰,۹۳	۰,۵۰	۱
اندازه شرکت	۰,۳۴	۰,۰۰	۰,۰۵	۰,۵۴	۰,۴۰	۰,۲۸

مأخذ: یافته های پژوهش

با توجه به توضیحات بالا می توان گفت که متغیر کیفیت گزارشگری مالی همبستگی مثبت و اما غیر معنادار با شاخص لرنر دارد و دارای همبستگی مثبت و ضعیف و البته غیر معنادار با متغیر اقلام تعهدی اختیاری شرکت است. متغیر شاخص لرنر دارای

1 Ferrer
2 Allen & gaal (2000)
3 Hermalin
4 Markarian

همبستگی مثبت و قوی و معنادار با متغیر شاخص مارک آپ شرکت است و علاوه بر آن با متغیر اندازه ی شرکت نیز دارای همبستگی قوی و مثبت و معنادار است. متغیر شاخص مارک آپ علاوه بر متغیر شاخص لرنر با متغیر اندازه ی شرکت نیز دارای همبستگی قوی و مثبت و معنادار است. و در دیگر متغیرها همبستگی معناداری مشاهده نشده است.

آزمون معنی داری مدل

با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل اصلی به شرح جدول (۲) مشاهده می شود که مقدار P-Value مربوط به آماره $F(\text{prob}(F\text{-statistic}))$ که بیانگر معنی دار بودن کل رگرسیون می باشد، برابر ۰,۰۰ بوده و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰,۸۴۵ بوده و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۸۵٪ از تغییرات متغیر وابسته از طریق تغییرات متغیرهای مدل قابل تبیین است.

جدول ۲: نتایج آزمون رگرسیون تابلویی مدل تحقیق

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره T	احتمال	نوع رابطه	سطح معنی داری
لرنر	-۱۷۳۱۰۰۵	۴۷۲۲۷۰,۵	-۳,۶۳	۰,۰۰	منفی معنادار	%۹۹
نسبت بدهی	۸۵۴۱۲۰	۵۴۱۲۷,۷	۱,۸۴	۰,۵۲	مثبت معنادار	%۹۰
سرمایه گذاری	۴۵۸۶,۳۷	۶۴۸۳۹,۱۷	۰,۷۲	۰,۴۴	بی معنا	-
اندازه شرکت	-۲۴۳۶۲۷,۷	۵۶۸,۱۷	-۳,۲۰	۰,۰۰	منفی معنادار	%۹۹
سودآوری	-۲۴۵۷,۵۹	۱۲۴۱,۲۶	-۲۳,۸۳	۰,۰۰	منفی معنادار	%۹۹
C	۲۹۹۸۶۲۸	۵۰۲۴۷,۵	۵,۸۹	۰,۰۰	مثبت معنادار	%۹۹
	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف از میانگین رگرسیون	آماره ی F	احتمال آماره F	دوربین - واتسون
آماره ها	۰,۷۴۵	۰,۷۴۵	۲۱۴۵۲,۸	۲۰۳,۳	۰,۰۰	۲,۳۲۵

متغیرهای کنترلی اهرم مالی شرکت در سطح ۹۰ درصد رابطه مثبت معنادار با متغیر وابسته پژوهش دارد، سودآوری و اندازه ی شرکت در سطح ۹۵ درصد، دارای رابطه ی منفی معنادار و متغیر سطح سرمایه گذاری شرکت با متغیر وابسته ی پژوهش رابطه ی معناداری ندارند.

جدول ۳: خلاصه ی نتایج به دست آمده

متغیر	مربوط به فرضیه	تایید و یا رد شدن رابطه
شاخص لرنر در صنعت غذایی	اول	تایید - رابطه منفی و معنادار
اهرم مالی شرکت	متغیر کنترلی	تایید - رابطه مثبت و معنادار
سودآوری شرکت	متغیر کنترلی	تایید - رابطه منفی و معنادار
سطح سرمایه گذاری شرکت	متغیر کنترلی	بی معنا
اندازه ی شرکت	متغیر کنترلی	تایید - رابطه منفی و معنادار

۷- نتیجه گیری

در تعدادی از مطالعات، ساختار بازار محصولات شرکتها به عنوان عامل مؤثری مطرح شده است که فعالیت های سرمایه گذاری، تأمین مالی، توزیع وجوه نقد و حاکمیت شرکتی آنها را تحت تأثیر خود قرار می دهد (گروتن و میکلی، ۲۰۰۷؛ فاما، ۱۹۸۰). در پژوهش حاضر به نتیجه رسیدیم که افزایش رقابت موجب کاهش مدیریت سود می شود که با پژوهش مارکاریان و "رقابت در بازار محصول، رقابت در بازار محصول، اطلاعات و مدیریت سود" مطابقت دارد، که اظهار دارند رقابت در بازار محصولات دارای اثرهای مثبتی بر مدیریت سود است؛ اما هنگامی که جریان اطلاعات در مورد صنعت بالاست، رقابت دارای اثرهای منفی بر مدیریت سود شرکتهاست. می توان نتیجه گرفت که ممکن است در شرکتها به دلیل بالا بودن جریان اطلاعات افزایش رقابت موجب کاهش مدیریت سود شود.

باتوجه به مقاصد و اهداف مختلف مدیریت، ممکن است سود افزایش یا کاهش یابد و یا هموار شود. در تحقیق حاضر نتایج نشان می دهد که در شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هرچه شاخص های لرنر و مارک آپ افزایش یابند، میزان دستکاری مدیریت در سود شرکت افزایش می یابد که این نتایج با تحقیق شلیفر (۲۰۰۴) مطابقت دارد که معتقد است در زمان وجود رقابت در بازار کمتر و قدرت صنعت بیشتر، مدیران شرکت ها ممکن است در خصوص دستکاری سود

برای تحت تأثیر قرار دادن سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه از طریق اثر گذاشتن بر قیمت سهام و گزارش سود مناسب قبل از تحصیل آن، تحت فشار باشند. در همین راستا، مارکاریان و سانتالو (۲۰۰۸) نیز بیان می‌کنند که شدت ساختار رقابتی صنایع بر تصمیمات گزارشگری مالی مدیران تأثیر می‌گذارد. داتا و همکاران (۱۹۹۵) در دیدگاهی دیگر، یکی دیگر از انگیزه‌های دستکاری سود به وسیله مدیران را استراتژی محدود و پیچیده‌تر کردن اطلاعات موجود برای رقیب در خصوص تلاش برای حفظ مزیت رقابتی می‌دانند. بنابراین، بر اساس این استدلال و با تطبیق بر پژوهش حاضر مدیران در شرکت‌های مواد غذایی که رقابت در بازار بیشتر و قدرت صنعت کمتری دارند و شاخص لرنر و مارک آپ پایینتری دارند، ممکن است انگیزه مدیریت سود بیشتری برای محدود کردن اطلاعات در دسترس برای رقیب را داشته باشند.

پیشنهادهای کاربردی پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که انحصار (عدم رقابت در سطح صنعت، عامل مهمی در انجام مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. لذا، رفع انحصار در صنایع شاید بتواند تا حدود زیادی بر افزایش نظارت بر شرکت‌های فعال در آن صنایع، افزایش پاسخگویی و میل به شفافیت در آنان، منجر شود. لذا مهمترین پیشنهاد برخاسته از یافته‌های این تحقیق که تحقق آن شاید نیازمند شرایط متعددی باشد، افزایش رقابت در سطح صنایع فعال در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد تا به تمایل آنان برای افزایش شفافیت بیافزاید.
۲. یافته‌های تحقیق نشان دادند که قدرت بازار محصول، می‌تواند منجر به کاهش مدیریت سود گردد و بنابراین، سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی باید در نظر داشته باشند که شرکت‌های قدرتمندتر در بازار، به مدیریت سود کمتری می‌پردازند.
۳. به استفاده کنندگان صورت‌های مالی، پیشنهاد می‌شود در هنگام مطالعه صورت‌های مالی شرکت‌ها و اخذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، نقش کاهنده رقابت در سطح صنعت و قدرت بازار محصول شرکت بر مدیریت سود را مورد توجه قرار دهند.

منابع

1. Beiner, S., Schmid, M. M. and Wanzenried, G. (2011). Product market competition, managerial incentives and firm valuation. *European Financial Management*, Vol. 17, pp. 331-366
2. Datta, S., M, Iskandar-Datta., and V.Singh. (2012). "Product Market Power, Industry Structure, and Corporate EarningsManagement." *Journal of Banking and Finance*, Vol. 37, No. 8, pp. 3273-3285
3. Ferrer, C.E., (2013). "Oligoposony-Oligopoly the Perfect Imperfect Competition", *Journal Procedia Economics and Finance*, Vol 5, pp 269-278
4. Hoberg, G. and Phillips, G. M. (2010). Real and financial industry booms and busts. *Journal of Finance*, 65, 45-86
5. Huang, H. and Lee, H. (2013). Product market competition and credit risk, *Journal of Banking & Finance*, Vol. 37, pp. 324-340
6. Karuna, C., and Subramanyam, K.R., and F. Tian. (2012). "Industry Product Market Competition and Earnings Management." Available at SSRN: <http://ssrn.com>
7. Markarian, G., and J. Santaló. (2010). "Product Market Competition, Information and Earnings Management." IE Business School Working Paper.
8. Giroud, X. and Mueller, H. (2011). Corporate governance, product market competition, and equity prices. *Journal of Finance*, Vol. 66, pp. 563-600
9. Grullon, G. and Michaely, R. (2007). Corporate payout policy and product market competition. working paper, Cornell University. available at www.ssrn.com
10. Shleifer, A. (2004). "Does Competition Destroy Ethical Behavior?." *American Economic Review*, Vol. 94, No. 2, PP. 18-41.
11. Shleifer, A., and R. Vishny, (1997), "A Survey of Corporate Governance," *Journal of Finance*, 52, pp.737-783

فصلنامه علمی تخصصی پژوهش
در حسابداری و علوم اقتصادی
سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۸)، پاییز ۹۸

پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

Jares.ir

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱

۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷
۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹
۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴